



بیستوفیل

فلسفه یازدهم - انسانی





نوטר و فیل خونه رتبه برترها

قبولی های کنکور ۱۴۰۴



تک رقمی نوטר و فیل

رتبه ۸



ایمان نیک نام جهرمی

دور رقمی های نوטר و فیل

رتبه ۱۴



امیر محمد کیانی

رتبه ۱۶



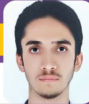
آریا قهرمانی

رتبه ۲۰



سینا راضی

رتبه ۳۲



امیر محمد رضائی

رتبه ۵۵



مهسا سیاوشی

رتبه ۵۹



ایمان انفرادی

رتبه ۶۱



بهار هلالی

رتبه ۷۵



محمد صالح عارفی

رتبه ۸۰



محمد مهدی شریفی

سه رقمی و چهار رقمی های نوטר و فیل

رتبه ۱۴۷



محدثه حیدری

رتبه ۱۶۰



اشکان کوثری

رتبه ۱۶۹



هانیه خواجه

رتبه ۲۲۲



امیر محمد شکوهی

رتبه ۲۵۹



ابوالفضل ناصریان

رتبه ۲۷۱



فاطمه سادات موسوی

رتبه ۳۰۸



سید علی اکرمی

رتبه ۳۴۱



حمیدرضا بشیری

رتبه ۴۳۲



سید محمدصادق حسینی

رتبه ۴۷۳



زهره بابائی

رتبه ۵۱۴



محمد پارسا عبدالله آبادی

رتبه ۵۳۲



فاطمه شاهسونند

رتبه ۵۳۷



ریحانه حیدری

رتبه ۵۳۹



نجمه کیخا

رتبه ۵۴۶



حسین تفضلی نژاد

رتبه ۵۵۷



محمد صالح زارعی

رتبه ۵۷۰



زهره ولی نژاد

رتبه ۶۰۶



سجاد محمودی زاده

رتبه ۶۶۱



فاطمه اصغری

رتبه ۶۶۷



سیاوش مصطفایی

رتبه ۶۷۲



محمد ماهان عنبرستانی

رتبه ۶۹۱



بهار ضرغامی

رتبه ۷۱۴



محمد یزدیان

رتبه ۷۸۱



احسان قنبری

رتبه ۷۸۶



نیما غفاری

رتبه ۸۰۳



مائده رنجبر

رتبه ۸۰۴



آرمین رضایی

رتبه ۸۹۳



فاطمه مشاوری نجف آبادی

رتبه ۹۰۹



کیمیا فدائی

رتبه ۹۴۷



صفورا بقائی

رتبه ۱۰۵۲



پویان فریور افشار

رتبه ۱۰۵۸



الینا جلالی فر

رتبه ۱۱۲۲



علی طاهر زاده

رتبه ۱۱۲۷



زهره بابائی

رتبه ۱۲۳۴



مطهره توحیدی

رتبه ۱۲۳۶



مبینا ایزدی

رتبه ۱۲۸۴



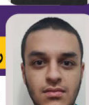
بهار امیری

رتبه ۱۲۸۴



فاطمه معین زاده

رتبه ۱۳۵۰



علی زینلی

رتبه ۱۳۷۲



پارسا رضایی

رتبه ۱۴۲۴



سید امیر حسین حسینی

رتبه ۱۴۸۳



سینا خاوری خراسانی

رتبه ۱۴۹۳



محمد مهدی خرم زاده

رتبه ۱۵۰۳



فاطمه رحیم زاده

رتبه ۱۵۳۴



فاطمه عبیری

رتبه ۱۶۲۸



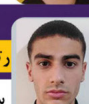
امیر محمد فکور حقیقی

رتبه ۱۶۳۹



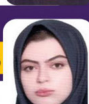
ابوالفضل نیرومند

رتبه ۱۶۷۸



سجاد یکنی

رتبه ۱۶۹۶



ندا ملک شاهی

رتبه ۱۷۳۱



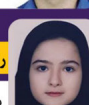
محمد رضا محسنی

رتبه ۱۷۵۴



هللیا حاجیلوئی

رتبه ۱۹۶۶



مهسا رضایی مقدم

رتبه ۲۰۱۵



علی شیرزاد

رتبه ۲۵۵۹



سارا حمزه

رتبه ۲۶۲۵



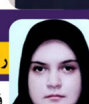
زهره مجمعی

رتبه ۲۷۱۱



محمد غلامی

رتبه ۲۷۵۱



فهمیه سیدآبادی

رتبه ۲۷۸۱



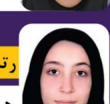
سعید شبانی

رتبه ۲۷۹۴



مریم بادللی

رتبه ۲۸۱۰



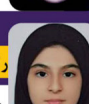
هدیه رحیمی

رتبه ۲۸۸۱



پارسا جمال امیدی

رتبه ۳۱۳۳



صبا شایع ثانی

رتبه ۳۲۴۴



هللیا سجادی

رتبه ۳۳۴۳



سینا ارزمانی



مشاوره کنکور نوتروفیل

بیستوفیل فلسفه درس ۱ یازدهم

سال یازدهم
انسانی

فهرست

- ۱ مقدمه
- ۱ انسان و تفکر
- ۱ دانش فلسفه و واژه فلسفه و ویژگی های آن



مقدمه

۱ کدام پرسش فلسفی است؟

۲ جهان از چه موادی تشکیل شده است؟

۱ آغاز و انجام جهان چگونه است؟

انسان و تفکر

به سؤالات زیر پاسخ کامل دهید:

۲ مضمون بیت «تو کز سرای طبیعت نمی روی بیرون / کجا به کوی طریقت گذر توانی کرد» به کدام جنبه های فطری انسان اشاره دارد؟ این دو جنبه را با یکدیگر مقایسه کنید.

۳ فطرت اول را با مثال تعریف کنید.

به سؤالات زیر پاسخ کامل دهید

۴ تفکر غیرفلسفی را با تفکر فلسفی مقایسه کنید.

دانش فلسفه و واژه فلسفه و ویژگی های آن

۵ دانش فلسفه و فیزیک از چه جهاتی قابل تمایز هستند؟

۶ مهم ترین هدف سوفیست ها از اشتغال به تعلیم سخنوری و وکالت چه بود؟ و در استدلال های خود بیشتر از چه چیزی کمک می گرفتند؟

۷ چرا سقراط مایل نبود او را سوفیست یا دانشمند بخوانند؟



گزینه درست را انتخاب کنید.

۸ الف) کدام پرسش فلسفی است؟

- ۱) زیبایی وجود دارد یا ساخته ذهن ما است؟
- ۲) کدام نقاش در آثار هنری اش بیشتر از گل سرخ استفاده نموده است؟

ب) کدام عبارت به معرفت‌شناسی مربوط می‌شود؟

- ۱) موجودات جهان به دو دسته زوال‌پذیر و زوال‌ناپذیر تقسیم می‌شوند.
- ۲) انسان توانایی درک حقایق را دارد.

ج) هدف افلاطون در تمثیل غار، نشان دادن چه چیزی است؟

- ۱) نشان دادن اینکه فلسفه چگونه انسان را به سمت شناخت حقیقی هدایت می‌کند.
- ۲) به سمت آزادی حقیقی هدایت می‌کند.

د) راز سروش معبد دلفی از نظر سقراط چه بود؟

- ۱) نشان دادن میزان دانایی‌های انسان
- ۲) آگاهی انسان از نادانی‌هایش

ه) در مورد توانایی شناخت در انسان نمی‌توان گفت

- ۱) به واسطه گستردگی شناختی انسان، شناخت و فهم ما از جهان و خود، نامحدود است.
- ۲) انسان علاوه بر شناسایی اشیاء و پدیده‌های پیرامون، گاهی هم به مسائل فراتر از مسائل محسوس و پیرامونی می‌اندیشد. به سؤالات زیر پاسخ کوتاه دهید.

۹ چرا در بررسی مسائل فلسفی نمی‌توان از حواس یا ابزارهای حسی بهره برد؟

۱۰ دلیل احتمالی اینکه سقراط مایل نبود او را سوفیست بخوانند چه بود؟

۱۱ سقراط در مقابل سوفیست‌ها خودش را چه نامید؟ به چه معنا؟

۱۲ با توجه به تمثیل غار افلاطون، چرا زندانیان در غار سخنان جوانی را که برای رهایی آنها برگشته بود نمی‌پذیرفتند و پس از شنیدن سخنان او به یکدیگر چه می‌گفتند؟

۱۳ مفاهیم ستون سمت راست را با مفاهیم ستون سمت چپ مرتبط کنید. (سمت چپ یک مورد اضافی است).

- | | |
|-----------------------------|-----------------------|
| الف) دومین مرحله تفکر فلسفی | ۱) دانش |
| ب) معنای امروزی کلمه فلسفه | ۲) روش عقلی و قیاسی |
| ج) روش فلسفه | ۳) طرح پرسش‌های فلسفی |
| | ۴) دانش خاص |

۱۴ برای درست فکر کردن و قرار گرفتن در مسیر درست تفکر فلسفی نیاز به برداشتن گام‌هایی است. این گام‌ها را به ترتیب بنویسید.

۱۵ دانش فلسفه عهده‌دار چه چیزی است؟

۱۶ دانشمندان زمان سقراط و قبل از او خودشان را چه می‌خواندند؟ به چه معنا؟

۱۷ هر دانشی از چه جهت‌هایی از سایر دانش‌ها متمایز و جدا می‌شود؟ نام ببرید.

۱۸ نسبت تفکر با تفکر فلسفی را از نسبت‌های چهارگانه منطقی بر روی شکل مشخص کنید.

۱۹ عقیده سوفیست‌ها در مورد حقیقت و واقعیت را توضیح دهید.



۲۰ فلسفه از چه جهت با ریاضیات مشترک است؟





پاسخنامه تشریحی

۱. گزینه ۱: آغاز و انجام جهان چگونه است؟

۲. فطرت اول - فطرت ثانی (فطرت دوم)

ملاصدرا، فیلسوف بزرگ اسلامی مشغول بودن به امور عادی زندگی و تفکر در آنها را فطرت اول و ورود به پرسش‌های اساسی و تفکر در آنها را فطرت ثانی یعنی فطرت دوم می‌نامد. ملاصدرا «ماندن در فطرت اول» (نه فطرت اول) را شایسته انسان نمی‌داند.

(صفحه ۵ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

فطرت اول (۲۵/۰ نمره) - فطرت ثانی (فطرت دوم) (۲۵/۰ نمره)

ملاصدرا، فیلسوف بزرگ اسلامی مشغول بودن به امور عادی زندگی و تفکر در آنها را فطرت اول (۲۵/۰ نمره) و ورود به پرسش‌های اساسی و تفکر در آنها را فطرت ثانی یعنی فطرت دوم می‌نامد. (۲۵/۰ نمره)

۳. جنبه‌های فطرت انسانی: (۱) فطرت اول: مشغول بودن به امور عادی زندگی و تفکر در آنها مانند نیازهای ضروری و حیاتی و زیستی مثل خوراک و پوشاک و ...

(۲) فطرت ثانی: ورود به پرسش‌های اساسی و کلی و بنیادین پیرامون انسان و جهان و طبیعت و تفکر در آنها

(صفحه ۵ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

ملاصدرا فیلسوف بزرگ اسلامی، مشغول بودن به امور عادی زندگی و تفکر در آنها را فطرت اول نامیده است. (۵/۰ نمره) مانند مشغول بودن به اموری همچون خوراک و پوشاک و تحصیل و ... (۲۵/۰ نمره)

۴. مراحل تفکر انسان:

(۱) تفکر غیرفلسفی: تفکر پیرامون مسائل معمولی و روزانه مانند مسائل اقتصادی و معیشتی - مرحله اول تفکر - مرتبط با فطرت اول

(۲) تفکر فلسفی: تفکر پیرامون نهایی‌ترین و بنیادی‌ترین مسائل و موضوعات مانند آغاز و انجام جهان چگونه است؟ - مرحله دوم تفکر و پس از عبور از مرحله اول - مرتبط با فطرت ثانی (صفحه ۵ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

تفکر در سؤال‌های معمولی و روزانه و به دنبال پاسخ آنها بودن، تفکر غیرفلسفی است که مرحله اول تفکر است و به فطرت اول انسان مربوط می‌شود. (۵/۰ نمره) تفکر جدی و پیوسته پیرامون سؤالات فلسفی و مسائل بنیادی و نهایی‌ترین موضوعات و به دنبال پاسخ آنها بودن، تفکر فلسفی است که پس از عبور از مرحله اول تفکر است و به فطرت ثانی مربوط می‌شود. (۵/۰ نمره)

۵. از جهت موضوع و از جهت روش

۶. پیروزی بر رقیب و مقاله / سفسطه

۷. سقراط به دلایل زیر مایل نبود او را سوفیست یا دانشمند بخوانند:

(۱) دلیل قطعی: تواضع و فروتنی او در برابر علم و دانایی

(۲) دلیل احتمالی: هم‌ردیف نشدن با سوفیست‌ها

(صفحه ۷ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

به سبب تواضع و فروتنی در برابر دانایی و علم (۲۵/۰ نمره) و شاید به خاطر هم‌ردیف نشدن با سوفیست‌ها (۲۵/۰ نمره).

۸. الف) گزینه ۱: هر علمی درباره موضوع خاصی بحث می‌کند مثلاً ریاضیات درباره مقدار و کمیت بحث می‌کند اما فلسفه درباره یک موجود خاص بحث نمی‌کند، بلکه به بررسی اصل وجود و حقیقت جهان، طبیعت و انسان به لحاظ نهایی‌ترین مسائل و موضوعات می‌پردازد.

گزینه ۱: یکی از سؤالات اساسی و بنیادین درمورد زیبایی این است که آیا زیبایی و زشتی وجود واقعی دارد یا ساخته ذهن انسان است و این سؤال به فلسفه هنر یا زیبایی‌شناسی مربوط می‌شود. در حالی که گزینه ۲: به هنر نقاشی مربوط می‌شود.

(صفحه ۹ کتاب درسی)

ب) گزینه ۲: گزینه ۱: به هستی‌شناسی یا وجودشناسی مربوط می‌شود زیرا از تقسیم جهان و هستی به دو بخش زوال‌پذیر و زوال‌ناپذیر بحث می‌کند.

گزینه ۲: بحث از حقیقت و ماهیت شناخت، امکان شناخت برای انسان و توانایی درک واقعیت‌های هستی و حقایق، ابزارهای شناخت و متعلق شناخت مباحثی است که به فلسفه شناخت‌شناسی یا معرفت‌شناسی مربوط می‌شود.

(صفحه ۱۳ کتاب درسی)

ج) گزینه ۲: افلاطون که از بزرگ‌ترین فیلسوفان تاریخ است، تمثیلی دارد که به «تمثیل غار» مشهور است و در کتاب «جمهوری» او آمده است.

افلاطون در این تمثیل می‌خواهد نشان دهد که چگونه فلسفه، انسان را به سمت آزادی حقیقی هدایت می‌کند.

این تمثیل افلاطون، مثالی برای فواید تفکر فلسفی از جهت استقلال در اندیشه و رهایی از عادات غیرمنطقی است.

(صفحه ۲۴ کتاب درسی)

د) گزینه ۲؛ پیام سروش معبد دلفی که در الهامی به کرفون گفت این بود که «داناترین مردم سقراط است». راز این پیام از نظر سقراط این بود که به انسان بنمایاند که تا چه پایه نادان است و اگر از سقراط به عنوان دانا یاد کرده است، به خاطر این است که بگوید: داناترین شما آدمیان، کسی است که چون سقراط بداند که هیچ نمی‌داند.

(صفحه ۴۰ کتاب درسی)

ه) گزینه ۱؛ تحلیل گزینه ۱؛ «علی‌رغم گستردگی شناخت و فهم ما از جهان و خود، باز هم شناخت ما بسیار محدود است؛ یعنی ما آگاه هستیم که در کنار دانسته‌ها و آموخته‌ها، حقایق فراوان دیگری هم در عالم هست که آنها را نمی‌دانیم و نمی‌شناسیم.

گزینه ۲؛ ما اشیاء و پدیده‌های پیرامون خود را شناسایی می‌کنیم و از طریق این شناخت با آنها ارتباط برقرار کرده و از آنها استفاده می‌کنیم، علاوه بر اینها، گاهی هم به مسائل فراتر از مسائل محسوس و پیرامونی فکر می‌کنیم.

(صفحه ۴۵ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

الف) گزینه ۱، (۲۵/۰ نمره) ب) گزینه ۲، (۲۵/۰ نمره) ج) گزینه ۲، (۲۵/۰ نمره)

د) گزینه ۲، (۲۵/۰ نمره) ه) گزینه ۱، (۲۵/۰ نمره)

۹. برای کسب دانش در علمی مانند فیزیک، شیمی، اقتصاد و جامعه‌شناسی از روش‌های تجربی استفاده می‌کنیم. اما در مسائل فلسفی که به اصل و اساس جهان و انسان مربوط هستند، نمی‌توان از حواس یا آزمایش‌ها یا ابزارهای آزمایشگاهی بهره برد زیرا مسائل فلسفی مانند خدا، روح، حقیقت انسان، حقیقت جهان و آفرینش تجربه‌پذیر و قابل اندازه‌گیری نیستند و در این موارد فقط باید به توانایی عقل و استدلال‌های عقلی تکیه کرد.

(صفحه ۱۰ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

زیرا مسائل فلسفی به اصل و اساس جهان و انسان مربوط هستند که این مسائل تجربه‌پذیر و قابل اندازه‌گیری نیستند. (۵/۰ نمره)

۱۰. سقراط به دو دلیل مایل نبود او را سوفیست یا دانشمند بخوانند و از این رو خودش را به تبع فیثاغورس، فیلسوفسوف (فیلسوف) یعنی دوستدار دانش نامید:

۱) دلیل قطعی: تواضع و فروتنی در برابر دانایی و علم

۲) دلیل احتمالی: شاید به خاطر هم‌ردیف نشدن با سوفیست‌ها

(صفحه ۷ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

شاید به‌خاطر هم‌ردیف نشدن با سوفیست‌ها، مایل نبود او را سوفیست بخوانند. (۲۵/۰ نمره)

۱۱. سقراط مایل نبود او را سوفیست یا دانشمند بخوانند و از این رو خودش را فیلسوفسوف (فیلسوف)، یعنی دوستدار دانش نامید.

(صفحه ۷ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

فیلسوفسوف (فیلسوف) (۲۵/۰ نمره) یعنی دوستدار دانش نامید. (۲۵/۰ نمره)

۱۲. زیرا انسان‌های نادان اسیر عادات و نادانی خویش هستند. آنان به یکدیگر می‌گویند او از غار بیرون رفت و با خراب شدن و از دست دادن بینایی‌اش برگشت.

تمثیل غار افلاطون بیان تمثیلی مجموعه فلسفه اوست که دارای ابعاد مختلفی است و این تمثیل به‌عنوان مثالی برای استقلال در اندیشه و رهایی از عادات غیرمنطقی بیان شده است.

در این تمثیل، زندانیان غار نمادی از انسان‌های نادانی هستند که اسیر عادات خودشان هستند و اهل تفکر و تغییر نیستند.

(صفحه ۲۴ و ۲۵ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

زیرا انسان‌های نادان اسیر عادات و نادانی خویش هستند. (۲۵/۰ نمره)

آنان به یکدیگر می‌گویند او از غار بیرون رفت و با خراب شدن و از دست دادن بینایی‌اش برگشت. (۵/۰ نمره)

۱۳. الف) ۳؛ مراحل تفکر فلسفی به ترتیب عبارتند از:

روبرو شدن با مجهول‌ها و مسئله‌های فلسفی ← طرح پرسش‌های فلسفی ← رجوع به معلومات و تفکر در اندوخته‌ها و انتخاب معلومات مناسب با سؤال ← رسیدن به دریافت فلسفی و تحقق شناخت و معرفت. (صفحه ۵ کتاب درسی)

ب) ۴؛ مراحل طی‌شده در کلمه فلسفه:

فلسفه به معنای دوستداری دانایی ← فلسفه به معنای مطلق دانش ← فلسفه به معنای دانش خاص. (صفحه ۸ کتاب درسی)

ج) ۲؛ استفاده از روش عقلی و قیاسی. (صفحه ۱۰ کتاب درسی)

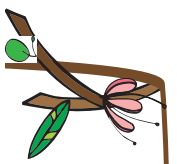
راهنمای تصحیح:

الف) ۳، (۲۵/۰ نمره)

ب) ۴، (۲۵/۰ نمره)

ج) ۲، (۲۵/۰ نمره)

۱۴. ترتیب مسیر درست تفکر و تفکر فلسفی عبارت است از:



(۱) آگاهی از مجهولات و ندانسته‌های خود
(۲) جست‌وجوی پاسخ برای سؤالات
(۳) ارائه استدلال صحیح
(۴) داشتن معیار برای پذیرش پاسخ
(صفحه ۱۱ کتاب درسی)
راهنمای تصحیح:

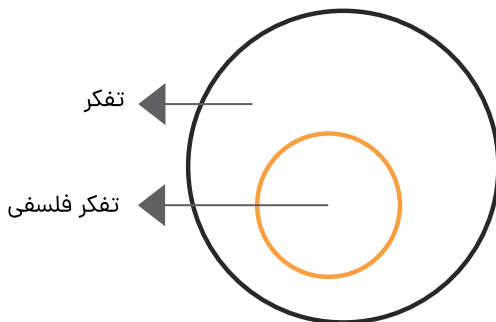
(۱) آگاهی از مجهولات و ندانسته‌های خود (۲۵/نمره)
(۲) جست‌وجوی پاسخ برای سؤالات (۲۵/نمره)
(۳) ارائه استدلال صحیح (۲۵/نمره)
(۴) داشتن معیار برای پذیرش پاسخ (۲۵/نمره)

۱۵ تلاش‌های بشر برای «پاسخ قانونمند» به موضوعات اساسی و بنیادی، موجب ظهور دانشی به نام «فلسفه» شده است به عبارت دیگر: دانش فلسفه عهده‌دار بررسی قانونمند این قبیل سؤالات (سؤالات اساسی و بنیادین) است.
(صفحه ۶ کتاب درسی)
راهنمای تصحیح:

بررسی قانونمند مسائل بنیادی فلسفی و پرسش‌های فلسفی (۵/نمره)
۱۶ کسی که واژه فلسفه (دوستداری دانایی) را بر سر زبان‌ها انداخت و عمومی کرد، فیلسوف بزرگ یونان، «سقراط» بود.
این در حالی است که دانشمندان زمان سقراط و قبل از او خود را «سوفیست» یعنی «دانشمند» می‌خواندند.
کلمه سوفیست = معنای اولیه: دانشمند معنای رایج امروزی: مغالطه‌کار
(صفحه ۷ کتاب درسی)
راهنمای تصحیح:

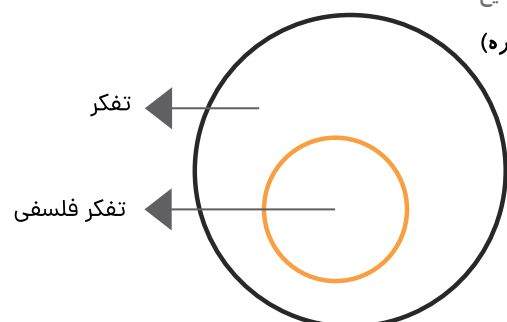
سوفیست (۲۵/نمره) یعنی دانشمند (۲۵/نمره)
۱۷ اساساً هر دانشی از دو جهت از سایر دانش‌ها متمایز و جدا می‌شود:
(۱) از جهت موضوعی که آن دانش درباره آن بحث می‌کند.
(۲) از جهت روشی که در آن دانش مورد استفاده قرار می‌گیرد.
(صفحه ۸ کتاب درسی)
راهنمای تصحیح:

(۱) از جهت موضوعی که آن دانش درباره آن بحث می‌کند. (۲۵/نمره)
(۲) از جهت روشی که در آن دانش مورد استفاده قرار می‌گیرد. (۲۵/نمره)
۱۸ نسبت تفکر با تفکر فلسفی از نسبت‌های چهارگانه منطقی، نسبت عموم و خصوص مطلق است به عام بودن تفکر و خاص بودن تفکر فلسفی.
دایره‌های آنها از نظر هندسی دایره‌های متداخل است که تفکر فلسفی داخل در تفکر است.



(صفحه ۱۱ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:
(۵/۰ نمره)





۱۹ سوفیست‌ها: ۱) دغدغه برخی از آنها، که بیشتر به تعلیم سخنوری و وکالت اشتغال داشتند بیان واقعیت و دفاع از حقیقت نبود.

۲) این گروه پیروزی بر رقیب را مهم‌ترین هدف می‌دانستند.

۳) در استدلال‌های خود بیشتر از مغالطه کمک می‌گرفتند که به ظاهر درست به نظر می‌رسید اما در واقع غلط بود.

۴) رویه آنها در استفاده از مغالطه برای پیروزی بر رقیب به تدریج سبب شد که برای حقیقت و واقعیت ارزش و اعتباری قائل نشوند و بگویند هر کس هر چه خودش می‌فهمد همان حقیقت و واقعیت است.

(صفحه ۷ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

این گروه از دانشمندان: ۱) برای حقیقت و واقعیت ارزش و اعتباری قائل نبودند. (۵/۵ نمره)

۲) معتقد بودند هر کس هر چه خودش می‌فهمد همان حقیقت و واقعیت است. (۵/۵ نمره)

۲۰ مقایسه فلسفه با ریاضیات:

اختلاف: موضوع: موضوع فلسفه: نهایی‌ترین مسائل و بنیادی‌ترین موضوعات

موضوع ریاضیات: مقدار و کمیت یعنی اعداد و اشکال هندسی

اشتراک: روش: روش هر دو استدلال‌های عقلی و عملیات فکری است.

مسائل فلسفی نیز از جهت روش مانند مسائل ریاضی هستند که استفاده از حواس و ابزار به حل آنها کمک نمی‌کند.

(صفحه ۱۰ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

از جهت روش که هر دو مبتنی بر استدلال عقلی و روش قیاسی هستند. (۲۵/۰ نمره)



مشاوره کنکور نوتروفیل

بیستوفیل فلسفه درس ۲ یازدهم

سال یازدهم
انسانی

فهرست

- ۱ بخش اصلی و ریشه‌ای فلسفه
- ۱ شاخه‌های فلسفه
- ۱ فلسفه‌های مضاف و علوم



بخش اصلی و ریشه‌ای فلسفه



۱ کدام گزاره به بخش معرفت‌شناسی مربوط می‌شود؟

(۱) پدیده‌ها نمی‌توانند به اختیار خود به وجود بیایند. (۲) درک واقعیت‌های هستی امکان‌پذیر است.

۲ چرا فلاسفه به بررسی توانایی انسان در شناخت هستی می‌پردازند؟ با مثالی توضیح دهید.

۳ بخش اصلی و ریشه‌ای فلسفه شامل چه فلسفه‌هایی می‌شود و هر کدام چه موضوعی را مورد مطالعه قرار می‌دهند؟

۴ هر کدام از موارد زیر مربوط به کدام بخش فلسفه است؟

الف: قانون علیت در سراسر عالم جاری و ساری است:

ب: انسان می‌تواند قانون علیت را ادراک کند:



شاخه‌های فلسفه



۵ با توجه به ارتباط میان بخش‌های اصلی و فرعی فلسفه و علوم، گزاره‌ها را در جای مناسب قرار دهید.

(۱) دروغی که به نفع من باشد ایرادی ندارد.

(۲) شناخت انسان فقط امور محسوس را در بر می‌گیرد.

(۳) انسان موجودی تک‌ساحتی است.

..... (ج)

..... (ب)

..... (الف)

۶ شاخه‌های فلسفه قوانین بنیادی کدام دانش‌ها را به محدوده‌های خاص منتقل می‌سازد و چگونه شکل می‌گیرند؟

۷ گزاره‌های زیر مربوط به کدام یک از بخش‌های اصلی فلسفه و کدام یک از شاخه‌های فلسفه است؟

الف) تاریخ انسان از قانونمندی خاصی پیروی می‌کند. (.....)

ب) هستی یک وجود بی‌انتهاست. (.....)



فلسفه‌های مضاف و علوم



۸ درستی یا نادرستی هر یک از عبارت‌های زیر را مشخص کنید.

الف) تفکر، واسطه رسیدن انسان از معلومات به مجهولات است.

ب) ملاصدرا فیلسوف بزرگ اسلامی، فطرت اول را شایسته انسان نمی‌داند.

ج) فیلسوفیا به معنای دوستدار دانایی است.

د) امروزه کلمه سوفیست مفهوم اصلی خود را از دست داده و مفهوم مغالطه‌کار به خود گرفته است.

ه) دانش فلسفه دارای دو بخش اصلی و تعدادی بخش‌های فرعی است.

و) آنچه در فلسفه‌های مضاف پذیرفته شود، اساس و شالوده نظریات در علوم قرار می‌گیرد.

ز) سوسیالیسم تأمین‌کننده آزادی‌های جمعی است.

ح) فلاسفه‌ای مانند ارسطو و ابن‌سینا در انسان‌شناسی علاوه بر بدن، روح را هم پذیرفته‌اند.





۹ عبارت‌های زیر را با کلمات مناسب تکمیل کنید.

الف) کودکان در همان سنین ابتدایی از حوادث پیرامون خود سؤال می‌کنند و کنجکاوی خود را با گفتن کلمه به پدر و مادر خود نشان می‌دهند.

ب) ملاصدرا ورود به و تفکر در آنها را فطرت ثانی می‌نامد.

ج) کسی که واژه فلسفه را بر سر زبان‌ها انداخت و عمومی کرد، فیلسوف بزرگ یونان بود.

د) هر علمی درباره موضوع خاصی بحث می‌کند، مثلاً دانش ریاضیات درباره است.

ه) بخش اصلی فلسفه، درصدد بحث و بررسی اصل و حقیقت و مسائل پیرامون است.

و) برخی شاخه‌های فلسفه را می‌نامند.

ز) آنان که به اصالت فرد اعتقاد دارند در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و اقتصادی و نظایر آن، بیشتر به توجه دارند.

ح) برای درک بهتر هر مکتب تربیتی ابتدا باید را که پشتوانه آن مکتب است، به‌طور دقیق مطالعه کنیم تا بتوانیم آن مکتب را به خوبی بفهمیم.

۱۰ گزینه درست را انتخاب کنید.

الف) کدام پرسش فلسفی است؟

۱) منظور از تعارض در تصمیم‌گیری چیست؟ ۲) از برابری چه منظوری داریم؟

ب) مهم‌ترین هدف برخی از سوفیست‌ها که بیشتر به سخنوری و وکالت اشتغال داشتند چه بود؟

۱) قانع ساختن مخاطب ۲) پیروزی بر رقیب

ج) در بررسی مسائل فلسفی فقط باید به تکیه کرد.

۱) توانایی عقل و استدلال‌های عقلی ۲) همکاری حس و عقل

د) کدام گزاره به بخش معرفت‌شناسی مربوط می‌شود؟

۱) جهان طرّاحی دقیقی دارد ۲) انسان توانایی درک حقایق را دارد.

ه) اعتقاد به یک روح جمعی تأثیرگذار بر افراد به کدام‌یک از دیدگاه‌های مطرح در فلسفه علوم اجتماعی مربوط می‌شود؟

۱) اصالت جامعه ۲) اصالت فرد و جامعه توأمان

۱۱ با توجه به ارتباط میان بخش‌های اصلی و فرعی فلسفه و علوم، مشخص کنید هر یک از عبارت‌های زیر به کدام دانش مربوط می‌شود؟

الف) راه‌های مختلفی برای شناخت جهان وجود دارد.

ب) انسان مَدَنی بالطبع است.

ج) قانون علیّت در سراسر عالم جاری و ساری است.

۱۲ منظور از فلسفه‌های مضاف چیست؟ با یک مثال تعریف کنید.

۱۳ دیدگاه فلاسفه‌ای که قائل به اصالت فرد و جامعه توأمان‌اند (دیدگاه سوم در بحث اصالت فرد یا جامعه) را شرح دهید.

۱۴ سوسیالیسم و لیبرالیسم هر کدام به ترتیب تأمین‌کننده چه چیزی هستند؟

۱۵ سوسیالیسم و لیبرالیسم هر کدام به ترتیب تأمین‌کننده چه چیزی هستند؟

۱۶ سوسیالیسم و لیبرالیسم هر یک به ترتیب با کدام دیدگاه مربوط به اصالت فرد و جامعه ارتباط برقرار می‌کند؟

۱۷ عبارت «آیا جامعه اصالت و اهمیت دارد یا فرد؟» مسئله کدام دانش است؟

۱۸ نحوه تأثیر دیدگاه‌های فلسفی فلاسفه بر مکاتب بزرگ تربیتی را در مثالی تحلیل و بررسی کنید.

۱۹ آنان که به اصالت فرد معتقد هستند، در سیاست نیز به، (۱- سوسیالیسم ۲- لیبرالیسم) معتقد هستند.

۲۰ فلسفه مضاف چیست؟ توضیح دهید.



پاسخنامه تشریحی

۱ گزینۀ ۲: درک واقعیت‌های هستی امکان‌پذیر است.

۲ از آنجا که معرفت به وجود، فرع بر امکان شناخت آن است، فلاسفه می‌خواهند توانایی انسان در شناخت هستی را نیز بررسی کنند و بدانند که بشر چگونه و با چه ابزاری می‌تواند به شناخت هستی بپردازد. مثلاً آیا انسان می‌تواند قانون علت را دریابد و به وجود چنین قانونی در جهان مطمئن باشد؟ فلسفه که علم درباره‌ی هستی است در حقیقت همان وجودشناسی است و «معرفت و علم» به‌عنوان یکی از اقسام هستی، در داخل همان هستی‌شناسی یا وجودشناسی قرار می‌گیرد، اما به‌علت مباحث فراوانی که در معرفت‌شناسی هست، این بخش توسعه‌ی فراوانی یافته و امروزه با عنوان مستقل «معرفت‌شناسی» مورد بحث قرار می‌گیرد. (صفحه ۱۳ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

از آنجا که معرفت به وجود، فرع بر امکان شناخت آن است، فلاسفه می‌خواهند توانایی انسان در شناخت هستی را نیز بررسی کنند و بدانند که بشر چگونه و با چه ابزاری می‌تواند به شناخت هستی بپردازد. (۷۵، نمره)

مثلاً آیا انسان می‌تواند قانون علت را دریابد و به وجود چنین قانونی در جهان مطمئن باشد؟ (۲۵، نمره)

۳ بخش اصلی و ریشه‌ای فلسفه را به دو بخش تقسیم می‌کنند:

(۱) هستی‌شناسی: درباره‌ی قوانین و احکام کلی و عام حاکم بر هستی (موجود بما هو موجود) بحث می‌کند مانند هستی حادث است یا قدیم؟ هستی علت است یا معلول؟ هستی ثابت است یا متغیر؟ و ...

(۲) معرفت‌شناسی: که توانایی انسان در شناخت هستی را مورد مطالعه قرار می‌دهد مانند ماهیت شناخت چیست؟ ابزارهای شناخت انسان کدام‌اند؟ و ...

(صفحه ۱۳ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

(۱) هستی‌شناسی (۲۵، نمره): درباره‌ی قوانین و احکام کلی و عام حاکم بر هستی و وجود بحث می‌کند. (۲۵، نمره)

(۲) معرفت‌شناسی (۲۵، نمره): توانایی انسان در شناخت هستی را مورد مطالعه قرار می‌دهد. (۲۵، نمره)

۴ الف) وجودشناسی ب) معرفت‌شناسی

۵ الف) ۲ / جمله ۲ بخش اصلی است / شناخت انسان فقط امور محسوس را در بر می‌گیرد.

ب) ۳ / جمله ۳ بخشی فرعی است / انسان موجودی تک‌ساحتی است.

ج) ۱ / جمله ۱ علوم یا علم خاص است / دروغی که به نفع من باشد ایرادی ندارد. / علم اخلاق

۶ وجودشناسی و معرفت‌شناسی - از طریق تأمل فیلسوفانه در حوزه‌هایی مانند اخلاق، دین، تاریخ و طبیعت شکل می‌گیرند.

شاخه‌های فلسفه آن دسته از مسائل فلسفی هستند که مربوط به طبیعت یا انسان یا علم است و به آنها فلسفه‌های مضاف می‌گویند. فلسفه‌های مضاف عهده‌دار نشان دادن ارتباط فلسفه با علوم مختلف هستند.

(صفحه ۱۴ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

وجودشناسی (۲۵، نمره) و معرفت‌شناسی (۲۵، نمره) - از طریق تأمل فیلسوفانه در حوزه‌هایی مانند اخلاق، دین، تاریخ و طبیعت شکل می‌گیرند. (۲۵، نمره)

۷ الف) فلسفه تاریخ‌شناسی

ب) وجودشناسی یا هستی‌شناسی

۸ الف) نادرست، تفکر واسطه رسیدن انسان از مجهولات به معلومات و از پرسش‌ها به پاسخ‌ها است. (صفحه ۴ کتاب درسی)

ب) نادرست، ملاصدرا مانند در فطرت اول را شایسته‌ی انسان نمی‌داند نه فطرت اول را. چون فطرت اول اشاره به نیازهای غریزی و زیستی و طبیعی انسان دارد و گریزی از آن نیست. (صفحه ۵ کتاب درسی)

ج) نادرست، فیلو به معنای دوستداری یا دوست داشتن و سوفیا به معنای دانش و دانایی است پس کلمه فیلسوفیا به معنی دوستداری دانایی است و ساختار مصدری دارد. (صفحه ۷ کتاب درسی)

د) درست، معنای اولیه‌ی سوفیست دانشمند بوده است ولی بعدها این کلمه مفهوم اصلی خود را از دست داده و مفهوم مغالطه‌کار به خود گرفت. (صفحه ۷ کتاب درسی)

ه) نادرست، دانش فلسفه دارای یک بخش اصلی و تعدادی بخش‌های فرعی است. (صفحه ۱۳ کتاب درسی)

و) درست، آنچه در فلسفه‌های مضاف پذیرفته شود، اساس و شالوده نظریات در علوم قرار می‌گیرد. (صفحه ۱۵ کتاب درسی)

ز) نادرست، سوسیالیسم تأمین‌کننده منافع جمعی است نه آزادی‌های جمعی. (صفحه ۱۶ کتاب درسی)

ح) درست، فلاسفه‌ای مانند افلاطون و ارسطو و ابن‌سینا در هستی‌شناسی معتقد به ماوراءالطبیعه هستند و در انسان‌شناسی معتقدند انسان علاوه بر بدن، روح نیز دارد. (صفحه ۱۷ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

الف) نادرست (۲۵، نمره)

ب) نادرست (۲۵، نمره)

ج) نادرست (۲۵، نمره)



(د) درست (۲۵/هـ)

(هـ) نادرست (۲۵/و)

(و) درست (۲۵/ز)

(ز) نادرست (۲۵/ح)

(ح) درست (۲۵/۹)

۹ الف) یکی از ویژگی‌های انسان پرسشگری است؛ کودکان در همان سنین ابتدایی با گفتن کلمهٔ چرا پیرامون حوادث کنجکاوی خود را نشان می‌دهند. (صفحهٔ ۴ کتاب درسی)
(ب) ملاصدرا، مشغول بودن به امور عادی زندگی و تفکر در آنها را فطرت اول و ورود به پرسش‌های اساسی پیرامون حقیقت هر چیز و حقیقت وجود و تفکر در این پرسش‌ها را فطرت ثانی می‌نامد. (صفحهٔ ۵ کتاب درسی)

(ج) سقراط فیلسوف بزرگ یونان، واژهٔ فلسفه را عمومیت داد و بر سر زبان‌ها انداخت. (صفحهٔ ۷ کتاب درسی)

(د) کمیّت و مقدار، به معنای اندازه است و شامل کمیّت متصل (خط و سطح و شکل) و کمیّت منفصل (اعداد) می‌شود. (صفحهٔ ۹ کتاب درسی)

(هـ) وجود و مسائل پیرامون آن است مانند هستی علت است یا معلول؟ جهان حادث است یا قدیم؟ (صفحهٔ ۱۳ کتاب درسی)

(و) برخی شاخه‌های فلسفه را «فلسفه‌های مضاف» می‌نامند؛ زیرا کلمهٔ فلسفه به کلمه‌ای که نام آن دانش یا موضوع خاص است، اضافه شده است. (صفحهٔ ۱۴ کتاب درسی)

(ز) آنان که به اصالت فرد اعتقاد دارند همواره منافع و مصلحت افراد را بر منافع جامعه مقدم دانسته و در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و اقتصادی و نظایر آن بیشتر به «منافع و رشد فرد» توجه دارند و در سیاست نیز معتقد به لیبرالیسم هستند که تأمین‌کنندهٔ آزادی‌های فردی است. (صفحهٔ ۱۶ کتاب درسی)
(ح) برای درک بهتر هر مکتب تربیتی ابتدا باید فلسفه‌ای را که پشتوانهٔ آن مکتب است، به‌طور دقیق مطالعه کنیم تا بتوانیم آن مکتب را به خوبی بفهمیم و ارزیابی درستی از آن داشته و بدانیم این مکتب تربیتی، سرانجام، انسان را به کجا می‌برد. (صفحهٔ ۱۷ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

الف) چرا (۲۵/هـ)

(ب) پرسش‌های اساسی (۲۵/و)

(ج) سقراط (۲۵/ز)

(د) کمیّت و مقدار (۲۵/ح)

(هـ) وجود (۲۵/۹)

(و) فلسفه‌های مضاف (۲۵/۱۰)

(ز) منافع و رشد فرد (۲۵/۱۱)

(ح) فلسفه‌ای (۲۵/۱۲)

۱۰ الف) گزینهٔ ۲: در میان انبوه افکار و اندیشه‌های روزانه، گاه و بی‌گاه سؤال‌های خاصی خودنمایی می‌کنند که می‌توانند ساعاتی طولانی ما را به خود مشغول سازند و به تفکر وادار نمایند از قبیل: مقصود ما از آزادی چیست؟ از برابری چه منظوری داریم؟ آیا اصولاً می‌توان آزادی را با برابری جمع کرد؟ و ... (صفحهٔ ۳ کتاب درسی)
(ب) گزینهٔ ۲: دغدغهٔ برخی از سوفیست‌ها که بیشتر به تعلیم سخنوری و وکالت اشتغال داشتند بیان واقع و دفاع از حقیقت نبود، این گروه «پیروزی بر رقیب» را مهم‌ترین هدف می‌دانستند و از این‌رو در استدلال‌های خود بیشتر از مغالطه کمک می‌گرفتند. (صفحهٔ ۷ کتاب درسی)

(ج) گزینهٔ ۱: مسائل فلسفی از جهت روش مانند مسائل ریاضی هستند که استفاده از حواس و ابزار به حلّ آنها کمک نمی‌کند و فقط با عملیات فکری و استدلالی، باید به جواب مسئله‌ها دست یافت. (صفحهٔ ۱۰ کتاب درسی)

(د) گزینهٔ ۲: عبارت «جهان طراحی دقیقی دارد» به فلسفهٔ هستی‌شناسی مربوط می‌شود و عبارت‌هایی نظیر «درک واقعیت‌های هستی امکان‌پذیر است» و «راه‌های مختلفی برای شناخت جهان وجود دارد» به معرفت‌شناسی مربوط می‌شوند. (صفحهٔ ۱۲ کتاب درسی)

(هـ) گزینهٔ ۲: دیدگاه سوم در مورد اصالت فرد یا جامعه؛ دیدگاه فلاسفه‌ای است که معتقدند جامعه صرفاً جمع افراد نیست بلکه با گرد هم آمدن افراد و زندگی طولانی آنان یک روح جمعی در جامعه شکل می‌گیرد که می‌تواند بر افراد جامعه تأثیر بگذارد و آنها را تابعی از ویژگی‌ها و ساختار جامعه قرار دهد. این دیدگاه فلسفی قائل به اصالت فرد و جامعه توأمان است. (صفحهٔ ۱۶ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

الف) گزینهٔ ۲، (۲۵/و)

(ب) گزینهٔ ۲، (۲۵/ز)

(ج) گزینهٔ ۱، (۲۵/ح)

(د) گزینهٔ ۲، (۲۵/۹)

(هـ) گزینهٔ ۲، (۲۵/۱۰)

۱۱ الف) معرفت‌شناسی؛ این اصل یکی از اصول اولیهٔ معرفت‌شناسی است و از مبنایی‌ترین و کلی‌ترین مسائل است که به ریشهٔ فلسفه مربوط می‌شود. (صفحهٔ ۱۲ کتاب درسی)
(ب) فلسفهٔ علوم اجتماعی یا فلسفهٔ جامعه‌شناسی؛ چون فقط دربارهٔ انسان است از مبنایی‌ترین و کلی‌ترین مسائل نیست و به فلسفهٔ مضاف (فلسفهٔ اجتماع یا فلسفهٔ جامعه‌شناسی) مربوط می‌شود. (صفحهٔ ۱۲ کتاب درسی)

(ج) هستی‌شناسی یا وجودشناسی؛ چون دربارهٔ همه موجودات جهان حتی خداوند است از مبنایی‌ترین و کلی‌ترین مسائل فلسفه یعنی هستی‌شناسی است. (صفحهٔ ۱۲ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

(الف) معرفت‌شناسی (۲۵، نمره)

(ب) فلسفه علوم اجتماعی یا فلسفه جامعه‌شناسی (۲۵، نمره)

(ج) هستی‌شناسی یا وجودشناسی (۲۵، نمره)

۱۲ شاخه‌های فلسفه را فلسفه‌های مضاف می‌نامند زیرا کلمه فلسفه به کلمه‌ای که نام آن دانش یا موضوع خاص است اضافه شده است مانند فلسفه فیزیک که به کلمه فیزیک اضافه شده است.

راهنمای تصحیح:

شاخه‌های فلسفه را فلسفه‌های مضاف می‌نامند و گاهی به آن بخش از مباحث فلسفی که مبانی هر علم را بررسی می‌کنند، فلسفه مضاف آن علم گفته می‌شود (۵، نمره) / مانند فلسفه تاریخ - فلسفه سیاست - فلسفه اخلاق و ... (۲۵، نمره)

۱۳ اینان معتقدند که گرچه افراد تحت تأثیر عوامل اجتماعی قرار می‌گیرند اما هیچ‌گاه قدرت اختیار و تصمیم‌گیری خود را از دست نمی‌دهند. همچنین معتقدند که جامعه صرفاً جمع افراد نیست بلکه با گرد هم آمدن افراد و زندگی طولانی آنان با یکدیگر، یک روح جمعی در جامعه شکل می‌گیرد که می‌تواند بر افراد جامعه تأثیر بگذارد.

اقسام دیدگاه‌های فلاسفه مربوط به مسئله اصالت فرد یا اصالت جامعه:

(۱) طرفداران اصالت فرد: فرد اصالت دارد و جامعه مجموعه‌ای از افراد است که کنار هم زندگی می‌کنند.

(۲) طرفداران اصالت جامعه: افراد جامعه نقش و هویت مستقلی ندارند بلکه افکار و اندیشه‌ها و تصمیمات آنها تابع شرایط اجتماعی آنان است.

(۳) اصالت فرد و جامعه توأمان: هم افراد اصالت و اهمیت دارند و هم جامعه.

(صفحه ۱۶ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

اینان معتقدند که گرچه افراد تحت تأثیر عوامل اجتماعی قرار می‌گیرند اما هیچ‌گاه قدرت اختیار و تصمیم‌گیری خود را از دست نمی‌دهند. (۵، نمره) همچنین معتقدند که جامعه صرفاً جمع افراد نیست بلکه با گرد هم آمدن افراد و زندگی طولانی آنان با یکدیگر، یک روح جمعی در جامعه شکل می‌گیرد که می‌تواند بر افراد جامعه تأثیر بگذارد. (۵، نمره)

۱۴ سوسیالیسم مبتنی بر نظریه منافع جمع و اصالت جامعه در فلسفه علوم اجتماعی بوده و تأمین‌کننده منافع جمعی است.

لیبرالیسم مبتنی بر نظریه اصالت فرد در فلسفه علوم اجتماعی بوده و تأمین‌کننده آزادی‌های فردی است.

(صفحه ۱۶ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

تأمین‌کننده منافع جمعی (۲۵، نمره) - تأمین‌کننده آزادی‌های فردی (۲۵، نمره)

۱۵ - سوسیالیسم منافع جمع را در اولویت قرار می‌دهد و تأمین‌کننده منافع جمعی است.

- لیبرالیسم به اصالت فرد اعتقاد داشته و بیشتر به منافع و رشد فرد توجه دارد و تأمین‌کننده آزادی‌های فردی است.

(صفحه ۱۶ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

سوسیالیسم: منافع جمعی (۲۵، نمره) لیبرالیسم: آزادی‌های فردی (۲۵، نمره)

۱۶ سوسیالیسم متأثر از دیدگاه «اصالت جامعه» در فلسفه علوم اجتماعی است که «تأمین‌کننده منافع جمعی» است.

لیبرالیسم متأثر از دیدگاه «اصالت فرد» است که «تأمین‌کننده آزادی‌های فردی» است.

(صفحه ۱۶، ۱۵ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

اصالت جامعه (۲۵، نمره) - اصالت فرد (۲۵، نمره)

ترتیب صورت سؤال در پاسخ باید رعایت شود.

۱۷ فلسفه علوم اجتماعی یکی از شاخه‌های مهم فلسفه است. یکی از مسائل مورد توجه در این شاخه از فلسفه این است که «آیا جامعه اصالت و اهمیت دارد یا فرد؟»

(صفحه ۱۵ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

فلسفه علوم اجتماعی (۵، نمره)

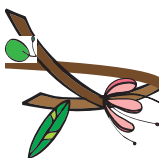
۱۸ دیدگاه‌های فلسفی فلاسفه سبب پیدایش مکاتب بزرگ تربیتی شده است.

فلاسفه‌ای مانند افلاطون و ارسطو (در یونان باستان) و ابن‌سینا (در فلسفه اسلامی) در هستی‌شناسی معتقد به ماوراءالطبیعه هستند و در انسان‌شناسی نیز علاوه بر بدن، روح را هم پذیرفته‌اند.

مکتب‌های تربیتی معتقدین به ماوراءالطبیعه و روح با مکتب‌های تربیتی کسانی که پیرو کانت یا هگل بوده‌اند تفاوت زیادی دارد.

برای درک بهتر هر مکتب تربیتی ابتدا باید فلسفه‌ای را که پشتوانه آن مکتب است به‌طور دقیق مطالعه کرد تا بتوان آن مکتب را به‌خوبی فهمید و ارزیابی درستی از آن داشت.

(صفحه ۱۷ کتاب درسی)



راهنمای تصحیح:

فیلسوفان دیدگاه‌هایی در فلسفه داشته‌اند که همان دیدگاه‌ها سبب پیدایش مکاتب بزرگ تربیتی شده است. (۲۵/نمره)
مثلاً فلاسفه‌ای مانند افلاطون و ارسطو و ابن‌سینا که در هستی‌شناسی معتقد به ماوراءالطبیعه هستند و در انسان‌شناسی نیز علاوه بر بدن، روح را هم پذیرفته‌اند، مکاتب‌های تربیتی نزدیک به هم را پدید آورده‌اند که با مکاتب‌های تربیتی کسانی که پیرو کانت یا هگل بوده‌اند تفاوت زیادی دارد. (۱/نمره)

گزینه ۲

شاخه‌های دانش فلسفه، آن دسته از دانش‌های فلسفی هستند که قوانین بنیادی وجودشناسی و معرفت‌شناسی را به محدوده‌های خاص منتقل می‌کنند و قوانین بنیادی آن محدوده از وجود را بیان می‌کنند، به آن بخش از مباحث فلسفی که مبانی هر علم را بررسی می‌کند، فلسفه مضاف آن علم گفته می‌شود.



مشاوره کنکور نوتروفیل

بیستوفیل فلسفه درس ۳ یازدهم

سال یازدهم انسانی

فهرست

۱..... معنای زندگی

۲..... برخی فواید تفکر فلسفی



معنای زندگی



۱ کسانی که دربارهٔ جهان و انسان نگرش فلسفی نادرستی دارند در انتخاب هدف چگونه عمل می‌کنند؟

به سؤالات زیر پاسخ کوتاه دهید.

۲ اندیشیدن فیلسوفانه چه نتیجه‌ای را برای فرد به دنبال دارد؟

به سؤالات زیر پاسخ کامل دهید.

۳ ویژگی‌های اندیشیدن فیلسوفانه را شرح دهید.

۴ متن زیر را بخوانید و به سؤال‌های طرح‌شده پاسخ دهید:

تاجری کنار ساحل یک روستا، در مکزیک ایستاده بود و دریا را تماشا می‌کرد. یک قایق کوچک ماهیگیری به او نزدیک شد و کنار ساحل ایستاد. داخل قایق چندتا ماهی افتاده بود. تاجر سر صحبت را با ماهیگیر باز کرد و پرسید: چقدر طول کشید تا این چند ماهی را گرفتی، ماهیگیر: خیلی کم.

تاجر: پس چرا صبر نکردی تا ماهی بیشتری صید کنی؟

ماهیگیر: چون همین تعداد برای سیر کردن خودم و خانواده‌ام کافی است.

تاجر: بقیهٔ وقتت را چه کار می‌کنی؟

ماهیگیر: تا دیروقت می‌خوابم، یک مقداری ماهیگیری می‌کنم، کمی هم با بچه‌ها بازی می‌کنم، بعد توی دهکده می‌روم و با دوستان شروع به صحبت می‌کنم، خلاصه، به این نوع زندگی مشغولم.

تاجر: من در دانشگاه هاروارد درس خوانده‌ام، می‌توانم کمکت کنم. تو باید بیشتر ماهیگیری کنی، آن وقت می‌توانی با پول آن، قایق بزرگ‌تری بخری و بعد با درآمد آن چند تا قایق دیگر هم اضافه کنی. آن وقت تعداد زیادی قایق برای ماهیگیری داری، تعداد زیادی کارگر هم برای تو کار می‌کنند.

ماهیگیر: خوب، بعدش چی؟

تاجر: به جای اینکه ماهی‌ها را به واسطه‌ها بفروشی، آنها را مستقیماً به مشتری‌ها می‌رسانی و برای خودت کار و بار درست می‌کنی. بعد، کارخانه راه می‌اندازی، به تولیدات نظارت می‌کنی ... این دهکدهٔ کوچک را هم ترک می‌کنی و به مکزیکو می‌روی، بعد هم اُس آنجلس، از آنجا هم به نیویورک. آنجاست که دست به کارهای مهم‌تری می‌زنی ...

ماهیگیر: این کار چقدر طول می‌کشد؟

تاجر: پانزده تا بیست سال.

ماهیگیر: اما بعدش چی آقا؟

تاجر: بهترین قسمت همین است. در یک موقعیت مناسب می‌روی سهام شرکت را به قیمت خیلی بالا می‌فروشی. این کار میلیون‌ها دلار عایدی دارد.

ماهیگیر: میلیون‌ها دلار! خوب بعدش چی؟

تاجر: آن وقت دیگر بازنشسته شده‌ای؛ می‌روی به یک دهکدهٔ ساحلی کوچک! جایی که تا دیروقت می‌توانی بخوابی! یک کم ماهیگیری کنی، با بچه‌هایت بازی کنی! می‌توانی به داخل دهکده بروی و تا دیروقت با دوستانت بگویی و بخندی!

ماهیگیر تأملی کرد و گفت:

خب، من الان هم همین کار را می‌کنم!

الف چرا ماهیگیر از پیشنهاد تاجر استقبال نکرد؟

ب این دو سبک متفاوت زندگی ریشه در چه دیدگاه‌هایی دارد؟

پ آیا همه می‌توانند براساس نگاه ماهیگیر یا تاجر زندگی کنند؟

۵ عبارت‌های زیر را با کلمات مناسب تکمیل نمایید.

الف باورهای انسان، نقش تعیین‌کننده در انتخاب دارند.





برخی فواید تفکر فلسفی

۶ تمثیل غار افلاطون در کدام کتاب او آمده است؟

به سؤالات زیر پاسخ کامل دهید:

۷ تفاوت‌های اندیشه و نظر فیلسوف با مردمان دیگر در برخورد با مسائل بنیادین فلسفی را توضیح دهید.

۸ فایده تفکر فلسفی را از جنبه دوری از مغالطه‌ها شرح دهید. (ذکر دو مورد)

۹ با توجه به تمثیل غار افلاطون، بزرگ‌ترین زندانی که بشر ممکن است به آن گرفتار شود با کدام یک از فواید تفکر فلسفی ارتباط برقرار می‌کند؟ توضیح دهید.

۱۰ تفاوت فیلسوف با مردمان دیگر در برخورد با مسائل بنیادین فلسفی را نام ببرید. (ذکر دو مورد)

۱۱ در تمثیل غار افلاطون، اگر شخص تنومندی یکی از زندانیان را از سربالایی بالا بکشد و از غار بیرون آورد و او را به‌طور کامل در معرض نور قرار دهد، چه اتفاقی برای زندانی خواهد افتاد؟

۱۲ با توجه به تمثیل غار افلاطون، بزرگ‌ترین زندانی که بشر ممکن است به آن گرفتار شود، چیست؟

۱۳ هدف افلاطون از تمثیل غار چیست؟

۱۴ فایده تفکر فلسفی را از جنبه استقلال در اندیشه شرح دهید.

۱۵ چرا زندانیان در غار سخنان جوانی را که برای رهایی آنها برگشته بود، نمی‌پذیرفتند؟

۱۶ پذیرش بدون دلیل گزاره «نحس بودن عدد ۱۳» بیانگر بهره‌مند نشدن از کدام فایده فلسفی است؟

۱ دوری از مغالطات
(۲) رهایی از عادات غیرمنطقی

۱۷ تفاوت بین فیلسوف با مردم عادی را بیان کنید.

۱۸ یکی از آثار زندگی بر پایه فهم فلسفی، «دوری از مغالطه‌ها» است، آن را توضیح دهید.

۱۹ درست یا نادرست بودن هر یک از عبارات زیر را بیان کرده و در صورت نادرست بودن، صورت صحیح عبارت را بنویسید.

۱. برخی از مردم در مسائل بنیادین فلسفی می‌اندیشند و نظر می‌دهند؛ درباره خدا، آزادی، اختیار، خوشبختی و رنج.

۲. فیلسوف واقعی هیچ سخنی را بدون دلیل نمی‌پذیرد.

۲۰ با توجه به تمثیل غار افلاطون:

الف چرا افلاطون ماندن در نادانی و عدم درک حقیقت را به زندانی در بند تشبیه کرده است؟

ب بزرگ‌ترین زندانی که بشر ممکن است به آن گرفتار شود، چیست؟

پ چرا زندانیان در غار سخنان جوانی را که برای رهایی آنها برگشته بود، نمی‌پذیرفتند؟



پاسخنامه تشریحی

۱ رفتار انسان‌ها در برخورد با مسائل فلسفی:

- (۱) کمتر به مسائل فلسفی می‌اندیشند ← در انتخاب هدف دقت نظر چندانی ندارند و بیشتر دنباله‌روی دیگرانند.
(۲) به مسائل فلسفی می‌اندیشند و از نگرش فلسفی درستی برخوردار می‌شوند ← هدف قابل قبولی برای زندگی برمی‌گزینند و زندگی آنان معنای درستی پیدا می‌کند.
(۳) نگرش فلسفی نادرستی درباره جهان و انسان دارند ← در انتخاب هدف به خطا رفته و زندگی آنها معنای نادرستی به خود گرفته است.
(صفحه ۲۲ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

اینان در انتخاب هدف به خطا رفته (۲۵/۰ نمره) و زندگی آنان معنای نادرستی به خود گرفته است. (۲۵/۰ نمره)

۲ اندیشیدن فیلسوفانه:

- (۱) تأمل کردن درباره باورهای مربوط به زندگی
(۲) یافتن دلایل درستی یا نادرستی باورها
(۳) پذیرفتن باورهای درست و کنار گذاشتن باورهای نادرست
پيامد و نتیجه اندیشیدن فیلسوفانه:
(۱) خودمان بنیان‌های فکری خود را می‌سازیم.
(۲) به آزاداندیشی می‌رسیم.
(۳) شخصیتی مستقل کسب می‌کنیم.
(صفحه ۲۱ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

خودمان بنیان‌های فکری خود را می‌سازیم (۲۵/۰ نمره) و به آزاداندیشی می‌رسیم (۲۵/۰ نمره) و شخصیتی مستقل کسب می‌کنیم (۲۵/۰ نمره).

۳ اندیشیدن فیلسوفانه تأمل درباره باورهای مربوط به زندگی است.

- آموختن چرایی و یافتن دلایل درستی یا نادرستی باورها است.
پذیرفتن باورهای درست و کنار گذاشتن باورهای نادرست است.
پيامد و نتیجه اندیشیدن فیلسوفانه این است که خودمان بنیان‌های فکری خود را می‌سازیم و به آزاداندیشی می‌رسیم و شخصیتی مستقل کسب می‌کنیم.
(صفحه ۲۱ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

اندیشیدن فیلسوفانه تأمل درباره باورهای مربوط به زندگی است. (۲۵/۰ نمره)

آموختن چرایی (۲۵/۰ نمره) و یافتن دلایل درستی یا نادرستی باورها است (۲۵/۰ نمره)
پذیرفتن باورهای درست (۲۵/۰ نمره) و کنار گذاشتن باورهای نادرست است. (۲۵/۰ نمره)

۴

الف

شاید ماهیگیر نمی‌داند که چه آینده خوبی در انتظار اوست یا ماهیگیر در محدوده خود فکر می‌کند، اما نگاه تاجر جهانی است و یا اینکه ماهیگیر به دنبال مادیات نیست. به نظر ماهیگیر وضعیت نهایی حاصل از پیشنهاد تاجر، همان چیزی است که او حالا هم آنها را دارد.

ب

ماهیگیر برعکس تاجر اهل ریسک و فعالیت‌های پرخطر نیست. زندگی برای ماهیگیر خیلی ساده و ابتدایی است، اما تاجر نگاهی پیچیده به زندگی دارد. به نظر ماهیگیر، زندگی بر اساس پیشنهاد یک دور باطل و رسیدن به نقطه اول است. برای تاجر، بعد مادی زندگی و پیشرفت اقتصادی مهم است. برای ماهیگیر زندگی به معنای بودن در کنار دیگران و مهربانی با آنهاست.

پ

اگر هر کس بخواهد مانند تاجر بیندیشد و عمل کند، ماهی‌های جهان نابود می‌شوند و اگر همه مثل ماهیگیر زندگی کنند هیچ تغییری رخ نمی‌دهد. هدف زندگی نزد تاجر یک هدف مادی است و از نظر او بشر باید در این راه تلاش کند. فلسفه‌ای که هرکس در زندگی خود به آن باور دارد، نقش تعیین‌کننده‌ای در اهداف و معنادگی به زندگی او دارند و بسته به اینکه چه دیدگاه و فلسفه‌ای را برای زندگی بر می‌گیرند، هدف زندگی آنها متمایز خواهد بود.

۵

الف
اهداف

۶ افلاطون که از بزرگ‌ترین فیلسوفان تاریخ است، تمثیلی دارد که به «تمثیل غار» مشهور است. او در این تمثیل می‌خواهد نشان دهد که چگونه فلسفه، انسان را به سمت آزادی حقیقی هدایت می‌کند. این تمثیل در کتاب جمهوری افلاطون آمده است.

(صفحه ۲۴ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:



کتاب جمهوری (۲۵/۵ نمره)

- ۷- فرق فیلسوف با مردمان دیگر این است که اولاً فیلسوف دربارهٔ مسائل بنیادین فلسفی به نحو جدی فکر می‌کند؛ ثانیاً با روش درست وارد این قبیل مسائل می‌شود و پاسخ می‌دهد.
- فیلسوف واقعی هیچ سخنی را بدون دلیل نمی‌پذیرد و عقیده‌اش را بر پایهٔ خیالات، تبلیغات و تعصب بنا نمی‌کند.
- او دربارهٔ استدلال‌ها می‌اندیشد و اگر به درستی‌شان پی ببرد، آنها را می‌پذیرد.
- فیلسوف تابع برهان و استدلال است، نه تابع افراد و اشخاص.
- (صفحهٔ ۲۳ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

اولاً فیلسوف دربارهٔ مسائل بنیادین فلسفی به نحو جدی فکر می‌کند (۵/۵ نمره)؛ ثانیاً با روش درست وارد این قبیل مسائل می‌شود و پاسخ می‌دهد (۵/۵ نمره).

۸- فایدهٔ تفکر فلسفی از جهت دوری از مغالطه‌ها:

- (۱) تشخیص اندیشه‌های فلسفی درست از تفکرات غلط
 - (۲) هموارسازی راه رسیدن به اعتقادات درست
 - (۳) کوشش فلاسفه برای فهم درست حقایق چه در عالم هستی چه در مسائل بنیادی زندگی
 - (۴) نشان دادن نمونه‌هایی از مغالطات فلسفی جهت عبرت گرفتن دیگران
- (صفحهٔ ۲۲ و ۲۳ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

فایدهٔ تفکر فلسفی از جهت دوری از مغالطه‌ها:

- (۱) تشخیص اندیشه‌های فلسفی درست از تفکرات غلط
 - (۲) هموارسازی راه رسیدن به اعتقادات درست
 - (۳) کوشش فلاسفه برای فهم درست حقایق چه در عالم هستی چه در مسائل بنیادی زندگی
 - (۴) نشان دادن نمونه‌هایی از مغالطات فلسفی جهت عبرت گرفتن دیگران
- (ذکر دو مورد کافی است و هر مورد ۵/۵ نمره)

۹- با رهایی از عادات غیرمنطقی؛ زیرا از نظر افلاطون بزرگ‌ترین زندانی که بشر ممکن است به آن گرفتار شود عادت‌های ناپسندی است که همانند زنجیر دست و پای انسان را می‌بندد.

در بسیاری از مواقع، افراد یک جامعه، افکار و عقایدی را می‌پذیرند که پشتوانهٔ عقلی و منطقی محکمی ندارند، بلکه بر اثر مرور زمان و یا انتقال از نسلی به نسل بعد، به صورت یک عادت درآمده است و اکثر افراد جامعه، بدون دلیل آنها را بپذیرفته‌اند.

(صفحهٔ ۲۴ و ۲۶ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

با رهایی از عادات غیرمنطقی (۲۵/۵ نمره)

زیرا از نظر افلاطون بزرگ‌ترین زندانی که بشر ممکن است به آن گرفتار شود عادت‌های ناپسندی است که همانند زنجیر دست و پای انسان را می‌بندد. (۲۵/۵ نمره)

۱۰- عموم مردم دربارهٔ مسائل بنیادین فلسفی می‌اندیشند و نظر می‌دهند؛ دربارهٔ خدا، آزادی، اختیار، خوشبختی و رنج ولی برخورد فیلسوف با مردمان دیگر در برخورد با این مسائل دو تفاوت اساسی دارد و آن اینکه اولاً فیلسوف دربارهٔ همین مسائل به نحو جدی می‌اندیشد ثانیاً با روش درست وارد این قبیل مسائل می‌شود و پاسخ می‌دهد.

(صفحهٔ ۲۳ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

اولاً فیلسوف دربارهٔ همین مسائل به نحو جدی فکر می‌کند (۲۵/۵ نمره)؛ ثانیاً با روش درست وارد این قبیل مسائل می‌شود و پاسخ می‌دهد (۲۵/۵ نمره).

۱۱- چنان رنج عظیمی بر او تحمیل می‌شود که توانایی تحمل نور را از دست خواهد داد و نخواهد توانست هیچ یک از اشیای حقیقی را ببیند و بشناسد.

افلاطون که از بزرگ‌ترین فیلسوفان تاریخ است، تمثیلی دارد که به «تمثیل غار» مشهور است. او در این تمثیل می‌خواهد نشان دهد که چگونه فلسفه، انسان را به سمت آزادی حقیقی هدایت می‌کند. این تمثیل در کتاب «جمهوری» افلاطون آمده است.

(صفحهٔ ۲۴، ۲۵ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

چنان رنج عظیمی بر او تحمیل می‌شود که توانایی تحمل نور را از دست خواهد داد (۵/۵ نمره) و نخواهد توانست هیچ یک از اشیای حقیقی را ببیند و بشناسد (۲۵/۵ نمره).

۱۲- عادت‌های ناپسندی که همانند زنجیر دست و پای انسان را می‌بندد یا در زندان غار افلاطون، چهل و نادانی به زندان و دانایی و تفکر به رهایی از زندان تشبیه شده‌اند.

(تمرین ۴ صفحهٔ ۲۶ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

عادت‌های ناپسندی که همانند زنجیر دست و پای انسان را می‌بندد (۵/۵ نمره)

اشاره به این موارد نیز صحیح است: در زندان غار افلاطون، چهل و نادانی به زندان و دانایی و تفکر به رهایی از زندان تشبیه شده‌اند.

۱۳- او در این تمثیل می‌خواهد نشان دهد که چگونه فلسفه، انسان را به سمت آزادی حقیقی هدایت می‌کند.

تمثیل غار افلاطون، بیان تمثیلی مجموعهٔ فلسفهٔ اوست که دارای ابعاد مختلفی است. این تمثیل در کتاب جمهوری افلاطون آمده است.

(صفحه ۲۴ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

او در این تمثیل می‌خواهد نشان دهد که چگونه فلسفه، انسان را به سمت آزادی حقیقی هدایت می‌کند. (۵/۵ نمره)

۱۴. فیلسوف واقعی هیچ سخنی را بدون دلیل نمی‌پذیرد و عقیده‌اش را بر پایه خیالات، تبلیغات و تعصب بنا نمی‌کند.

او درباره استدلال‌ها می‌اندیشد و اگر به درستی‌شان پی برد، آنها را می‌پذیرد.

فلسفه هر کس نقش اساسی در معنابخشی به زندگی او دارد، حال اگر انسان قدرت تفکر خود را افزایش دهد و با استفاده از قواعد تفکر، در امور فلسفی بیندیشد، به فواید و ثمرات دیگری نیز دست می‌یابد. از جمله:

(۱) دوری از مغالطه‌ها (۲) استقلال در اندیشه (۳) رهایی از عادت‌های غیرمنطقی

(صفحه ۲۳ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

فیلسوف واقعی هیچ سخنی را بدون دلیل نمی‌پذیرد (۵/۲۵ نمره) و عقیده‌اش را بر پایه خیالات، تبلیغات و تعصب بنا نمی‌کند (۵/۲۵ نمره).

او درباره استدلال‌ها می‌اندیشد و اگر به درستی‌شان پی برد، آنها را می‌پذیرد (۵/۵ نمره).

۱۵. زندانیان در غار نماد انسان‌هایی هستند که اهل تفکر نیستند و همین وضع موجود را می‌پسندند و از تغییر و تحول بیزارند.

در تمثیل غار افلاطون، نادانی به زندان و دانایی به رهایی تشبیه شده‌اند. در این تمثیل، زندانیان در بند نماد انسان‌هایی هستند که اهل تفکر و تعقل نبوده و بر مبنای تقلید از دیگران و عادات روزمره رفتار می‌کنند.

(صفحه ۲۶ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

زندانیان در غار نماد انسان‌هایی هستند که اهل تفکر نیستند (۵/۵ نمره) و همین وضع موجود را می‌پسندند و از تغییر و تحول بیزارند (۵/۵ نمره).

۱۶. گزینه ۲: رهایی از عادات غیرمنطقی

۱۷. فیلسوف درباره مسائل بنیادی به نحو جدی فکر می‌کند، با روش درست وارد این قبیل مسائل می‌شود و پاسخ می‌دهد. او تابع برهان و استدلال است؛ نه تابع افراد و اشخاص.

۱۸. یکی از فواید آموختن منطق توانایی تشخیص مغالطه‌ها و خارج کردن آنها از باورهاست. فلسفه از این توانایی منطقی کمک می‌گیرد تا اندیشه‌های فلسفی درست را از تفکرات غلط تشخیص دهد و راه رسیدن به اعتقادات درست را هموار سازد.

۱۹. نادرست - درست

بررسی عبارت نادرست:

۱- این عبارت درباره همه مردم صادق است، نه برخی از آنها.

۲۰.

الف

نادان محصور در توهمات خود است - محدوده دید او بسیار کوچک است. گویا دست و پایش بسته است و از انواع حرکت‌هایی که می‌تواند بکند و انواع تصمیم‌هایی که می‌تواند بگیرد خبر ندارد. زندانی در بند نیز چنین است. پس می‌توان گفت هر دو گروه درباره شکل زندگی و تصمیم‌گیری‌هایی که می‌کنند نمی‌اندیشند و گرفتار زنجیر عادات خود و آداب و رسوم هستند که جامعه به‌طور صحیح یا غلط بر آنها تحمیل کرده است. حوادث جهان و زندگی نیز آنان را به تأمل و تفکر وادار نمی‌کند.

ب

این سوال درباره زندان انسان از دیدگاه افلاطون است. افلاطون در تمثیل غار، انسان معمولی را انسانی تصور می‌کند که در غاری زندانی است و توانایی عبور از وضع موجود را ندارد. او انسانی است که به همین مشاهدات محسوس قناعت می‌کند و همین دنیا و عالم محسوس را حقیقت هستی تلقی می‌کند.

پ

مشکل بزرگ انسان‌های متفکر، نامأنوس بودن سخنان آنها برای آدم‌های معمولی است. انسان‌های عادی به وضع موجود خود عادت کرده‌اند و هر کس بخواهد این عادت را به هم بریزد برای آنان سخت و دردآور است. آدم‌های معمولی چون اهل تفکر نیستند همین وضع موجود را بیشتر می‌پسندند و از تغییر و تحول بیزارند.



مشاوره کنکور نوتروفیل

بیستوفیل فلسفه درس ۴

یازدهم

یازدهم

انسانی

فهرست

- ۱..... فیلسوفان یونان باستان
۳..... سوفیست ها
۳..... دوره جدید اروپا



فیلسوفان یونان باستان



۱ منظور هراکلیتوس از عبارت «در یک رودخانه نمی‌توان دو بار شنا کرد»، را بیان کنید.

۲ دو مورد از ویژگی‌های هستی را از نظر پارمنیدس بیان کنید.

۳ درستی یا نادرستی هر یک از عبارتهای زیر را مشخص کنید.

الف) هر یک از ما باورهایی دربارهٔ جهان، انسان، مرگ و نظایر آن داریم که گاه با باورهای دیگران یکسان است و گاهی هم متفاوت و مختلف.

ب) یکی از فواید آموختن فلسفه توانایی تشخیص مغالطه‌ها و خارج کردن آنها از باورها است.

ج) عموم مردم در مسائل بنیادین فلسفی می‌اندیشند و نظر می‌دهند.

د) برای دانش فلسفه می‌توان از نظر زمانی و مکانی آغازی تعیین کرد.

ه) از تمدن‌های باستانی پیش از تمدن یونان باستان، اثری که حکایت از تفکر در مسائل بنیادین هستی داشته باشد، به جای نمانده است.

و) اندیشمندانی که در دورهٔ نخستین یونان بوستان بودند (فلاسفهٔ پیشاسقراطی) فقط به تفکر فلسفی می‌پرداختند.

ز) فیثاغورس همان‌طور که پایه‌گذار ریاضی و هندسه است، یکی از پایه‌گذاران فلسفه نیز محسوب می‌شود.

ح) در نگاه پارمنیدس به جهان، هیچ چیز جاودانه‌ای در این جهان وجود ندارد.

۴ عبارتهای زیر را با کلمات مناسب تکمیل کنید.

الف) فلسفهٔ هرکس به زندگی اوست.

ب) فیلسوف واقعی تابع است؛ نه تابع افراد و اشخاص.

ج) هر جا که تمدنی شکل گرفته کسانی هم بوده‌اند که دربارهٔ اساسی‌ترین مسئله‌های هستی و می‌اندیشیده و سخن می‌گفته‌اند.

د) در مورد آغاز فلسفه ما تنها می‌توانیم براساس آثار باقی‌مانده، گزارشی از دورترین اندیشه‌های فلسفی ارائه کنیم.

ه) سهروردی معتقد است که در دورهٔ در ایران باستان انسان‌های وارسته‌ای بوده‌اند که هم به حکمت و فلسفه می‌اندیشیدند و هم دارای

سلوک معنوی بوده‌اند.

و) اوپانیشادها شامل متون متعدد است.

ز) در یونان باستان بود که دانش فلسفه شکل گرفت و تفسیر جهان با رایج شد.

ح) در زمان بود که کلمهٔ فیلسوف بر سر زبان‌ها افتاد.





۵ گزینۀ درست را انتخاب کنید.

الف) کسانی که کمتر به اموری مانند حقیقت انسان و جهان می‌اندیشند، در انتخاب هدف چگونه عمل می‌کنند؟

(۱) هدف قابل قبولی برای زندگی بر نمی‌گزینند.

(۲) بیشتر دنباله‌روی دیگرانند.

ب) اینکه در بسیاری از مواقع، افراد یک جامعه، افکار و عقایدی را بدون دلیل و بر اثر مرور زمان پذیرفته‌اند بیانگر بهره‌مند نشدن از کدام فایدهٔ تفکر فلسفی است؟

(۱) استقلال در اندیشه

(۲) رهایی از عادت‌های غیرمنطقی

ج) تمثیل غار افلاطون مثالی برای کدام فواید تفکر فلسفی است؟

(۱) استقلال در اندیشه و رهایی از عادات غیرمنطقی

(۲) دوری از مغالطه‌ها و رهایی از عادات غیرمنطقی

د) عبارت زیر از چه کسی است و به چه موضوع بنیادین و فلسفی اشاره دارد؟

«بی‌حد و بی‌تمام، پابرجاست بی‌صدا و بی‌جسم، تنها ایستاده است و تغییر را نمی‌شناسد... من نام او را نمی‌دانم، برای نامیدن است که او را تائو می‌خوانم.»

(۱) لائوتسه - خداشناسی و اینکه خدا در فطرت هر انسانی نهاده شده است.

(۲) زرتشت در اوستا - هستی‌شناسی و اینکه گرایش به خدا فطری است.

هـ) مورخان فلسفه، نخستین اندیشمند یونانی که اندیشهٔ فلسفی مشخصی داشته است را چه کسی می‌دانند و کدام عبارت در مورد او درست نیست؟

(۱) فیثاغورس - یکی از پایه‌گذاران فلسفه محسوب می‌شود.

(۲) تالس - تاریخ تولد و مرگ او مشخص است.

۶ مفاهیم ستون سمت راست را به مفاهیم ستون سمت چپ وصل کنید. (در سمت چپ دو مورد اضافی است.)

الف) کتاب جمهوری

(۱) گاتاها

(۲) آتن

ب) سروده‌های زرتشت

(۳) افلاطون

(۴) ایونیا

ج) زادگاه فلسفهٔ یونانی

(۵) ارسطو

۷ از کدام سرزمین به عنوان مهد تفکر فلسفی یاد می‌کنند و در چه قرن مباحث فلسفی آن پایه‌گذاری شد؟

۸ آنچه بیش از هر چیز اندیشمندان نخستین در یونان باستان را به خود مشغول می‌داشت چه بود؟

۹ مفاهیم ستون سمت راست را به مفاهیم ستون سمت چپ مرتبط کنید. (در ستون سمت چپ یک مورد اضافه است.)

ستون راست	ستون چپ
الف) یکی از فلاسفهٔ اولیه که هیچ‌کدام از آثارش به‌دست ما نرسید.	(۱) پارمنیدس
ب) جهان صرفاً دارای تغییرات ظاهری است.	(۲) تالس
ج) امور ناسازگار، سازندهٔ جهان هستند.	(۳) سقراط
	(۴) هراکلیتوس

۱۰ بنیان‌گذار دستگاه فلسفی عمیقی که در آن ریاضیات به‌گونه‌ای خاص با فلسفه و عرفان درهم آمیخته شده است کدام لفظ و واژه‌ها را برای اولین بار به کار برده است؟ فقط نام ببرید.





- ۱۱ اگر معتقد باشیم که «دامنه کوه هم سربلایی است و هم سرپایینی»، به کدام نظریه فلسفی از کدام فیلسوف یونان باستان اشاره کرده‌ایم؟
- ۱۲ مفاهیم «بودن» و «شدن» به چه معنا از مفاهیم اصلی فلسفی هستند و کدام فیلسوف برای نخستین بار به آنها توجه دقیق کرده و تفاوت آن دو را ذکر نموده است؟

۱۳ نظر فیثاغوریان را در مورد ماده اولیه موجودات این جهان براساس نقل قول ارسطو به طور کامل شرح دهید.

۱۴ نگاه هراکلیتوس به جهان را با نگاه پارمنیدس به جهان در مورد ثابت یا متغیر بودن هستی مقایسه کنید.

۱۵ هر یک از عبارات سمت راست با کدام یک از موارد سمت چپ مرتبط است؟ (یک مورد در سمت چپ اضافه است)

الف) معتقد به تغییر و تحول دائمی جهان است.	۱) فیثاغورس
ب) نخستین فیلسوف یونان باستان	۲) هراکلیتوس
ج) از نظر او اعداد عنصر اولیه جهان است.	۳) پارمنیدس
د) اولین بار به مفهوم بودن و شدن توجه کرد.	۴) سقراط
	۵) تالس

۱۶ ابزارهای شناخت مرتبه ظاهری و مرتبه باطنی هستی را در دیدگاه پارمنیدس با یکدیگر مقایسه کنید.

۱۷ از نظر پارمنیدس چگونه می‌توان به یک واقعیت بدون تغییر و فناپذیر رسید؟



۱۸ مشخص کنید اندیشه‌های زیر منسوب به کدام جریان فکری یا کدام فیلسوف در دوره باستان است؟

۱) در یک رودخانه دو بار نمی‌توان شنا کرد.

۲) غم و شادی و لذت و درد می‌توانند با یکدیگر جمع شوند.

۳) ماده اولیه همه چیز آب است.

۴) بیهوده دانستن سخن جهان‌شناسان به این دلیل که سخنان آنها با یکدیگر متضاد است.

۱۹ آرا و نظریات گوناگون و غالباً متضاد اندیشمندان نخستین در یونان باستان، منجر به شکل‌گیری کدام جریان فکری در آتن شد و این جریان منادی چه چیزی بود و به انکار چه چیزی منجر شد؟



۲۰ درستی یا نادرستی هر یک از عبارات‌های زیر را مشخص نمایید.

الف) به هیچ‌وجه نمی‌توان تاریخ دقیقی از آغاز فلسفه ارائه داد.



پاسخنامه تشریحی

۱- تغییر و تحول جهان دائمی است. ۲- همه چیز در سیلان و حرکت است. ۳- هیچ چیز ثابتی در این جهان وجود ندارد. ۴- دگرگونی قانون زندگی و قانون کائنات است، بر همه چیز فرمان می‌راند و نمی‌توان از آن گریخت.

۲- ۱- یک امر واحد است. ۲- ثابت و بدون تغییر است. / حرکت و شدن ندارد. ۳- یک واقعیت و جاودان و فناپذیر است. ۴- تنها با تفکر عقلی درک می‌شود.

۳- الف) درست (صفحه ۲۱ کتاب درسی)

ب) نادرست؛ یکی از فواید آموختن منطق، توانایی تشخیص مغالطه‌ها و خارج کردن آنها از باورها است. (صفحه ۲۲ کتاب درسی)

ج) درست (صفحه ۲۳ کتاب درسی)

د) نادرست؛ برای دانش فلسفه نمی‌توان از نظر زمانی آغازی تعیین کرد همان‌طور که نمی‌توان گفت فلسفه ابتدا در کدام سرزمین پدید آمده است، البته این سخن درباره همه دانش‌ها صدق می‌کند. (صفحه ۲۹ کتاب درسی)

ه) نادرست؛ در تمدن‌های باستانی دیگر، مانند تمدن‌های چین، هند، بین‌النهرین و مصر نیز که پیش از تمدن یونان باستان شکل گرفته‌اند، کم و بیش حکمت و فلسفه رواج داشته و آثاری که حکایت از تفکر در مسائل بنیادین هستی داشته باشند، به جای مانده است، مانند اوپانیشادها و گاتاها (صفحه ۲۹ کتاب درسی)

و) نادرست؛ اندیشمندانی که در آن دوره بودند (پیشاسقراطی) فقط به تفکر فلسفی نمی‌پرداختند. (صفحه ۳۰ کتاب درسی)

ز) درست (صفحه ۳۱ کتاب درسی)

ح) نادرست؛ در نگاه هراکلیتوس به جهان، هیچ چیز ثابتی در این جهان وجود ندارد و در نگاه پارمنیدس ما با یک واقعیت ثابت و جاودانه و فناپذیر روبه‌رو هستیم. (صفحه ۳۲ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

الف) درست (نمره ۰٫۲۵) ب) نادرست (نمره ۰٫۲۵) ج) درست (نمره ۰٫۲۵) د) نادرست (نمره ۰٫۲۵)

ه) نادرست (نمره ۰٫۲۵) و) نادرست (نمره ۰٫۲۵) ز) درست (نمره ۰٫۲۵) ح) نادرست (نمره ۰٫۲۵)

۴

الف) معنادهنده (صفحه ۲۱ کتاب درسی)

ب) برهان و استدلال (صفحه ۲۳ کتاب درسی)

ج) زندگی بشر (صفحه ۲۹ کتاب درسی)

د) اجمالی (صفحه ۲۹ کتاب درسی)

ه) کیانیان (صفحه ۲۹ کتاب درسی)

و) هندو (صفحه ۲۹ کتاب درسی)

ز) روش عقلانی (صفحه ۳۰ کتاب درسی)

ح) سقراط (صفحه ۳۱ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

الف) معنادهنده (نمره ۰٫۲۵) ب) برهان و استدلال (نمره ۰٫۲۵) ج) زندگی بشر (نمره ۰٫۲۵)

د) اجمالی (نمره ۰٫۲۵) ه) کیانیان (نمره ۰٫۲۵) و) هندو (نمره ۰٫۲۵)

ز) روش عقلانی (نمره ۰٫۲۵) ح) سقراط (نمره ۰٫۲۵)

۵- الف) گزینه ۲؛ برخی آدم‌ها کمتر به اموری مانند حقیقت انسان و جهان می‌اندیشند و به همان اندازه‌ای که از دوروبرشان آموخته‌اند، قناعت می‌کنند، در نتیجه در انتخاب هدف نیز دقت نظر چندانی ندارند و بیشتر دنباله‌روی دیگرانند. (صفحه ۲۱ کتاب درسی)

ب) گزینه ۲؛ در بسیاری از مواقع، افراد یک جامعه افکار و عقایدی را می‌پذیرند که پشتوانه عقلی و منطقی محکمی ندارند، بلکه بر اثر مرور زمان و یا انتقال از نسلی به نسل بعد، به صورت یک عادت درآمده است و اکثراً افراد جامعه، بدون دلیل آنها را پذیرفته‌اند. این مطلب اشاره به فایده تفکر فلسفی از جهت رهایی از عادت‌های غیرمنطقی دارد. (صفحه ۲۴ کتاب درسی)

ج) گزینه ۱؛ تمثیل غار افلاطون مثالی برای استقلال در اندیشه و رهایی از عادات غیرمنطقی است. (صفحه ۲۴ کتاب درسی)

د) گزینه ۱؛ نقل قولی از لائوتسه در کتاب درسی آورده شده است که بیانگر این است که خداگرایی در فطرت هر انسانی نهاده شده است.

لائوتسه فیلسوف بزرگ چینی در دوره باستان بوده که کتاب وی آئین اوتائو نام دارد. که شامل ۸۱ قطعه کلمه قصار است. (صفحه ۳۰ کتاب درسی)

ه) گزینه ۲؛ مورخان فلسفه «تالس» را نخستین اندیشمند یونانی می‌دانند که اندیشه فلسفی مشخصی داشته است. وی در قرن ششم پیش از میلاد می‌زیست. از تالس هیچ نوشته‌ای باقی نمانده است و از روی نوشته‌های فیلسوفان بعدی برخی از افکار او را به دست آورده‌اند. تاریخ تولد و مرگ او مشخص نیست. (صفحه ۳۱ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

الف) گزینه ۲ (نمره ۰٫۲۵) ب) گزینه ۲ (نمره ۰٫۲۵) ج) گزینه ۱ (نمره ۰٫۲۵)

د) گزینه ۱ (نمره ۰٫۲۵) ه) گزینه ۲ (نمره ۰٫۲۵)

۶- الف) گزینه ۳؛ افلاطون که از بزرگ‌ترین فیلسوفان تاریخ است تمثیلی دارد به نام تمثیل غار که در کتاب «جمهوری» او آمده است. (صفحه ۲۴ کتاب درسی)

ب) گزینه ۱؛ «گاتاها» سروده‌های زرتشت می‌باشد. (صفحه ۲۹ کتاب درسی)

ج) گزینه ۴؛ زادگاه فلسفه یونانی بخشی بود از سرزمین یونان باستان واقع در غرب آسیای صغیر (کشور ترکیه کنونی) که «ایونیا» نامیده می‌شد. (صفحه ۳۰ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

الف) گزینۀ (۳) افلاطون (۲۵۰ هـ.نمره)

ب) گزینۀ (۱) گاتاها (۲۵۰ هـ.نمره)

ج) گزینۀ (۴) ایونیا (۲۵۰ هـ.نمره)

۷) نخستین مجموعه‌ها یا قطعه‌هایی که به زبان فلسفی نگاشته شده یا جنبۀ فلسفی در آنها غلبه داشته، از یونان باستان به یادگار مانده است. به همین جهت از سرزمین یونان به عنوان مهد تفکر فلسفی یاد می‌کنند.

زادگاه فلسفۀ یونانی بخشی بود از سرزمین یونان باستان واقع در غرب آسیای صغیر (کشور ترکیۀ کنونی) که ایونیا نامیده می‌شد. در اینجا بود که در حدود شش قرن پیش از میلاد مباحث فلسفی پایه‌گذاری شد.

(صفحه ۳۰ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

سرزمین یونان (۲۵۰ هـ.نمره) - حدود شش قرن پیش از میلاد (۲۵۰ هـ.نمره)

۸) در آغاز شکل‌گیری فلسفه، آنچه بیش از هر چیز اندیشمندان نخستین در یونان باستان را به خود مشغول می‌داشت، دگرگونی‌هایی بود که پیوسته در جهان طبیعت رخ می‌داد. آنها می‌کوشیدند تا به دیدگاهی دست یابند که بتوانند به درستی این دگرگونی‌ها را تبیین عقلانی کنند.

(صفحه ۳۰ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

دگرگونی‌هایی بود که پیوسته در جهان طبیعت رخ می‌داد (۵۰ هـ.نمره).

۹) الف) ← ۲ ب) ← ۱ ج) ← ۴

۱۰) فیثاغورس همان‌گونه که پایه‌گذار ریاضی و هندسه است یکی از پایه‌گذاران فلسفه نیز محسوب می‌شود. می‌گویند فیثاغورس، اولین کسی بود که لفظ فلسفه (به معنای دوستداری دانش) را به کار برد. وی همچنین واژه «تئوری» را به معنایی که امروزه رایج است (نظریه) و نیز واژه «کیهان» را برای جهان برای نخستین بار استفاده کرد.

(صفحه ۳۱ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

فلسفه (۲۵۰ هـ.نمره) تئوری (۲۵۰ هـ.نمره) کیهان (۲۵۰ هـ.نمره)

۱۱) نظریۀ وحدت اضداد - هراکلیتوس

شهرت هراکلیتوس در تاریخ فلسفه به دلیل دو اندیشۀ اوست: اولی وحدت اضداد است. هراکلیتوس عقیده داشت که اموری که باهم ضد هستند، می‌توانند با یکدیگر جمع شوند؛ مثلاً دامنۀ کوه، هم سربالایی است و هم سربالایی.

از نظر هراکلیتوس، وجود اضداد است که جهان را می‌سازد و گریزی از ستیز و تضاد نیست.

(صفحه ۳۱، ۳۲ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

نظریۀ وحدت اضداد (۲۵۰ هـ.نمره) - هراکلیتوس (۲۵۰ هـ.نمره)

۱۲) «بودن» به معنای وجود و «شدن» به معنای حرکت است - پارمنیدس

پارمنیدس از اندیشمندان بزرگ دورۀ یونان باستان و فلاسفۀ نخستین این دوره است، که بنا به نقل افلاطون، سقراط در جوانی با وی ملاقات کرده است. او فلسفۀ خود را به صورت شعر عرضه کرده و با بیانی شاعرانه به توصیف عقاید خود پرداخته است.

(صفحه ۳۲ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

«بودن» به معنای وجود (۲۵۰ هـ.نمره) و «شدن» به معنای حرکت. (۲۵۰ هـ.نمره) - پارمنیدس (۲۵۰ هـ.نمره)

۱۳) یکی دیگر از فیلسوفان اولیه، فیثاغورس است. او همان‌طور که پایه‌گذار ریاضی و هندسه است، یکی از پایه‌گذاران فلسفه نیز محسوب می‌شود، او ریاضیات را به گونه‌ای خاص با فلسفه و عرفان درهم آمیخت و یک دستگاه فلسفی عمیق بنیان نهاد.

ارسطو درباره فیثاغورس و پیروان او می‌گوید: «فیلسوفانی که به نام فیثاغوریان خوانده می‌شوند، نخستین کسانی بوده‌اند که خود را وقف ریاضیات کرده و باعث پیشرفت آن شده‌اند. در نظر آنان، اصول ریاضی درباره تمام موجودات صادق است و اعداد و اصول اعداد، همان عناصر اولی همه موجودات هستند».

(صفحه ۳۱ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

ارسطو درباره فیثاغورس و پیروان او می‌گوید: «فیلسوفانی که به نام فیثاغوریان خوانده می‌شوند، نخستین کسانی بوده‌اند که خود را وقف ریاضیات کرده و باعث پیشرفت آن شده‌اند (۵۰ هـ.نمره). در نظر آنان، اصول ریاضی درباره تمام موجودات صادق است و اعداد و اصول اعداد، همان عناصر اولی همه موجودات هستند» (۵۰ هـ.نمره)

۱۴) درحالی که هراکلیتوس می‌گفت همه چیز در سیلان و حرکت است و هیچ چیز ثابتی در این جهان وجود ندارد و دگرگونی، قانون زندگی و قانون کائنات است، پارمنیدس می‌گفت که هستی یک امر واحد ثابت است و حرکت و شدن ندارد.

دومین اندیشۀ مشهور هراکلیتوس پس از نظریۀ وحدت اضداد، اندیشۀ وی در مورد تغییر و تحول دائمی جهان است و بر این اساس دگرگونی، قانون زندگی و قانون کائنات است. در مقابل و برخلاف هراکلیتوس، پارمنیدس می‌گفت در جهان واقع، نیستی راه ندارد و نمی‌توان گفت «نیستی، هست» زیرا این جمله تناقض‌آمیز است.

(صفحه ۳۲ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:



درحالی که هراکلیتوس می گفت همه چیز در سیلان و حرکت است و هیچ چیز ثابتی در این جهان وجود ندارد و دگرگونی، قانون زندگی و قانون کائنات است (۵/۵ نمره). پارمینیدس می گفت که هستی یک امر واحد ثابت است و حرکت و شدن ندارد. (۵/۵ نمره)

۱۵ الف هراکلیتوس

(ب) تالس

(ج) فیثاغورس

(د) پارمینیدس

۱۶ از نظر پارمینیدس، حواس فقط همین مرتبه ظاهری جهان و هستی را نشان می دهد که نشان دهنده امور مختلف و متغیر است اما با عقل می توان به آن لایه باطنی و حقیقی هستی رسید که بدون تغییر و جاودانه است.

از نظر پارمینیدس ما با یک واقعیت بدون تغییر و جاودان و فناپذیر روبه رو هستیم که البته از طریق حواس نمی توان به این واقعیت رسید بلکه تنها با تفکر عقلی است که این حقیقت را می توان دریافت.

(صفحه ۳۲، ۳۳ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

از نظر پارمینیدس، حواس فقط همین مرتبه ظاهری جهان و هستی را نشان می دهد که نشان دهنده امور مختلف و متغیر است (۵/۵ نمره) اما با عقل می توان به آن لایه باطنی و حقیقی هستی رسید که بدون تغییر و جاودانه است (۵/۵ نمره).

۱۷ از طریق حواس نمی توان به این واقعیت رسید. تنها با تفکر عقلی می توان آن را درک کرد.

۱۸

(۲ هراکلیتوس (صفحه ۳۱ و ۳۲ و ۳۵ کتاب درسی)

(۱ هراکلیتوس (صفحه ۲۸ کتاب درسی)

(۴ سوفیست ها (صفحه ۳۴ کتاب درسی)

(۳ تالس (صفحه ۳۵ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

(۱ هراکلیتوس (۲۵/۵ نمره) (۲ هراکلیتوس (۲۵/۵ نمره)

(۳ تالس (۲۵/۵ نمره) (۴ سوفیست ها (۲۵/۵ نمره)

۱۹ آرا و نظریات گوناگون و غالباً متضادی که اندیشمندان نخستین در یونان باستان عرضه داشتند سبب شد تا نوعی تشویش و نگرانی بر مردم آن روزگار غالب شود و بذریعۀ اعتمادی نسبت به دانش و اندیشه در ذهن ایشان پراکنده شود.

این آشفتگی فکری به ظهور دانشمندانی منجر گردید که منادی بی اعتباری علم و اندیشه شدند و اصل حقیقت و واقعیت را انکار کردند و خود را سوفیست یعنی دانشمند خواندند.

(صفحه ۳۴ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

سوفیست ها (۲۵/۵ نمره) - منادی بی اعتباری علم و اندیشه (۲۵/۵ نمره) - انکار اصل حقیقت و واقعیت (۲۵/۵ نمره)

۲۰

الف

درست



مشاوره کنکور نوتروفیل

بیستوفیل فلسفه درس ۵ یازدهم

یازدهم
انسانی

فهرست

مقدمه..... ۱

سقراط در برابر دادگاه..... ۱



مقدمه



- ۱ از نظر سقراط داناترین آدمیان چه کسی است؟
- ۲ چگونه سقراط اتهام انکار خدا را رد می‌کند؟
- ۳ رابطه میان ثروت و فضیلت از نظر سقراط چیست؟
- ۴ تحت تأثیر کدام اندیشه‌های سوفیستی در زمان سقراط، بحران اخلاق و فضیلت و بحران حق‌طلبی ایجاد شد؟
- ۵ «روش سقراطي» را توضیح دهید.
- ۶ سقراط به چه اتهامی بازداشت و محاکمه شد؟
- ۷ چرا سقراط دانایی را در اقرار به نادانی می‌دانست؟
- ۸ چه کسی فلسفه را از آسمان به زمین آورد و این فرد الگویی از چه نوع فیلسوفی است؟
- ۹ «چیزی نمی‌دانم» سقراط با «چیزی نمی‌دانیم» سوفسطائیان چه تفاوتی دارد؟ تحلیل و بررسی کنید.
- ۱۰ استدلال سقراط در برابر ملتوس برای اثبات خدا و اعتقادش به خدا را شرح دهید.
- ۱۱ کدام عبارت را می‌توان از دفاعیه سقراط نتیجه گرفت؟
- ۱۲ منشأ همه بدی‌ها و ناراستی‌ها نادانی انسان است.
- ۱۳ هر کس خدا را باور داشته باشد، باید صفات او را بپذیرد.
- ۱۴ با توجه به نظر سقراط، گریز از چه چیزی دشوارتر از گریز از مرگ است؟
- ۱۵ اتهام سقراط در دادگاه چه بود؟
- ۱۶ نظر «سقراط» درباره ثروت و فضیلت چه بود؟
- ۱۷ توضیح دهید میان «نمی‌دانم» سقراط و «نمی‌دانم» سوفسطائیان چه تفاوتی وجود دارد؟
- ۱۸ پیام سروش معبد دلفی چه بود؟
- ۱۹ علت ترس از مرگ در نظر سقراط چیست؟
- ۲۰ جرم سقراط چه بود؟
- ۲۱ دفاعیه سقراط درباره اعتقاد به خدا چیست؟
- ۲۲ سیسرون، فیلسوف و خطیب بزرگ رومی در مورد سقراط چه می‌گوید؟
- ۲۳ چهار مورد از ویژگی‌های اخلاقی و ظاهری سقراط را بر اساس متن کتاب بنویسید.
- ۲۴ به چه علت جوانان زیادی مجذوب سقراط می‌شدند؟
- ۲۵ درستی یا نادرستی عبارات زیر را مشخص کنید.

الف

همه مردم آتن سقراط را می‌شناختند.

۲۴ درستی یا نادرستی هر یک از عبارات زیر را مشخص کنید و در صورت نادرست بودن، علت آن را ذکر کنید.

۱. سقراط هر روز در شهر به راه می‌افتاد و نزد بازاریان، مردم عامی و اعیان و اشراف می‌رفت و با آنان حرف می‌زد و پیوسته درباره مسائل فلسفی می‌اندیشید.

۲. سقراط هیچ‌گاه از بیدار ساختن و سرزنش و پند دادن به مردم باز نمی‌ایستاد و او هر چند برای پول سخن نمی‌گفت اما گاهی مواقع به‌خاطر آن سکوت می‌کرد.



سقراط در برابر دادگاه



۲۵ با توجه به دفاعیات سقراط، او با استفاده از صفات مافوق بشری کدام اتهام را رد می‌کند؟





پاسخنامه تشریحی

۱ داناترین آدمیان، کسی است که چون سقراط بداند که هیچ نمی‌داند.

۲ کسی که صفات علم و قدرت و عدالت فوق بشری را قبول داشته باشد، نمی‌تواند منکر وجود خداوند شود.

۳ نباید جسم و مال و ثروت را بر کمال نفس خود ترجیح دهید و به شما یادآوری کنم که ثروت، فضیلت نمی‌آورد، بلکه از فضیلت است که ثروت و هرچه که برای فرد و جامعه سودمند است، به دست می‌آید.

۴ معتقد بودند که جهان را نمی‌توان شناخت و آنچه را که ما علم و دانش می‌نامیم تنها ساخته و پرداخته ذهن ماست و تطابق با واقعیت ندارد، آنان با کمک اقسام مغالطه‌ها و جدل و سخنوری به نشر اندیشه خود می‌پرداختند و بر شیوه زندگی مردم تأثیر می‌گذاشتند و تحت تأثیر چنین اندیشه‌ای، اخلاق و فضیلت میان مردم کم‌رنگ شده بود و مردم به دنبال حق جلوه دادن باطل بودند.

۵ سقراط مفاهیمی را که در زندگی ما اهمیت حیاتی دارد، برمی‌گزید و درباره‌اش پرسش می‌کرد. مثلاً می‌پرسید دوستی چیست؟ یا شجاعت چیست؟ وقتی کسی داوطلب پاسخ می‌شد، با توجه به پاسخ او، سؤال دیگری طرح می‌کرد به طوری که مخاطب و پاسخ‌دهنده را به حقیقت می‌رساند و آنچه را که حق بود، از زبان پاسخ‌دهنده به دست می‌آورد. این روش گفت‌وگو و پرسش و پاسخ که سقراط به کار می‌گرفت، به تدریج به روش سقراطی شهرت یافت.

۶ سرانجام مقامات حکومتی، سقراط را به اتهام فاسد کردن جوانان و بی‌ایمانی به خدایان بازداشت کردند و او را محاکمه نمودند.
(صفحه ۳۹ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

۱) فاسد کردن جوانان (۲۵/۲) بی‌ایمانی به خدایان (۲۵/۲) (نمره)

۷ زیرا پیام و راز سروش معبد دلفی همین بود که سقراط از آن جهت دانا است که به جهل خویش آگاه است، ولی دیگرانی که ادعای دانایی دارند به جهل خود نادان هستند. وقتی کرفون از سروش معبد دلفی سؤال کرد آیا کسی داناتر از سقراط هست؟ پاسخ شنید که کسی داناتر از سقراط نیست. وقتی سقراط این سخن را شنید، علت این سخن را جویا شد و متوجه شد که علت دانا معرفی کردن سقراط در این است که او می‌داند که نمی‌داند یعنی اعتراف و اقرار به نمی‌دانم از سوی سقراط و به همین دلیل سقراط دانایی را در اقرار به نادانی می‌دانست.

(صفحه ۴۰ و ۴۲ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

زیرا پیام و راز سروش معبد دلفی همین بود که سقراط از آن جهت دانا است که به جهل خویش آگاه است (۵/۲) ولی دیگرانی که ادعای دانایی دارند به جهل خود نادان هستند (۲۵/۲) (نمره).

۸ سقراط الگویی از یک فیلسوف است که بر اساس فلسفه‌اش زندگی کرده و در راه پایدی به آن جان خود را فدا نموده است. سیسرون، فیلسوف و خطیب بزرگ رومی (متولد ۱۰۶ پیش از میلاد) درباره سقراط می‌گوید: او فلسفه را از آسمان به زمین آورد و آن را به خانه‌ها و شهرها برد. او فلسفه را وادار کرد تا به زندگی، اخلاقیات و خیر و شر بپردازد.

(صفحه ۴۲ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

سقراط به گفته سیسرون (۲۵/۲) (نمره)

الگویی از یک فیلسوف که بر اساس فلسفه‌اش زندگی کرده (۲۵/۲) و در راه پایدی به آن جان خود را فدا نموده است. (۲۵/۲) (نمره)

۹ سقراط دانایی را در اقرار به نادانی می‌دانست پس تفاوت نمی‌دانم سقراط با نمی‌دانیم سوفسطائیان در این است که نمی‌دانم سقراط ریشه در تواضع و فروتنی او دارد ولی نمی‌دانیم سوفسطائیان ریشه در جهل مرکب و خودبزرگ‌بینی کاذب دارد.

سروش معبد دلفی که در الهامی به کرفون گفته بود: «داناترین مردم سقراط است».

از نظر سقراط راز این پیام و ندا این بود که به ما نمایاند که تا چه پایه نادانیم و اگر از سقراط به‌عنوان دانا یاد کرده است، فقط به خاطر این بوده است که بگوید: داناترین شما آدمیان، کسی است که چون سقراط بداند که هیچ نمی‌داند.

از نظر سقراط علت دانا معرفی کردن سقراط از سوی سروش معبد دلفی در این است که او از جهل و نادانی خویش آگاه است و می‌داند که نمی‌داند ولی دیگران که ادعای دانایی داشتند از دانایی بهره‌ای نبرده‌اند و به جهل خود جاهل و نادانند (جهل مرکب) و به همین دلیل، سقراط دانایی را در اقرار به نادانی می‌دانست.

(صفحه ۴۲ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

سقراط دانایی را در اقرار به نادانی می‌دانست پس تفاوت نمی‌دانم سقراط با نمی‌دانیم سوفسطائیان در این است که نمی‌دانم سقراط ریشه در تواضع و فروتنی او دارد. (۵/۲) ولی نمی‌دانیم سوفسطائیان ریشه در جهل مرکب و خودبزرگ‌بینی کاذب دارد. (۵/۲) (نمره)

۱۰ سقراط حقیقتاً به خدا اعتقاد داشت و حتی معتقد بود که سروش معبد دلفی از جانب خداوند برای او پیغام‌هایی می‌آورد تا با مردم در میان بگذارد به همین خاطر به ملتوس گفت که این افترا که من منکر خدا باشم، وارد نیست. چگونه ممکن است کسی صفات و امور مربوط به انسان را بپذیرد، اما منکر وجود انسان باشد؟ آیا کسی پیدا می‌شود که علم و قدرت و عدالت فوق بشری را قبول داشته باشد ولی وجود خداوند را منکر شود؟

سقراط در این گفت‌وگو و با این سخن، در حال اثبات خدا از طریق صفات و آثار او بود.

(صفحه ۴۱ کتاب درسی)

راهنمای تمحیج:

نمی‌توان علم و قدرت و عدالت فوق بشری را قبول داشت ولی وجود خداوند را منکر شد. (۵/۵ نمره)

۱۱ گزینہ ۱

۱۲ گریز از بدی

۱۳ فاسد کردن جوانان ، بی‌ایمانی به خدایان

۱۴ ثروت فضیلت نمی‌آورد، بلکه از فضیلت است که ثروت و هر چه که برای فرد سودمند است به دست می‌آید.

۱۵ سقراط چهل ساده داشت لذا در پی کسب دانایی بود، ولی سوفسطاییان نسبت به امکان دانایی چهل مرکب داشتند. سقراط خودش را جاهل می‌دانست لذا از دیگران سؤال می‌پرسید، ولی سوفسطاییان دیگران را جاهل قلمداد می‌کردند.

۱۶ داناترین شما آدمیان، کسی است که چون سقراط بداند که هیچ نمی‌داند.

۱۷ ترس از مرگ جز این نیست که آدمی خود را دانا پندارد، بی‌آنکه دانا باشد.

۱۸ الف. خدایانی را که همه به آنها اعتقاد دارند، انکار می‌کند و از خدایی جدید سخن می‌گوید.

ب. با افکار خود جوانان را گمراه می‌سازد و آنها را از دین و آئین پدرانشان برمی‌گرداند.

۱۹ آیا ممکن است که کسی صفات و امور مربوط به انسان را بپذیرد، اما منکر وجود انسان باشد؟ آیا ممکن است کسی وجود اسب را انکار کند، اما وجود زین و لگام و دهنه اسب را بپذیرد؟ آیا کسی پیدا می‌شود که علم و قدرت و عدالت فوق بشری را قبول داشته باشد، ولی وجود خداوند را منکر شود؟

۲۰ او فلسفه را از آسمان به زمین آورد و آن را به خانه‌ها و شهرها برد. او فلسفه را وادار کرد تا به زندگی، اخلاقیات و خیر و شر بپردازد.

۲۱ ۱- سخنان شیرین و پرمعنای او بر سر زبان‌ها بود. ۲- سخنان به ظاهر ساده و گاه خنده‌آورش ژرفای خاصی داشت. ۳- لباس‌های ساده می‌پوشید. ۴- اخلاق و منش جذابی داشت. ۵- رفتار متواضعانه و همراه با احترام او موجب شده بود جوانان زیادی مجذوبش شوند.

۲۲ رفتار متواضعانه و همراه با احترام سقراط موجب شده بود، جوانان زیادی مجذوبش شوند.

۲۳

الف درست

۲۴ بررسی علت نادرستی :

۱. نادرست. درباره مسائل «روزمره زندگی» می‌اندیشید.

۲. نادرست. سقراط: من کسی نیستم که برای پول سخن بگویم یا به‌خاطر آن سکوت کنم.

۲۵ اتهام انکار خدا را رد می‌کند.



مشاوره کنکور نوتروفیل

بیستوفیل فلسفه درس ۶ یازدهم

سال یازدهم
انسانی

فهرست

- ۱ مقدمه و چستی معرفت
- ۲ امکان معرفت - پیشرفت پیوسته دانش انسان
- ۲ دوره جدید اروپا



مقدمه و چيستی معرفت



۱ مفاهيم ستون سمت راست را به مفاهيم ستون سمت چپ مرتبط كنيد. (در سمت چپ يك مورد اضافي است).

- | | |
|--|-----------------------|
| (الف) استفاده از اشيا براي رفع نيازهايمان | (۱) تدريجي بودن شناخت |
| (ب) فراگيرتر بودن شناخت انسان از مسائل محسوس | (۲) توانايي شناخت |
| (ج) آغاز فرايند شناخت انسان و پيشرفت انسان از بدو تولد | (۳) ارزش شناخت |
| | (۴) محدوده شناخت |

درستي يا نادرستي هر يك از عبارتهاي زير را مشخص كنيد.

۲ (الف) تفكر فلسفي، تفكر در حوزه فطرت اول و فلسفه، تفكر در حوزه فطرت ثاني است.

(ب) معرفت به وجود، فرع بر امكان شناخت آن است.

(ج) فيلسوف واقعي درباره استدلالها مي انديشد و آنها را مي پذيرد.

(د) افلاطون مانند در ناداني و عدم درك حقيقت را به زنداني در بند تشبيه كرده است.

(هـ) تمدن هاي قديمي تر و ساده تر، مقدمه و پلکان شكل گيري تمدن هاي جديدتر بوده اند.

(و) سوفيست ها در نهايت به آنجا رسيدند كه اصل حقيقت و واقعيت را انكار كردند.

(ز) از آثار سقراط هيچ كتاب و اثری باقي نمانده است اما زندگي وی حکایت واقعی فلسفه است.

(ح) معنا و مفهوم معرفت و شناخت، روشن است و تعريف ندارد.

۳

مفاهيم ستون سمت راست را به مفاهيم ستون سمت چپ مرتبط كنيد. (در سمت چپ دو مورد اضافي است).

- | | |
|--|-----------------------|
| (الف) كسي كه واژه فلسفه را بر سر زبان ها انداخت. | (۱) فيثاغورس |
| (ب) كسي كه لفظ فلسفه را براي اولين بار به كار برد. | (۲) پارمنيدس |
| (ج) آغاز فرايند شناخت انسان و پيشرفت آن از آغاز تولد | (۳) تدريجي بودن شناخت |
| | (۴) سقراط |
| | (۵) محدود بودن شناخت |

۴ دیدگاه فيلسوفان درباره خود انديشيدن به کدام بخش فلسفه مربوط مي شود و اين بخش از فلسفه به چه پديده اي مي پردازد؟

۵ دو دليل بر خطاپذيري شناخت انسان بيان كنيد.

۶ آيا مفهوم شناخت قابل تعريف است؟ چرا؟

۷ فرق فيلسوف با ديگران در چيست؟

۸ منظور از اين جمله چيست؟

«علي رغم گستردگي شناخت و فهم ما از جهان و خود، شناخت ما در مجموع محدود است.»

۹ دو پرسش درباره مسائل مربوط به شناخت بنويسيد.

۱۰ چرا بحث معرفت شناسي امروزه به صورت شاخه مستقلی درآمده است؟





امکان معرفت - پیشرفت پیوسته

۱۱ عبارتهای زیر را با کلمات مناسب تکمیل نمایید.

الف

شک در اصل دانستن و همه دانسته‌ها، با سازگار نیست.

۱۲ در تحلیل سخن گرگیاس در بحث امکان شناخت، موارد زیر را در جای مناسب قرار دهید.

«الف»	←	«ب»	←	«ج»
-------	---	-----	---	-----

۱ انکار امکان انتقال حقایق

۲ انکار اصل واقعیت

۳ انکار معرفت‌شناسی

۱۳ راه‌های پیشرفت و تکامل دانش بشر در تأیید توانایی شناخت هستی را بنویسید.

۱۴ سه ادعای مهم گرگیاس در مسئله معرفت را بیان کنید.

۱۵

عبارتهای زیر را با کلمات مناسب تکمیل کنید.

الف) ملاصدرا فیلسوف بزرگ اسلامی ماندن در را شایسته انسان نمی‌داند.

ب) بخش اصلی فلسفه درصدد بحث و بررسی اصل و حقیقت آن است.

ج) فلسفه هر کس نقش اساسی در به زندگی او دارد.

د) باورهایی که ما را می‌سازند، نقش تعیین‌کننده‌ای در انتخاب اهداف دارند.

ه) مورخان فلسفه، را نخستین اندیشمند یونانی می‌دانند که اندیشه فلسفی مشخصی داشته است.

و) جامعه آتن در زمان سقراط متأثر از بود.

ز) توجه ویژه فیلسوف قرن هجدهم آلمان به شناخت سبب شد که شاخه معرفت‌شناسی فلسفه رشد بیشتری کند.

ح) اگر چیزی وجود داشته باشد، برای انسان قابل شناخت نیست و انسان ابزار شناخت آن را ندارد، گفته است.

۱۶ هریک از عبارات زیر منسوب به کدام جریان فکری یا کدام شخص یا کدام متن است؟

الف) دگرگونی، قانون زندگی و قانون کائنات است.

ب) با اندیشیدن و واقعیت دادن به خود است که هر چه که هست شناخته می‌شود.

ج) «نیستی هست» تناقض‌آمیز است.

د) اگر انسان به فرض چیزی را شناخته باشد، نمی‌تواند آن را به دیگران منتقل نماید.

۱۷ منظور از شکاکیت مطلق چیست؟ امکان یا عدم امکان آن را با دلیل بررسی کنید.

۱۸ دانش بشر به دو صورت پیشرفت می‌کند، آنها را نام ببرید:

۱۹ شکاکیت مطلق به چه معناست؟

دوره جدید اروپا

۲۰ درستی یا نادرستی هر یک از عبارتهای زیر را مشخص نمایید.

الف

وجود اشتباه در شناخت، به‌طور طبیعی به معنای ناتوانی در کسب معرفت تلقی می‌شود.



پاسخنامه تشریحی



(ج) ۱ (تدریجی بودن شناخت)

(ب) ۴ (محدوده شناخت)

۱ الف) ۲ (توانایی شناخت)

الف) نادرست؛ فلسفه محصول تفکر فلسفی به صورت تخصصی و قانونمند است؛ بنابراین هم تفکر فلسفی و هم فلسفه هر دو به فطرت ثانی مربوط می‌شود. ملاصدرا، مشغول بودن به امور عادی زندگی و تفکر در آنها را «فطرت اول» و ورود به آن پرسش‌های اساسی و تفکر در آنها را «فطرت ثانی» می‌نامد. فلسفه محصول تفکر فلسفی به صورت تخصصی و قانونمند است؛ بنابراین هم تفکر فلسفی و هم فلسفه هر دو به فطرت ثانی مربوط می‌شود. (صفحه ۱۱ کتاب درسی)

(ب) درست (صفحه ۱۳ کتاب درسی)

(ج) نادرست؛ فیلسوف واقعی درباره استدلال‌ها می‌اندیشد و اگر به درستی‌شان پی ببرد، آنها را می‌پذیرد. (صفحه ۲۳ کتاب درسی)

(د) درست (صفحه ۲۶ کتاب درسی)

(ه) درست (صفحه ۲۹ کتاب درسی)

(و) درست (صفحه ۳۴ کتاب درسی)

(ز) نادرست؛ سقراط هیچ کتابی ننوشت، اما سراسر حیاتش را با فلسفه سپری کرد. زندگی وی حکایت واقعی فلسفه است. (صفحه ۳۷ کتاب درسی)

(ح) نادرست؛ معنا و مفهوم معرفت و شناخت، روشن است و نیازی به تعریف ندارد. (صفحه ۴۶ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

(ج) نادرست (نمره ۰٫۲۵)

(ب) درست (نمره ۰٫۲۵)

الف) نادرست (نمره ۰٫۲۵)

(و) درست (نمره ۰٫۲۵)

(ه) درست (نمره ۰٫۲۵)

(د) درست (نمره ۰٫۲۵)

(ح) نادرست (نمره ۰٫۲۵)

(ز) نادرست (نمره ۰٫۲۵)

۳ الف) ۴: کسی که واژه فلسفه را بر سر زبان‌ها انداخت و عمومی کرد، فیلسوف بزرگ یونان، سقراط بود. شاید اولین بار فیثاغورس که در قرن ۶ قبل از میلاد می‌زیست این لفظ را به کار برده باشد. اما از زمان سقراط این لفظ بیشتر مورد استفاده قرار گرفت. (صفحه ۷ کتاب درسی)

(ب) ۱: می‌گویند لفظ فلسفه را فیثاغورس برای اولین بار به کار برد. وی همچنین واژه تئوری را به معنایی که امروزه رایج است (نظریه) و نیز واژه کیهان را برای جهان نخستین بار استفاده کرد. (صفحه ۳۱ کتاب درسی)

(ج) ۳: شناخت ما به تدریج افزایش می‌یابد، ما در آغاز تولد چیزی نمی‌دانیم، بلکه گام به گام با پدیده‌های جهان آشنا می‌شویم. (صفحه ۴۵ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

(ج) ۳ (نمره ۰٫۲۵)

(ب) ۱ (نمره ۰٫۲۵)

الف) ۴ (نمره ۰٫۲۵)

۴ «معرفت‌شناسی» بخشی از فلسفه است که به پدیده شناخت می‌پردازد.

اندیشیدن درباره «اندیشیدن» یکی از مهم‌ترین بخش‌های فلسفه است.

این بخش از فلسفه را که امروزه گسترش فراوانی هم یافته، معرفت‌شناسی می‌گویند.

فیلسوفان می‌کوشند تا به حقیقت شناخت پی ببرند و توانایی بشر برای شناخت خود و جهان و ابزارهای وی برای شناخت و محدوده‌های شناخت او و مسائلی از این قبیل را توضیح دهند.

(صفحه ۴۶ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

معرفت‌شناسی بخشی از فلسفه است (نمره ۰٫۲۵) که به پدیده شناخت می‌پردازد. (نمره ۰٫۲۵)

۵ ۱- انسان می‌تواند به خطاهای خود علم پیدا کند. ۲- وجود اختلاف نظرها و باورهای مختلف میان انسان‌ها، نشان‌دهنده امکان خطا در شناخت است.

۶ معنا و مفهوم معرفت و شناخت، چنان روشن و بدیهی است که نیازی به تعریف ندارد.

۷ الف. فیلسوف درباره مسائل بنیادی به نحو جدی فکر می‌کند.

ب. با روش درست وارد این قبیل مسائل می‌شود و پاسخ می‌دهد.

۸ یعنی ما آگاه هستیم که در کنار آن دانسته‌ها و آموخته‌ها، حقایق فراوان دیگری هم در عالم هست که آن‌ها را نمی‌دانیم و نمی‌شناسیم.

۹ پرسش‌هایی مانند:

- شناخت چیست؟

- آیا شناخت اساساً ممکن است؟

- شناخت ما تا چه اندازه ارزش دارند؟

- راه‌های شناخت کدام‌اند؟

- قلمرو شناخت چیست؟

(ذکر دو مورد از اینها کافی است.)

۱۰ ۱- طرح پرسش‌های جدی و جدید درباره معرفت



۲- ظهور دیدگاه‌های گوناگون

۱۱

الف شک مطلق

۱۲ الف ۲

ب ۳

ج ۱

۱۳ ۱) حل مجهولات و دستیابی به اطلاعات جدید

۲) پی بردن به اشتباهات گذشتگان و تصحیح آنها

۱۴ اولاً چیزی وجود ندارد.

اگر چیزی وجود داشته باشد هم برای انسان قابل شناخت نیست و انسان ابزار شناخت آن را ندارد.

اگر هم انسان بتواند آن را بشناسد، نمی‌توان آن را به دیگری بیاموزد و منتقل نماید.

۱۵

الف) فطرت اول (صفحه ۵ کتاب درسی)

ب) وجود و مسائل پیرامون (صفحه ۱۳ کتاب درسی)

ج) معنابخشی (صفحه ۲۱، ۲۲ کتاب درسی)

د) فلسفه (صفحه ۲۱ کتاب درسی)

هـ) تالس (صفحه ۳۱ کتاب درسی)

و) اندیشه‌های سوفسطائیان (صفحه ۳۷ کتاب درسی)

ز) کانت (صفحه ۴۶ کتاب درسی)

ح) گرگیاس (صفحه ۴۷ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

الف) فطرت اول

ب) وجود و مسائل پیرامون

ج) معنابخشی

د) فلسفه

هـ) تالس

و) اندیشه‌های سوفسطائیان

ز) کانت

ح) گرگیاس

(هر مورد ۲،۵ نمره)

۱۶ الف) دومین اندیشه مشهور هراکلیتوس، تغییر و تحول دائمی جهان است. او می‌گفت همه چیز در سیلان و حرکت است. هیچ چیز ثابتی در این جهان وجود ندارد، دگرگونی، قانون

زندگی و قانون کائنات است. (صفحه ۳۲ کتاب درسی)

ب) کلمه اوپانیشاد به معنای نشستن دور هم در جای پنهان و خصوصی است و شامل متون متعدد هندو است و این عبارت مربوط به آن می‌باشد. (صفحه ۲۹ و ۳۰ کتاب درسی)

ج) پارمنیدس می‌گفت در جهان واقع، نیستی راه ندارد و نمی‌توان گفت «نیستی، هست» زیرا این جمله تناقض آمیز است. (صفحه ۳۲ کتاب درسی)

د) گرگیاس می‌گفت اگر چیزی برای انسان قابل شناخت باشد، نمی‌تواند آن را به دیگری بیاموزد و منتقل نماید. (صفحه ۴۷ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

الف) هراکلیتوس (۲،۵ نمره)

ب) اوپانیشاد (۲،۵ نمره)

ج) پارمنیدس (۲،۵ نمره)

د) گرگیاس (۲،۵ نمره)

۱۷ هم معنای معرفت و شناخت و هم امکان رسیدن به آن (امکان شناخت) برای هر انسانی روشن است.

شکاکیت مطلق یعنی شک در اصل دانستن و همه دانسته‌ها و اعتقاد به اینکه هیچ شناختی ممکن نیست.

شکاکیت مطلق امکان‌پذیر نیست و اگر کسی چنین نظری بدهد، گرفتار یک تناقض شده و همین نظر او (هیچ شناختی ممکن نیست) با شک مطلق سازگار نیست زیرا خود او دارای یک

شناخت مطلق است و این یعنی تناقض.

از سوی شکاک مطلق حکم هیچ شناختی ممکن نیست. این نظر همانند آن است که فرد لالی فریاد برآورد که من لال هستم.

(صفحه ۴۸ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

شکاکیت مطلق، یعنی شک در اصل دانستن و همه دانسته‌ها و اینکه گفته شود هیچ شناختی ممکن نیست. (۵ نمره)

شکاکیت مطلق امکان‌پذیر نیست و اگر کسی چنین نظری بدهد گرفتار یک تناقض شده و همین نظر او با شک مطلق سازگار نیست. (۵ نمره)

۱۸ ۱- از طریق حل مجهولات و دستیابی به اطلاعات جدید ۲- از طریق پی بردن به اشتباهات گذشتگان و تصحیح آنها.

۱۹ شکاکیت مطلق، یعنی شک در اصل دانستن و همه دانسته‌ها، که امکان‌پذیر نیست.

۲۰

الف نادرست



مشاوره کنکور نوتروفیل

بیستوفیل فلسفه درس ۷ یازدهم

سال یازدهم
انسانی



- ۱ توضیح دهید که علت عدم سلب اعتماد انسان از حواس، علی‌رغم وجود خطاهای متعدد در آنها، چیست؟
- ۲ مفاهیم ستون سمت راست را به مفاهیم ستون سمت چپ مرتبط کنید. (در سمت چپ، دو مورد اضافی است).

(الف) ابزار کشف علل شادی و غم	(۱) حس
(ب) ابزار شناخت موجودات طبیعی و ویژگی‌های آنها	(۲) عقل
(ج) از نشانه‌های ارزش و اعتبار شناخت حسی	(۳) قلب
(د) گسترش‌دهنده اندیشه‌های ارسطو درباره قانون علیت	(۴) ابن‌سینا
	(۵) شناخت تفاوت‌ها و تمایزها
	(۶) افلاطون

- ۳ هریک از گزاره‌های زیر به چه حوزه‌ای از دانش بشری مربوط می‌شود؟
(الف) جهان برای برخی انسان‌ها حکم قفس را دارد.
(ب) انسانی که واقعاً خدا را مقصود خود قرار دهد، اعمالش در جهت رسیدن به او خواهد بود.
(ج) زمین علاوه بر حرکتی که به دور خود و به دور خورشید دارد، حرکتی هم همراه با منظومه شمسی در کهکشان دارد.
به سؤالات زیر پاسخ کوتاه دهید.
- ۴ شناخت تمایزها و تفاوت‌های اشیا چه امکانی به انسان می‌دهد؟
- ۵ آیا خطای حواس سبب بی‌اعتمادی انسان نسبت به حواس می‌شود؟ چرا؟
- ۶ نوع شناخت مناسب برای موارد زیر را تشخیص دهید.
(الف) نمک شور است.
(ب) خداوند غنی بالذات است.
(ج) جهان برای برخی انسان‌ها حکم قفس را دارد.
- ۷ شناخت تجربی و شناخت عقلی را از جهت کارکرد عقل در آنها با یکدیگر مقایسه کنید.
به سؤالات زیر پاسخ کامل دهید:
- ۸ نحوه کاربرد عقل در شناخت عقلی محض را با ذکر مثال توضیح دهید.
به سؤالات زیر پاسخ کوتاه دهید:
- ۹ شناخت تجربی از چه طریقی به دست می‌آید؟
- ۱۰ سه قاعده از قواعد عقلی شناخت تجربی را نام ببرید.
- ۱۱ منظور از شناخت عقلی چیست؟
به سؤالات زیر پاسخ کامل دهید.
- ۱۲ توانایی قوه عقل انسان در درک حقایق، شامل چه حقایقی می‌شود؟ شرح دهید.
- ۱۳ آیا در علوم که از راه استدلال عقلی محض به دست می‌آیند، امکان خطا و اشتباه وجود دارد؟ توضیح دهید.
- ۱۴ نوع شناخت مناسب برای موارد زیر را تشخیص دهید.
(الف) جذر عدد ۵
(ب) عامل ایجاد بیماری کرونا
- ۱۵ شناخت اسرار و رموز طبیعت و قوانین طبیعی به کدام نوع شناخت مربوط می‌شود؟ و این شناخت از چه طریقی به دست می‌آید؟
- ۱۶ نظر ابن‌سینا در مورد قانون علّیت و کیفیت درک آن را شرح دهید.
- ۱۷ نقش و تأثیر نیروی عقل در شناسایی حالات درونی را با ذکر مثال شرح دهید.



۱۸ مفاهیم ستون سمت راست را به مفاهیم ستون سمت چپ مرتبط کنید. (در سمت چپ یک مورد اضافه است).

ستون سمت راست	ستون سمت چپ
الف) تحلیل داده‌های حسی به واسطه عقل	۱) شناخت حسی
ب) تحلیل شهودهای قلبی توسط عقل	۲) شناخت تجربی
ج) آشنایی با موجودات و ویژگی‌های آنها	۳) شناخت عقلی
د) تحلیل تفکر توسط عقل	۴) شناخت شهودی
	۵) درون‌نگری با عقل

۱۹ معرفت شهودی دارای انواعی همچون معرفت وحیانی و شهود عارفانه است. وجوه تفاوت آنها را با یکدیگر بیان کنید. (ذکر دو مورد کافی است).

۲۰ در رابطه با معرفت قلبی به سؤالات ذیل پاسخ دهید:

- الف) منظور از قلب چیست؟
 ب) با واسطه اتفاق می‌افتد یا بی‌واسطه؟ یعنی چه؟
 ج) به چه معرفتی معروف است؟
 د) از چه طریق حاصل می‌شود؟
 هـ) آنی است یا تدریجی؟ یعنی چه؟
 و) آنچه برای دریافت چنین معرفتی ضروری است چیست؟

درستی یا نادرستی هریک از عبارت‌های زیر را مشخص کنید.

- ۲۱ الف) گاهی در شناخت حسی خطا رخ می‌دهد.
 ب) شناخت حسی به واسطه خطاهایی که در آن رخ می‌دهد، معتبر نیست.
 ج) قلمرو عقل هم امور محسوس و طبیعی است و هم امور غیرمحسوس و غیرطبیعی.
 د) شناخت تجربی بر چند قاعده تجربی مهم استوار است.
 هـ) ارسطو یک دانشمند علوم طبیعی نیز شمرده می‌شود.
 و) دانستنی‌های فلسفه فقط از طریق تعقل محض به دست نمی‌آیند.
 ز) ذات و صفات خداوند را می‌توان با حس و تجربه درک کرد.
 ح) معرفت شهودی به تدریج و گام‌به‌گام حاصل می‌شود.

عبارت‌های زیر را با کلمات مناسب تکمیل کنید.

- ۲۲ الف) فیلسوفان تلاش می‌کنند ابزارهای شناخت انسان را شناسایی کنند و قلمرو آنها را معین نمایند.
 ب) ما به کمک حواس پنج‌گانه با آشنا می‌شویم و بسیاری از موجودات و ویژگی‌های آنها را می‌شناسیم.
 ج) شناخت تمایزها و تفاوت‌های اشیا این امکان را به انسان می‌دهد که به کمک از اشیای متفاوت استفاده‌های مختلف بکند.
 د) ارسطو شاگرد بود.
 هـ) ارسطو از اولین دانشمندانی است که علوم تجربی را پایه‌گذاری کرد.
 و) قدرت و توانایی عقل به انسان امکان می‌دهد تا یافته‌هایی سودمند درباره کل هستی، که امکان درک آن هیچ‌گاه وجود ندارد، به دست بیاورد.
 ز) برترین شهود، است.
 ح) ما با تأمل و تدبّر در قرآن و به میزان و همت خود می‌توانیم از بسیاری حقایق آگاه شویم.



گزینه درست را انتخاب کنید.

۲۳ الف) ابزار شناخت عبارت «سرنوشت هر کس در گرو عملی است که خود انجام داده است» کدام است؟
(۱) عقل (۲) حس

ب) ابزار شناخت عبارت «یکی از فرشتگان الهی جبرئیل است که آوردن وحی بر پیامبران را برعهده دارد» کدام است؟
(۱) وحی (۲) شهود

ج) بیت «این همه شهود و شکر کز سخنم می‌ریزد / اجر صبريست کزان شاخ نباتم دادند» اشاره به کدام یک از معارف زیر دارد؟
(۱) معرفت عقلی (۲) معرفت شهودی

د) کدام یک از ابزارهای معرفت انسان است که می‌تواند بی‌واسطه به حقایق برسد و معرفت کسب کند؟
(۱) دل (۲) وحی

ه) شهود عارفانه و سلوک الی‌الله به کدام نوع از شهود مربوط می‌شود؟
(۱) شهود و حیانی (۲) شهود قلبی

۲۴ عالی‌ترین شهود چه نام دارد؟ ویژه چه کسانی است؟

۲۵ معرفت شهودی از چه طریقی حاصل می‌شود؟

۲۶ شناخت شهودی از چه جهت شهودی نام گرفته است؟

۲۷ معارف و حیانی با شهود و حیانی چه تفاوتی دارد؟

۲۸ قرآن کریم نمونه‌ای از کدام شهود است؟ این شهود چگونه صورت می‌پذیرد؟ توضیح دهید.

۲۹ دو مورد از تفاوت‌های «معرفت و حیانی» با «شهود و اشراق عارفانه» را بررسی کنید.

۳۰ درستی یا نادرستی هر یک از عبارت‌های زیر را مشخص نمایید.

الف) قانون علیت اساس تجربه است؛ یعنی علیت از تجربه به دست می‌آید.





پاسخنامه تشریحی

۱ خطاهایی که در حواس رخ می‌دهد به صورت موردی و نمونه هستند و باید دقت کنیم که ساختار حواس دارای خطا و اشکال نیست، در واقع نمی‌توانیم بگوئیم حس ما همیشه در حال اشتباه است، به همین دلیل، وجود خطا، اعتبار حواس را از بین نمی‌برد. همچنین این خطاها قابلیت اصلاح دارند.

۲ الف) گزینه (۲): انسان می‌تواند به کمک عقل خود، علل پیدایش شادی، غم و افسردگی را کشف کند و درباره آنها توضیح دهد. (صفحه ۵۳ کتاب درسی)
ب) گزینه (۱): یکی از ابزارهای شناخت ما حس است. ما به کمک حواس پنج‌گانه با عالم طبیعت آشنا می‌شویم و بسیاری از موجودات و ویژگی‌های آن را می‌شناسیم. (صفحه ۵۱ کتاب درسی)

ج) گزینه (۵): یکی از نشانه‌های ارزش و اعتبار شناخت حسی، توانایی حس در شناخت تفاوت‌ها و تمایزها است. (صفحه ۵۱ کتاب درسی)
د) گزینه (۴): ابن‌سینا در گسترش اندیشه‌های ارسطو درباره قانون علیت و ابعاد مختلف آن تأملات عمیقی کرد و توضیحاتی بیان نمود که همچنان قابل استفاده است. (صفحه ۵۳ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

الف) گزینه (۲) عقل

ب) گزینه (۱) حس

ج) گزینه (۵) شناخت تفاوت‌ها و تمایزها

د) گزینه (۴) ابن‌سینا

(هر مورد ۲٫۵ نمره دارد.)

۳ الف) عرفانی اخلاقی: یک گزاره عرفانی و اخلاقی شمرده می‌شود و مربوط به شهود قلبی یا شهود عارفانه است. (صفحه ۵۰ و ۵۱ کتاب درسی)
ب) اعتقادی: یک گزاره اعتقادی و تأثیر اعتقاد بر عمل است و ابزار شناخت آن وحی است. (صفحه ۵۰ و ۵۱ کتاب درسی)
ج) علمی فیزیکی یا علوم طبیعی: یک گزاره علمی در حوزه فیزیک و علوم طبیعی است و ابزار شناخت آن حس و تجربه است و به شناخت تجربی مربوط می‌شود. (صفحه ۵۰ و ۵۱ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

الف) عرفانی اخلاقی (۲٫۵ نمره) ب) اعتقادی (۲٫۵ نمره) ج) علمی فیزیکی یا علوم طبیعی (۲٫۵ نمره)

۴ یکی از نشانه‌های ارزش و اعتبار شناخت حسی، توانایی حس در شناخت تفاوت‌ها و تمایزها است ← که این توانایی خودش این امکان را به انسان می‌دهد که ← به کمک عقل خود از اشیای متفاوت استفاده‌های مختلف بکند؛ مثلاً برای رفع تشنگی از آب و برای رفع گرسنگی از غذا استفاده کند. (صفحه ۵۱ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

این امکان را به انسان می‌دهد که به کمک عقل خود از اشیای متفاوت استفاده‌های مختلف بکند. (۱ نمره)

۵ خیر - زیرا با وجود خطای حسی در برخی موارد، این شناخت به قدری برای انسان معتبر است که بر پایه آن زندگی می‌کنیم و از اشیای طبیعی بهره می‌بریم و نیازهایمان را برطرف می‌سازیم.

- با وجود اینکه خطای حسی در برخی موارد برای هرکسی رخ داده و می‌دهد، کسی نیست که به این خاطر از حواس استفاده نکند و انسان‌ها با وجود خطاهای حسی باز هم از حواس استفاده می‌کنند و مثلاً کسی نیست که به علت چند بار اشتباه در دیدن، دیگر از چشم خود استفاده نکند.

- ساختار حواس ما و ادراک مربوط به حواس یک ساختار درست است و پیش آمدن خطا، مربوط به ساختار دستگاه حواس نیست، بلکه مربوط به عوامل محیطی است که بیرون از این ساختار است.

(صفحه ۵۱ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

خیر - زیرا با وجود خطای حسی در برخی موارد، این شناخت به قدری برای انسان معتبر است (۲٫۵ نمره) که بر پایه آن زندگی می‌کنیم (۲٫۵ نمره) و از اشیای طبیعی بهره می‌بریم (۲٫۵ نمره) و نیازهایمان را برطرف می‌سازیم (۲٫۵ نمره).

۶ الف) شناخت حاصل همکاری حس و عقل، «شناخت تجربی» است. (صفحه ۵۲ کتاب درسی)

ب) شناخت عقل مستقل از یافته‌های تجربی و صرفاً با تفکر و چپش استدلال، «شناخت عقلی» است مانند شناخت ذات و صفات خداوند که شناخت آنها مستلزم بهره‌گیری از قواعد شناخت عقلی است. (صفحه ۵۳ و ۵۴ کتاب درسی)

ج) معرفت و شناختی که بی‌واسطه از طریق قلب یا دل به دست می‌آید مانند شناخت‌های عرفانی و وحی، «معرفت شهودی» نامیده می‌شود. (صفحه ۵۴ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

الف) شناخت تجربی ب) شناخت عقلی ج) معرفت شهودی

(هر مورد ۲٫۵ نمره)

۷ شناخت تجربی از همکاری عقل با حس و تحلیل عقلانی یافته‌های حسی حاصل می‌شود. درحالی‌که در شناخت عقلی، عقل مستقل از حس و تجربه و بدون استفاده از یافته‌های تجربی و صرفاً با تفکر و چپش استدلال، به حقایقی می‌رسد و دانش‌هایی را پایه‌گذاری می‌کند.

کارکردهای عقل:

(۱) همکاری عقل با حس — شناخت تجربی

(۲) نقش عقل در شناسایی حالات درونی نفس و کشف علل این حالات و توضیح آنها

(۳) عقل مستقل از حس و تجربه (تعقل محض) — شناخت عقلی

(صفحه ۵۲ و ۵۳ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

شناخت تجربی از همکاری عقل با حس و تحلیل عقلانی یافته‌های حسی حاصل می‌شود. (۵/۵ نمره) درحالی‌که در شناخت عقلی، عقل مستقل از حس و تجربه و بدون استفاده از یافته‌های تجربی و صرفاً با تفکر و چیش استدلال، به حقایق می‌رسد و دانش‌هایی را پایه‌گذاری می‌کند (۵/۵ نمره).

۸ عقل قادر است بدون استفاده از یافته‌های تجربی و صرفاً با تفکر و چیش استدلال، به حقایق برسد و دانش‌هایی را پایه‌گذاری کند. به این قبیل دانش‌ها شناخت عقلی می‌گوییم مانند بسیاری از دانستنی‌های ریاضی و فلسفه کاربردهای عقل:

(۱) در همکاری با حس — شناخت تجربی

(۲) شناسایی حالات درونی و توضیح علل پیدایش آنها

(۳) مستقل از حس و تجربه و استدلال محض — شناخت عقلی

(صفحه ۵۳ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

عقل قادر است بدون استفاده از یافته‌های تجربی و صرفاً با تفکر و چیش استدلال، به حقایق برسد و دانش‌هایی را پایه‌گذاری کند. به این قبیل دانش‌ها شناخت عقلی می‌گوییم (۵/۵ نمره) مانند بسیاری از دانستنی‌های ریاضی و فلسفه (۵/۵ نمره)

۹ عقل با کمک حواس و تحلیل عقلانی یافته‌های حسی می‌تواند به بسیاری از اسرار و رموز طبیعت پی ببرد و قوانین طبیعی را بشناسد. این نوع شناخت را که عقل با همکاری حس به دست می‌آورد، شناخت تجربی می‌گویند.

(صفحه ۵۲ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

همکاری عقل با حس (۵/۵ نمره)

۱۰ - قواعد و اصول عقلی فلسفی که مبانی شناخت تجربی را تشکیل می‌دهند، اصولی فلسفی هستند که دانش فلسفه عهده‌دار بحث و بررسی آنها است.

- برخی از این اصول و قواعد عقلی فلسفی شناخت تجربی عبارت‌اند از:

(۱) اصل علیت: هر پدیده علتی دارد و پدیده‌ها خودبه‌خود به وجود نمی‌آیند.

(۲) اصل سنخیت: هر پدیده علتی ویژه دارد و از هر چیزی، هر چیزی پدید نمی‌آید.

(۳) اصل یکنواختی طبیعت: طبیعت، همواره یکسان عمل می‌کند.

(صفحه ۵۲ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

(۱) پدیده‌ها خودبه‌خود پدید نمی‌آیند. (هر پدیده‌ای نیازمند علت است) (۲۵/۵ نمره)

(۲) هر پدیده علتی ویژه دارد. (از هر چیزی، هر چیزی پدید نمی‌آید) (۲۵/۵ نمره)

(۳) طبیعت، همواره یکسان عمل می‌کند. (۲۵/۵ نمره)

- (عبارت بیرون یا داخل پرانتز، هر کدام نوشته شود، درست است.)

۱۱ - عقل قادر است بدون استفاده از یافته‌های تجربی و صرفاً با تفکر و چیش استدلال، به حقایق برسد و دانش‌هایی را پایه‌گذاری کند که به این قبیل دانش‌ها «شناخت عقلی» می‌گوییم.

دانش فلسفه و بسیاری از دانستنی‌های ریاضی، نمونه‌ای از شناخت عقلی هستند؛ یعنی دانش‌هایی که صرفاً با تفکر و استدلال عقلی محض به دست می‌آیند.

(صفحه ۵۳ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

- عقل قادر است بدون استفاده از یافته‌های تجربی (۵/۵ نمره) و صرفاً با تفکر و چیش استدلال به حقایق برسد و دانش‌هایی را پایه‌گذاری کند که به این قبیل دانش‌ها «شناخت عقلی» می‌گوییم (۵/۵ نمره).

۱۲ - انسان دارای قوه‌ای است که با آن تفکر و تعقل می‌کند (قوة عقل).

او به کمک این قوه می‌تواند حقایق را درک کند که توانایی درک آن از راه احساس ممکن نیست.

این حقایق، هم می‌تواند امور محسوس و طبیعی را شامل شود و هم امور غیرمحسوس و غیرطبیعی را در بر می‌گیرد.

(صفحه ۵۲ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

حقایق که توانایی درک آن از راه احساس ممکن نیست:



این حقایق، هم می‌تواند امور محسوس و طبیعی را شامل شود. (۵/۵ نمره)

و هم امور غیر محسوس و غیر طبیعی را در بر می‌گیرد. (۵/۵ نمره)

۱۳ - شبهه - اشتباه هم در استدلال‌های تجربی و هم در استدلال‌های عقلی محض ممکن است و فقط در بدیهیات است که اشتباه رخ نمی‌دهد.

- اشتباه فقط در بدیهیات مانند «اجتماع نقیضین محال است»، راه ندارد.

- در استدلال تجربی که از حس کمک می‌گیریم، امکان خطا هست ولی با تلاش و کوشش علمی و دقت در آزمایش‌ها و تجربه‌ها، آن را کم می‌کنیم.

- در استدلال عقلی محض، چه در ریاضیات و چه در فلسفه، امکان خطا وجود دارد.

(صفحه ۵۴ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

بله (۲۵/۵ نمره) - اشتباه هم در استدلال‌های تجربی و هم در استدلال‌های عقلی محض ممکن است (۵/۵ نمره) و فقط در بدیهیات است که اشتباه رخ نمی‌دهد. (۲۵/۵ نمره)

۱۴ - الف) شناخت عقلی

ب) شناخت تجربی

۱۵ - عقل با کمک حواس و تحلیل عقلانی یافته‌های حسی می‌تواند به بسیاری از اسرار و رموز طبیعت پی ببرد و قوانین طبیعی را بشناسد. این نوع شناخت را که عقل با همکاری حس

به دست می‌آورد، شناخت تجربی می‌گویند.

(صفحه ۵۲ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

شناخت تجربی (۲۵/۵ نمره) - از طریق همکاری عقل با حس یا (تحلیل عقلانی یافته‌های حسی) (۲۵/۵ نمره)

۱۶ - قانون علیت از تجربه و آزمایش به دست نمی‌آید؛ بلکه برعکس، خودش پایه و اساس هر تجربه‌ای است، این قانون، یکی از قواعد اولیه تعقل است که انسان در شناخت هر

پدیده‌ای از آن استفاده می‌کند.

- ابن‌سینا در توضیح و تبیین قواعد عقلی علوم طبیعی نقش بسزایی دارد.

- ابن‌سینا کتاب‌های متعددی هم در فلسفه و هم علوم طبیعی نوشت که همواره مورد توجه فیلسوفان و دانشمندان علوم طبیعی بوده است.

- ابن‌سینا در گسترش اندیشه‌های ارسطو درباره قانون علیت و ابعاد مختلف آن تأملات عمیقی کرد و توضیحاتی بیان نمود که همچنان قابل استفاده است.

- ابن‌سینا توضیح داد که قانون علیت، یک قاعده عقلی است نه تجربی.

(صفحه ۵۳ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

قانون علیت از تجربه و آزمایش به دست نمی‌آید؛ بلکه برعکس، خودش پایه و اساس هر تجربه‌ای است (۵/۵ نمره)، این قانون، یکی از قواعد اولیه تعقل است که انسان در شناخت هر

پدیده‌ای از آن استفاده می‌کند. (۵/۵ نمره)

۱۷ - نیروی عقل، علاوه بر استفاده از حواس بیرونی، مانند چشم و گوش، می‌تواند حالات درونی نفس مانند شادی، درد، محبت و... را شناسایی کند و درباره آنها نظر دهد. مثلاً انسان

می‌تواند به کمک عقل خود، علل پیدایش شادی و افسردگی را کشف کند و درباره آنها توضیح دهد.

کاربردهای قوه عقل:

۱) همکاری با حس - شناخت تجربی

۲) شناسایی حالات درونی نفسانی و علت‌یابی آنها

۳) استدلال عقلی محض - شناخت عقلی

- عقل ابزار یا قوه تفکر در آدمی است؛ بنابراین از آنجا که تمامی دانش‌ها با تفکر و اندیشه‌ورزی به دست می‌آیند، عقل در آنها نقش دارد.

(صفحه ۵۳ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

نیروی عقل، علاوه بر استفاده از حواس بیرونی، مانند چشم و گوش، می‌تواند حالات درونی نفس مانند شادی، درد، محبت و... را شناسایی کند و درباره آنها نظر دهد. (۱ نمره) مثلاً انسان

می‌تواند به کمک عقل خود، علل پیدایش شادی و افسردگی را کشف کند و درباره آنها توضیح دهد. (۵/۵ نمره)

۱۸ - الف) ۲ - ب) ۵؛ نکته: حالات درونی انسان اغلب شهودی هستند. ج) ۱ - د) ۳

۱۹ - ۱- معرفت وحیانی از جانب خدا نازل می‌شود، اما شهود عارفانه حاصل سیروسلوک عارف است.

۲- معرفت وحیانی به هدف هدایت مردم نازل می‌شود، اما شهود عارفانه لزوماً به دنبال هدایت مردم نیست.

۳- معرفت وحیانی بدون هر گونه خطا است اما شهود عارفانه، می‌تواند دارای خطا باشد.

۴- معرفت وحیانی فقط بر پیامبر نازل می‌شود، اما شهود عارفانه مخصوص هر کسی است که تهذیب نفس کند.

۲۰ - الف) «قلب» یا «دل» یکی از ابزارهای معرفت انسان است که می‌تواند بی‌واسطه به حقایق برسد و معرفت کسب کند.

ب) بی‌واسطه - یعنی بدون استفاده از تجربه و آزمایش و بدون استدلال عقلی در قلب تجلی می‌کند.

ج) معرفت شهودی

د) از طریق تقویت ایمان و تعالی بخشیدن به نفس و تهذیب آن و کمال‌طلبی همراه با عبادات خالصانه

ه) به تدریج - یعنی گام‌به‌گام

و) سیروسلوک و تهذیب نفس

۲۱ الف) درست (صفحه ۵۱ کتاب درسی)

ب) نادرست؛ گرچه گاهی در شناخت حسی خطا رخ می‌دهد، اما این شناخت به قدری برای ما معتبر است که بر پایه آن زندگی می‌کنیم. (صفحه ۵۱ کتاب درسی)

ج) درست (صفحه ۵۲ کتاب درسی)

د) نادرست؛ شناخت تجربی بر چند قاعده عقلی مهم استوار است مانند اصل علیت، اصل سختیت و... (صفحه ۵۲ کتاب درسی)

ه) درست (صفحه ۵۲ کتاب درسی)

و) نادرست؛ دانستنی‌های فلسفه از طریق حواس و تجربه به دست نمی‌آیند؛ بلکه فقط از طریق تعقل محض می‌توان به آنها رسید. (صفحه ۵۳ کتاب درسی)

ز) نادرست؛ ذات و صفات خداوند را نمی‌توان با حس و تجربه درک کرد و شناخت آنها مستلزم بهره‌گیری از قواعد شناخت عقلی است. (صفحه ۵۴ کتاب درسی)

ح) درست (صفحه ۵۴ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

الف) درست (۲۵/۰ نمره) ب) نادرست (۲۵/۰ نمره) ج) درست (۲۵/۰ نمره) د) نادرست (۲۵/۰ نمره)

ه) درست (۲۵/۰ نمره) و) نادرست (۲۵/۰ نمره) ز) نادرست (۲۵/۰ نمره) ح) درست (۲۵/۰ نمره)

۲۲

الف) کاربرد (صفحه ۵۱ کتاب درسی)

ب) عالم طبیعت (صفحه ۵۱ کتاب درسی)

ج) عقل خود (صفحه ۵۱ کتاب درسی)

د) افلاطون (صفحه ۵۲ کتاب درسی)

ه) میانی (صفحه ۵۲ کتاب درسی)

و) تجربی (صفحه ۵۴ کتاب درسی)

ز) وحی الهی (صفحه ۵۵ کتاب درسی)

ح) توانایی (صفحه ۵۵ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

الف) کاربرد

ب) عالم طبیعت

ج) عقل خود

د) افلاطون

ه) میانی

و) تجربی

ز) وحی الهی

ح) توانایی

(هر مورد ۲۵/۰ نمره)

۲۳ الف) گزینه (۱)؛ این گزاره بیانگر قدرت اختیار در انسان است؛ پس یک گزاره انسان‌شناختی فلسفی است و ابزار انسان‌شناختی فلسفی، عقل و استدلال‌های عقلی است نه حس و

تجربه. (صفحه ۵۰، ۵۲ و ۵۳ کتاب درسی)

ب) گزینه (۱)؛ یکی از ابزارهای شناخت، وحی است که در عین حال یکی از شهودهای قلبی و برترین شهود نیز هست و این شهود ویژه پیامبران الهی است. (صفحه ۵۰، ۵۴ و ۵۵ کتاب درسی)

ج) گزینه (۲)؛ حافظ از شهود قلبی خود چنین حکایت می‌کند: «دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند / و اندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند...» (صفحه ۵۵ کتاب درسی)

د) گزینه (۱)؛ قلب یا دل یکی دیگر از ابزارهای معرفت انسان است که می‌تواند بی‌واسطه به حقایق برسد و معرفت کسب کند.

- وحی ابزار ویژه پیامبران است و ابزار معرفت انسان محسوب نمی‌شود.

- وحی پیامبران نیز بر قلب و دل آنها نازل می‌شود.

(صفحه ۵۴ کتاب درسی)

ه) گزینه (۲)؛ مشاهدات عارفانه و سالکانه از نوع شهود قلبی است و از راه چشم به دست نمی‌آید. (صفحه ۵۴ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

الف) گزینه (۱) عقل (۲۵/۰ نمره) ب) گزینه (۱) وحی (۲۵/۰ نمره) ج) گزینه (۲) معرفت شهودی (۲۵/۰ نمره)

د) گزینه (۱) دل (۲۵/۰ نمره) ه) گزینه (۲) شهود قلبی (۲۵/۰ نمره)

۲۴ یکی از برترین شهودهای قلبی، وحی الهی است، این شهود ویژه پیامبران است و خداوند از طریق وحی و به واسطه پیامبران، معارفی را در اختیار بشر قرار می‌دهد که به آن «معارف وحیانی» می‌گویند.

(صفحه ۵۵ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

وحی الهی - پیامبران (هر مورد ۲۵/۰ نمره)

۲۵ «قلب» یا «دل» یکی دیگر از ابزارهای معرفت انسان است که می‌تواند بی‌واسطه به حقایق برسد و معرفت کسب کند. معرفتی که از این طریق به دست می‌آید، «معرفت شهودی» نامیده می‌شود که این معرفت از طریق: تقویت ایمان، تعالی بخشیدن به نفس و تهذیب نفس و کمال‌طلبی همراه با عبادات خالصانه، به تدریج و گام‌به‌گام حاصل می‌شود.

(صفحه ۵۴ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

تقویت ایمان (۲۵/۰ نمره) - تعالی بخشیدن به نفس (۲۵/۰ نمره) - تهذیب نفس (۲۵/۰ نمره) - کمال‌طلبی همراه با عبادات خالصانه (۲۵/۰ نمره)

۲۶ این شناخت را بدان جهت شهودی می‌گویند که قلب انسان حقیقت را چنان درمی‌یابد که گویا با چشم می‌بیند.

- قلب یا دل ظرف معرفت شهودی است.

- حالات درونی همگی به قلب نسبت داده می‌شود.

- معرفت شهودی، معرفتی بی‌واسطه (بی‌واسطه تصور و تصدیق و علوم حصولی) است؛ زیرا حقایق مستقیم بر قلب عارف و سالک الی‌الله متجلی می‌شود.



(صفحه ۵۴ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

این شناخت را بدان جهت شهودی می‌گویند که قلب انسان حقیقت را چنان درمی‌یابد که گویا با چشم می‌بیند. (۷۵/۰ نمره)

۲۷- در معارف و حیانی خداوند از طریق وحی و به واسطه پیامبران، معارفی را در اختیار بشر قرار می‌دهد.

اما در شهود و حیانی، خداوند حقایق و معانی و کلمات خود را بی‌واسطه بر قلب پیامبر نازل می‌کند.

۲۸- شهود و حیانی - در شهود و حیانی خداوند کلمات و عبارات خود را بر قلب پیامبر نازل می‌کند و پیامبر آن کلمات و عبارات را دریافت می‌کند و هیچ‌گونه دخل و تصرفی از طرف

پیامبر در آن صورت نمی‌گیرد.

یکی از شهودهای قلبی، وحی الهی است که ویژه پیامبران است و خداوند از طریق وحی و به‌واسطه پیامبران، معارفی را در اختیار بشر قرار می‌دهد که به آن «معارف و حیانی» می‌گویند و دریافت‌کننده وحی، پیامبران الهی هستند.

- قرآن کریم نمونه‌ای از کلام الهی است که خداوند از طریق وحی بر قلب آخرین پیامبر خود نازل کرده است.

(صفحه ۵۵ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

شهود و حیانی (۵/۰ نمره) - در شهود و حیانی، خداوند حقایق و معانی و گاهی کلمات و عبارات خود را بر قلب پیامبر نازل می‌کند (۵/۰ نمره) و پیامبر آن معانی و کلمات و عبارات را دریافت می‌کند و هیچ‌گونه دخل و تصرفی از طرف پیامبر در آن صورت نمی‌گیرد. (۵/۰ نمره)

۲۹

معرفت و حیانی	شهود و اشراق عارفانه
۱- معرفت و حیانی از جانب خدا نازل شده.	۱- شهود عارفانه، مشاهده قلبی خود عارف است.
۲- در انتقال وحی به مردم اشتباهی رخ نمی‌دهد.	۲- ممکن است یک عارف در بیان شهود خود دچار اشتباه شود.
۳- هدف وحی هدایت مردم است.	۳- در شهود عارفانه لزوماً چنین هدفی (هدایت مردم) وجود ندارد.
۴- وحی فقط به کسی نازل می‌شود که ویژگی‌های لازم نبوت را دارد.	۴- شهود برای هرکسی که خالصانه به تزکیه نفس بپردازد رخ می‌دهد.

(صفحه ۵۶ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

(۱) معرفت و حیانی از جانب خدا نازل می‌شود، درحالی‌که شهود عارفانه، مشاهده قلبی خود عارف است.

(۲) در انتقال وحی به مردم اشتباهی رخ نمی‌دهد، اما ممکن است یک عارف در بیان شهود خود دچار اشتباه شود.

(۳) هدف وحی هدایت مردم است اما در شهود عارفانه لزوماً چنین هدفی (هدایت مردم) وجود ندارد.

(۴) وحی فقط به کسی نازل می‌شود که ویژگی‌های لازم نبوت را دارد، اما شهود برای هرکسی که خالصانه به تزکیه نفس بپردازد رخ می‌دهد.

(ذکر دو مورد کافی است، هر مورد ۵/۰ نمره)

۳۰

الف

نادرست



مشاوره کنکور نوتروفیل

بیستوفیل فلسفه درس ۸ یازدهم

سال یازدهم
انسانی

فهرست

- ۱ معرفت در یونان باستان
- ۱ معرفت در اندیشه فیلسوفان مسلمان (۱) (حس، عقل، شهود)
- ۱ معرفت در اندیشه فیلسوفان مسلمان (۲) (بهره مندی از همه ابزارهای معرفت)
- ۱ دوره جدید اروپا



معرفت در یونان باستان



۱ تفاوت افلاطون با پارمنیدس در حوزه معرفت‌شناسی در کدام گزینه بیان شده است؟

(۱) شناخت عقلی مطمئن‌تر از شناخت حسی است.

(۲) شناخت عقلی معتبر است.

به سؤالات زیر پاسخ کامل دهید:

۲ دیدگاه هراکلیتوس با دیدگاه پارمنیدس در مورد حرکت و ارتباط آن با نظریات شناخت‌شناسی این دو فیلسوف را با یکدیگر مقایسه کنید.

۳ وجه تشابه دیدگاه پارمنیدس و افلاطون در مورد ابزار شناخت را شرح دهید.

۴ «به تعداد افراد و حتی بیشتر از آنها می‌توان «حقیقت» داشت.» این عبارت را می‌توان از دیدگاه چه کسی برداشت کرد؟

(۱) اوگوست گنت (۲) پروتاگوراس

۵ چرا در نظر افلاطون، شناخت عقلی مطمئن‌تر از شناخت حسی است؟



معرفت در اندیشه فیلسوفان مسلمان



۶ عملکرد فارابی و ابن‌سینا در ارتباط با (شناخت حسی، عقلی، بصری، شنیداری)

۷ سهروردی نظام فلسفی خود را بر پایه چه نوع معرفت و شناختی بنا نموده است؟ شرح دهید.

۸ دیدگاه فارابی و ابن‌سینا را در مورد ابزارهای شناخت و معرفت شرح دهید.



معرفت در اندیشه فیلسوفان مسلمان



۹ ویژگی‌های دستگاه منسجم فلسفی سهروردی را در جهت بهره‌مندی از همه ابزارهای معرفت شرح دهید.

۱۰ طبق بیان علامه طباطبائی، صدر المتألهین در راه «عقل فطری» الهیات از چه اموری استفاده نمود؟



دوره جدید اروپا



۱۱ درستی یا نادرستی هر یک از عبارات‌های زیر را مشخص نمایید.

الف از آنجا که دکارت مخالف با تجربه و علم تجربی نبود، پس می‌توان گفت: «او نیز تجربه‌گرا است».

۱۲ کانت همکاری حس و عقل را در کسب معرفت، چگونه تبیین می‌کند؟



۱۳ مفاهیم ستون سمت راست را با مفاهیم ستون سمت چپ مرتبط کنید. (در سمت چپ دو مورد اضافی است.)

(الف) بهره‌مندی از همهٔ ابزارهای معرفت	(۱) فارابی و ابن‌سینا
(ب) دیدگاه مغلوب فلسفی در اروپای دورهٔ جدید	(۲) عقل‌گرایی
(ج) جان لاک	(۳) تجربه‌گرایی
	(۴) عموم فیلسوفان جهان اسلام
	(۵) تأکید بر تجربه‌گرایی

۱۴ هر کدام از دیدگاه‌های زیر به کدام فیلسوف یا فلاسفه مربوط است؟

(الف) معرفت، حاصل همکاری عقل و حس است.

(ب) معرفت تجربی حاصل همکاری حس و عقل است.

(ج) درک حقیقت، هم از راه عقل و هم از راه شهود معنوی، امکان‌پذیر است.

(د) میان داده‌های استدلالی و قطعی عقل با معارف و حیانی تضاد و تناقضی نیست و هر دو تأییدکنندهٔ یکدیگرند.

۱۵ از نظر کانت، شناخت در انسان چگونه اتفاق می‌افتد؟ با مثال توضیح دهید.

۱۶ کدام مورد، عامل جدایی دکارت از تجربه‌گرایان است؟

(۱) اعتقاد دکارت به وجود خدا و نفس مجرد انسان. (۲) قبول گزاره‌هایی که صرفاً متکی بر استدلال عقلی بودند.

۱۷ براساس دیدگاه معرفت‌شناسانهٔ کانت، سه مورد از تصوراتی که قوهٔ ادراکی انسان فارغ از حس و تجربه، نزد خود دارد را بیان کنید.

۱۸ فرانسیس بیکن بر اهمیت کدام ابزار شناخت اصرار می‌ورزید؟ و به چه چیزی معتقد بود؟

۱۹ کانت همکاری حس و عقل در کسب معرفت را چگونه تبیین می‌کند؟ توضیح دهید.

۲۰ دیدگاه «پوزیتیویسم» دربارهٔ مفاهیم «نفس» و «اختیار» را بنویسید.

۲۱ گزینهٔ درست را انتخاب کنید.

(الف) در مورد معرفت شهودی نمی‌توان گفت

(۱) به واسطهٔ وحی حاصل می‌شود.

(۲) به تدریج و گام‌به‌گام حاصل می‌شود.

(ب) کدام عبارت در مورد تداوم اعتبار حس و عقل توسط فارابی و ابن‌سینا درست است؟

(۱) ابن‌سینا در یکی از کتاب‌های خود که به تبیین عرفان می‌پردازد، از ارتباط معرفت شهودی با فلسفه سخن گفته است.

(۲) این دو فیلسوف نیم‌نگاهی به شناخت شهودی داشتند اما آن را در تبیین فلسفی خود وارد نمی‌کردند.

(ج) از نظر پوزیتیویست‌ها، گزاره‌هایی که تجربه‌پذیر نیستند دارای چه صفتی‌اند؟

(۱) انشایی‌اند

(۲) بی‌معنا هستند

(د) کدام کاربرد از واژهٔ خودشناسی معادل انسان‌شناسی است؟

(۱) کاربرد خودشناسی در مباحث تربیتی

(۲) کاربرد خودشناسی در معنای حقیقت انسانی

(هـ) کدام عبارت در مورد دیدگاه‌های شیخ شهاب‌الدین سهروردی درست نیست؟

(۱) انسان جنبهٔ نورانی وجود و جسم و بدن او جنبهٔ ظلمانی وجود است.

(۲) دریافت‌های شهودی درونی قابل تبیین به زبان فلسفه و استدلال هستند.



۲۲ درستی یا نادرستی هریک از عبارت‌های زیر را مشخص کنید.

الف) دوره جدید اروپا از رنسانس آغاز می‌شود و تاکنون ادامه دارد.

ب) سوفسطائیان اصل امکان شناخت واقعیت را زیر سؤال می‌بردند.

ج) ارسطو ادراک حسی را معتبر نمی‌دانست اما استدلال کردن را یک کار عقلی معتبر می‌شمرد.

د) فارابی و ابن‌سینا، شناخت شهودی را در تبیین فلسفی خود وارد نمی‌کردند.

ه) سهروردی کوشید آنچه را با استدلال عقلی به دست می‌آورد، تبیین شهودی و قلبی کند.

و) ملاصدرا در کتاب اسفار می‌گوید عقل و دین در بسیاری از احکام خود با هم تطبیق دارند.

ز) در دوره جدید فلسفه در اروپا از دکارت به بعد مسئله معرفت‌شناسی در کانون مباحث فلسفی اروپا قرار گرفت.

ح) یکی از مؤسسان پوزیتیویسم که از این اصطلاح برای اولین بار استفاده کرد، فرانسیس بیکن است.

۲۳ دیدگاه پوزیتیویسم یا اثبات‌گرایی را در مورد راه رسیدن به شناخت و معرفت (ابزار شناخت) توضیح دهید.

۲۴ اگر کسی معتقد باشد «دیدگاه انسان‌ها درباره پدیده‌ها حتماً متفاوت است»، به کدام دیدگاه تجربه‌گرایی در اروپا تعلق خاطر دارد؟ شرح دهید.

۲۵ گزینه درست را انتخاب کنید.

الف) کدام گزینه بیانگر نظر پروتاگوراس در مورد شناخت حقیقت و معرفت است؟

۱) حقیقت امری یکسان است که از طریق حواس به دست می‌آید.

۲) اشیا برای هر فرد هرطور که به نظر می‌آیند، همان‌طور هستند.

ب) کدام گزینه بیانگر اختلاف نظر افلاطون با ارسطو در معرفت‌شناسی است؟

۱) ادراک شهودی ۲) ادراک عقلی

ج) در بیان علامه طباطبائی، ملاصدرا در راه کشف حقایق الهیات از چه ابزارهایی بهره برده است؟

۱) مقدمات برهانی و مطالب کشفی و مواد قطعی دینی

۲) مقدمات برهانی و آنچه از قرآن و حدیث به دست می‌آید.

د) چه چیزی دکارت را از تجربه‌گرایان جدا می‌کند؟

۱) نفی اعتبار حس و تجربه در شناخت

۲) قبول گزاره‌ها و قواعد عقلانی مستقل از تجربه

ه) عبارت «دیدگاه انسان‌ها درباره پدیده‌ها، حتماً متفاوت است» بیانی از کدام نظر شناخت‌شناسی است؟

۱) نسبی‌گرایی ۲) سوفسطائیان

۲۶ یکی از اشکالات نظری بی‌مهری به تفکر عقلی را با مثال شرح دهید.

۲۷ فرض کنید با فردی روبه‌رو شده‌اید که زشت‌ترین کارها را زیبا می‌داند و به آن افتخار هم می‌کند، این رفتار نتیجه پذیرش کدام اندیشه در شناخت‌شناسی دوره جدید اروپا است؟ شرح دهید.

۲۸ چه عواملی می‌توانست قطعیت احکام تجربی را از میان برده و منجر به ظهور جریان‌های نسبی‌گرایی شود؟ (ذکر سه مورد)

۲۹ جریان‌های نسبی‌گرا در داخل کدام مکتب شناخت‌شناسی ظهور کردند؟

۳۰ رشد دانش‌هایی از قبیل فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی و پزشکی در دوره جدید اروپا، معلول چه چیزی بود؟

۳۱ عبارات زیر مرتبط با نظریه کدام یک از جریان‌های معرفت‌شناسی در اروپا هستند؟

الف) اعتقاد به خدا باعث کاهش افسردگی در زندگی می‌شود، پس اعتقاد درستی است.

ب) هیچ پدیده‌ای به خودی خود به وجود نمی‌آید.





پ

شناخت من به غیر از خودم، برای شخص دیگری معتبر نیست.

۳۲

دیدگاه پراگماتیسم یا اصالت عمل (مصلحت عملی) را در مورد شناخت واقعیت اشیا شرح دهید.

۳۳

عبارت‌های زیر را با کلمات مناسب تکمیل کنید.

الف) اولین کسانی که درباره شناخت انسان و ارزش و اعتبار آن نظر داده‌اند، دانشمندان و متفکرین پیش از بوده‌اند.

ب) ارسطو با تدوین منطق توانست شیوه‌های مصون ماندن از خطا را آموزش دهد و مانع رشد در جامعه شود.

ج) از نظر افلاطون عالم طبیعت سایه است.

د) افلاطون شهود قلبی را باور داشت و معتقد بود که عالم برتر از طبیعت را مشاهده کرده است.

ه) شیخ شهاب‌الدین سهروردی مشهور به علاوه بر فلسفه در عرفان نیز شخصیتی مهم به‌شمار می‌رود.

و) معرفت فلسفی متکی بر است و بدون آن فلسفه اساساً وجود ندارد.

ز) از نخستین فیلسوفان دوره جدید اروپا که معتقد بود دنباله‌روی فلاسفه گذشته از ارسطو سبب محصور ماندن علوم تجربی در خرافات شده است،

..... بود.

ح) ویلیام جیمز و هانری برگسون از فیلسوفان هستند که به شهود عرفانی و تجربه دینی نیز معتقدند.

۳۴

مشخص کنید هریک از عبارات زیر مرتبط با نظریه کدامیک از جریان‌های معرفت‌شناسی در اروپا است؟

الف) اعتقاد به خدا به انسان آرامش می‌دهد؛ پس اعتقاد درستی است.

ب) من فکر می‌کنم در شرایط کنونی نقطه جوش آب صد درجه است.

ج) پیدایش هر پدیده‌ای علتی دارد.

د) حتی این درک که انسان نمی‌تواند اکنون اینجا هم باشد و هم نباشد، با تجربه به دست آمده است.

۳۵

دیدگاه موصوف به مصلحت عملی، چه چیزی را به عنوان هدف خود در معرفت و شناخت قرار داده است؟





پاسخنامه تشریحی

۱- گزینه ۱: شناخت عقلی مطمئن تر از شناخت حسی است.

۲- هراکلیتوس علاوه بر حس به عقل هم اهمیت می‌داد و معتقد بود که شناخت حسی اعتبار دارد و ما وجود حرکت در این جهان را از طریق حس درمی‌یابیم و درک می‌کنیم. در حالی که پارمنیدس معتقد بود که شناخت حسی به دلیل خطاهایی که گاه در حواس رخ می‌دهد، اعتبار ندارد و نمی‌توان بدان تکیه کرد. به همین جهت او معتقد بود که حرکت وجود ندارد و همه اشیاء در ثبات و پایداری هستند.

- پارمنیدس فقط برای عقل اعتبار قائل بود و برای حس و شناخت حسی اعتباری قائل نبود.

- هراکلیتوس هم برای حس و هم برای عقل اعتبار قائل بود.

(صفحه ۵۹ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

هراکلیتوس علاوه بر حس به عقل هم اهمیت می‌داد و معتقد بود که شناخت حسی اعتبار دارد و ما وجود حرکت در این جهان را از طریق حس درمی‌یابیم و درک می‌کنیم. (۵/۵ نمره) در حالی که پارمنیدس معتقد بود که شناخت حسی به دلیل خطاهایی که گاه در حواس رخ می‌دهد، اعتبار ندارد و نمی‌توان بدان تکیه کرد. به همین جهت او معتقد بود که حرکت وجود ندارد و همه اشیاء در ثبات و پایداری هستند. (۵/۵ نمره).

۳- هر دو برای عقل اهمیت و اعتبار قائل بودند و بر این اساس، عالم معقول (در برابر عالم محسوس) را جهان حقیقی تلقی می‌کردند.

- تفاوت پارمنیدس با افلاطون در این است که پارمنیدس برای حس و شناخت حسی، اعتباری قائل نبود ولی افلاطون حس و شناخت حسی را معتبر می‌دانست. هر چند آن را پایین‌ترین مرتبه در ادراک می‌دانست.

- پارمنیدس معتقد به حرکت و تغییر نیست اما افلاطون معتقد است که عالم محسوس عالم تغییر و حرکت است و به همین جهت پایین‌ترین مرتبه عالم است.

(صفحه ۶۱، ۶۰ و ۵۹ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

هر دو برای عقل اهمیت و اعتبار قائل بودند و بر این اساس، عالم معقول (در برابر عالم محسوس) را جهان حقیقی تلقی می‌کردند. (۱ نمره)

۴- گزینه ۲: پروتاگوراس معتقد بود که، حقیقت همان چیزی است که حواس هر کس در هر نوبت به آن گواهی می‌دهد، پس به تعداد افراد و حتی بیشتر از آن می‌توان «حقیقت» داشت.

۵- زیرا به نظر افلاطون، اموری را که عقل درک می‌کند، ارزش بیشتری دارند.

۶- این دو فیلسوف نیم‌نگاهی به شناخت شهودی داشتند اما آن را در تبیین فلسفی خود وارد نمی‌کردند.

فارابی و ابن‌سینا، هم حس و هم عقل را معتبر می‌دانستند، همچنین این دو فیلسوف برای شناخت وحیانی هم اعتبار خاصی قائل بودند و آن را یکی از راه‌های شناخت و مختص پیامبران می‌دانستند.

(صفحه ۶۱ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

این دو فیلسوف نیم‌نگاهی به شناخت شهودی داشتند اما آن را در تبیین فلسفی خود وارد نمی‌کردند. (۵/۵ نمره)

۷- سهروردی بر معرفت شهودی تأکید بسیاری کرد و کوشید آنچه را از طریق اشراق و به صورت الهامات شهودی به دست آورده بود تبیین استدلالی کند.

شیخ شهاب‌الدین سهروردی مشهور به شیخ اشراق، علاوه بر فلسفه، در عرفان نیز شخصیتی مهم به شمار می‌رود که بر معرفت شهودی تأکید بسیار کرد و در نهایت نظام فلسفی خودش را بر پایه شهود بنا نمود.

(صفحه ۶۲ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

سهروردی بر معرفت شهودی تأکید بسیاری کرد (۲۵/۵ نمره) و کوشید آنچه را از طریق اشراق و به صورت الهامات شهودی به دست آورده بود تبیین استدلالی کند (۲۵/۵ نمره).

۸- فارابی و ابن‌سینا در شناخت‌شناسی و اعتبار ابزارهای شناخت، مانند افلاطون و ارسطو، هم حس و هم عقل را معتبر می‌دانستند.

همچنین این دو فیلسوف برای شناخت وحیانی هم اعتبار خاصی قائل بودند و نیز نیم‌نگاهی به شناخت شهودی داشتند اما آن را در تبیین فلسفی خود وارد نمی‌کردند.

(صفحه ۶۱ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

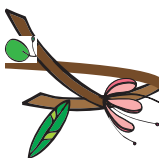
فارابی و ابن‌سینا، هم حس و هم عقل را معتبر می‌دانستند. (۵/۵ نمره)

همچنین این دو فیلسوف برای شناخت وحیانی هم اعتبار خاصی قائل بودند و نیز نیم‌نگاهی به شناخت شهودی داشتند اما آن را در تبیین فلسفی خود وارد نمی‌کردند. (۵/۵ نمره)

۹- ملاصدرا توانست یک دستگاه منسجم فلسفی بنا کند که در عین حال که کاملاً هویت فلسفی دارد و بر استدلال و منطق استوار است، از شهود و اشراق نیز بهره‌مند است. او همچنین پیوند مستحکمی میان فلسفه و معرفت وحیانی برقرار کرد. ملاصدرا اثبات کرد که نه تنها تضاد و تناقضی میان داده‌های مستدل و یقینی عقل و معارف وحیانی وجود ندارد، بلکه عقل و وحی تأییدکننده یکدیگرند.

- ملاصدرا در کتاب اسفار اربعه می‌گوید: عقل و دین در همه احکام خود با هم تطبیق دارند و حاشا که احکام شریعت نورانی با معارف یقینی و ضروری عقلی تعارض داشته باشد و افسوس به حال فلسفه‌ای که قوانین آن مطابق با کتاب و سنت نباشد.

(صفحه ۶۲ و ۶۳ کتاب درسی)



راهنمای تصحیح:

ملاصدرا توانست یک دستگاه منسجم فلسفی بنا کند که در عین حال که کاملاً هویت فلسفی دارد و بر استدلال و منطق استوار است، از شهود و اشراق نیز بهره‌مند است (۵/۵ نمره). او همچنین پیوند مستحکمی میان فلسفه و معرفت وحیانی برقرار کرد (۵/۵ نمره).

۱۰ علامه سید محمد حسین طباطبایی فیلسوف بزرگ معاصر می‌گوید:

«صدرالمتألهین پایه بحث‌های علمی و فلسفی خود را روی پیوند میان عقل و کشف (شهود) و شرع (وحی و سنت) گذاشت و در راه کشف حقایق الهیات از مقدمات برهانی و مطالب کشفی (شهودی) و مواد قطعی دینی (آنچه از قرآن و حدیث به دست می‌آید) استفاده نمود،

(صفحه ۶۳ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

مقدمات برهانی (۲۵/۵ نمره) و مطالب کشفی (شهودی) (۲۵/۵ نمره) و مواد قطعی دینی (آنچه از قرآن و حدیث به دست می‌آید). (۲۵/۵ نمره)

۱۱

الف

نادرست

۱۲ کانت بر آن است که قوه ادراکی انسان تصوراتی مثل زمان و مکان و علیت را نزد خود دارد و آنها را از راه حس و تجربه به دست نمی‌آورد. به نظر کانت، انسان آنچه را که از طریق حس به او می‌رسد، در قالب این مفاهیم درک می‌کند.

۱۳ الف؛ ۴؛ عموم فیلسوفان جهان اسلام هم برای معرفت حسی و هم برای معرفت عقلی اعتبار قائل‌اند و علاوه بر آن، معرفت شهودی و وحیانی را نیز قبول دارند و هرکدام را در جای خود مفید می‌دانند. (صفحه ۶۳ کتاب درسی)

ب؛ ۲؛ تلاش‌های عقل‌گرایان در برابر تجربه‌گرایان تلاش موفقی نبود و تجربه‌گرایی به‌صورت یک دیدگاه غالب فلسفی در اروپا درآمد. (صفحه ۶۵ کتاب درسی)

ج؛ ۵؛ پس از فرانسیس بیکن فیلسوفان دیگری مانند جان لاک، فیلسوف قرن هفدهم انگلستان نیز روش او را دنبال کردند و بر تجربه‌گرایی تأکید ورزیدند. (صفحه ۶۴ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

الف ← گزینه ۴، (۲۵/۵ نمره) ب ← گزینه ۲، (۲۵/۵ نمره) ج ← گزینه ۵، (۲۵/۵ نمره)

۱۴ الف) کانت با طرح دیدگاهی جدید کوشش کرد هم اعتبار عقل و هم تجربه را اثبات کند و نشان دهد که معرفت، حاصل همکاری عقل و حس است. (صفحه ۶۵ کتاب درسی)

ب) ارسطو و پیروان او در فلسفه اسلامی، شناخت تجربی را حاصل همکاری حس و عقل می‌دانند. (صفحه ۶۱ و ۶۰ کتاب درسی)

ج) سهروردی کوشید آنچه را از طریق اشراق و به‌صورت الهامات شهودی به دست آورده بود، تبیین استدلالی کند. (صفحه ۶۸ و ۶۲ کتاب درسی)

د) ملاصدرا پیوند مستحکمی میان فلسفه و معرفت وحیانی برقرار کرد. (صفحه ۶۲ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

الف) کانت ب) ارسطو، فارابی و ابن‌سینا ج) سهروردی د) ملاصدرا

(هر مورد ۲۵/۵ نمره)

۱۵ کانت بر آن است که قوه ادراکی انسان تصوراتی مانند زمان و مکان و مفاهیمی مانند علّیت را نزد خود دارد و آنها را از راه حس و تجربه به دست نمی‌آورد. به نظر کانت، انسان آنچه را که از طریق حس به او می‌رسد، در قالب این مفاهیم درک می‌کند. مثلاً انسان علت بودن طلوع خورشید برای روشن شدن زمین را در چارچوب مفهوم علّیت درک می‌کند.

کانت از این نظر که تصوراتی مانند زمان و مکان و مفهوم علّیت را مستقل از تجربه می‌داند یعنی به ادراکات مستقل از تجربه قائل است و آنها را معتبر می‌داند، جزو فلاسفه عقل‌گرا محسوب می‌شود نه تجربه‌گرا.

(صفحه ۶۵ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

کانت بر آن است که قوه ادراکی انسان تصوراتی مانند زمان و مکان و مفاهیمی مانند علّیت را نزد خود دارد و آنها را از راه حس و تجربه به دست نمی‌آورد. (۵/۵ نمره) به نظر کانت، انسان آنچه را که از طریق حس به او می‌رسد، در قالب این مفاهیم درک می‌کند (۵/۵ نمره). مثلاً انسان علت بودن طلوع خورشید برای روشن شدن زمین را در چارچوب مفهوم علّیت درک می‌کند. (۵/۵ نمره)

۱۶ گزینه ۲

۱۷ زمان - مکان - علّیت

۱۸ فرانسیس بیکن فیلسوف انگلیسی قرن شانزدهم میلادی از نخستین فیلسوفانی بود که بر اهمیت حس و تجربه اصرار می‌ورزید و به اصالت تجربه معتقد بود.

(صفحه ۶۴ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

حس و تجربه (۲۵/۵ نمره) - اصالت تجربه (۲۵/۵ نمره)

۱۹ کانت فیلسوف آلمانی قرن هجدهم میلادی با طرح دیدگاهی جدید کوشش کرد هم اعتبار عقل و هم تجربه را اثبات کند و نشان دهد که معرفت، حاصل همکاری عقل و حس است. کانت بر آن است که قوه ادراکی انسان تصوراتی مانند زمان و مکان و مفاهیمی مانند علّیت را نزد خود دارد و آنها را از راه حس و تجربه به دست نمی‌آورد. به نظر کانت، انسان آنچه را که از طریق حس به او می‌رسد، در قالب این مفاهیم درک می‌کند.

(صفحه ۶۵ کتاب درسی)

کانت بر آن است که قوه ادراکی انسان تصوراتی مانند زمان و مکان و مفاهیمی مانند علیّت را نزد خود دارد و آنها را از راه حس و تجربه به دست نمی آورد (۵/۵ نمره). به نظر کانت، انسان آنچه را که از طریق حس به او می رسد، در قالب این مفاهیم درک می کند (۵/۵ نمره).

۲۰ ✖ معتقد بودند که اصولاً آن دسته از مفاهیم و گزاره ها که تجربه پذیر نیستند و از طریق تجربه نمی توانند مورد بررسی و ارزیابی قرار بگیرند، بی معنا هستند.

بنابر این دیدگاه، مفاهیمی مانند خدا، اختیار، نفس و روح که تجربه پذیر نیستند و از طریق تجربه نمی توانند مورد بررسی و ارزیابی قرار بگیرند، بی معنا هستند.

۲۱ ✖ الف) گزینه ۱؛ معرفت شهودی یک معرفت بی واسطه است؛ یعنی بدون استفاده از تجربه و آزمایش و بدون استدلال عقلی در قلب تجلی می کند. البته برای دریافت چنین معرفتی سیر و سلوک و تهذیب نفس ضروری است. (صفحه ۵۴ کتاب درسی)

یکی از شهودهای قلبی (برترین شهود) وحی الهی است که ویژه پیامبران است و خداوند از طریق وحی و به واسطه پیامبران، معارفی را در اختیار بشر قرار می دهد که به آن معارف وحیانی می گویند. (صفحه ۵۵ کتاب درسی)

ب) گزینه ۲؛ فارابی و ابن سینا مانند افلاطون و ارسطو، هم حس و هم عقل را معتبر می دانستند. همچنین این دو فیلسوف برای شناخت وحیانی هم اعتبار خاصی قائل بودند و آن را هم یکی از راه های شناخت می دانستند که اختصاص به پیامبران دارد. ابن سینا در یکی از کتاب های خود که به تبیین عرفان می پردازد، به طور دقیق معرفت شهودی را توضیح می دهد اما از ارتباط آن با فلسفه و استدلال های فلسفی سخنی نمی گوید. (صفحه ۶۱ کتاب درسی)

ج) گزینه ۲؛ پوزیتیویست ها علاوه بر اینکه تنها راه رسیدن به شناخت و معرفت را تجربه می دانستند، معتقد بودند که اصولاً آن دسته از مفاهیم و گزاره ها که تجربه پذیر نیستند و از طریق تجربه نمی توانند مورد بررسی و ارزیابی قرار بگیرند، بی معنا هستند.

یکی از مؤسسان پوزیتیویسم که از این اصطلاح برای اولین بار استفاده کرد، اوگوست کنت، فیلسوف فرانسوی قرن نوزدهم میلادی است. (صفحه ۶۵ کتاب درسی)

د) گزینه ۲؛

کاربردهای واژه خودشناسی: ۱) شناخت هر کس از خود و ویژگی ها و خصلت های خودش: (کاربرد در مباحث تربیتی)

۲) گاه مقصود از خود همان حقیقت انسانی است (خودشناسی معادل انسان شناسی) (صفحه ۶۹ کتاب درسی)

ه) گزینه ۱؛ سهروردی عقیده داشت که نفس انسان، جنبه نورانی وجود (وجود انسان) و جسم و بدن او، همان جنبه ظلمانی اوست. از نظر سهروردی، هستی، مراتب نور است، خداوند نور محض است و هیچ ظلمتی در او راه ندارد، خدا نورالانوار است و سایر مراتب وجود، نور هستی خود را از نورالانوار دریافت می کنند، اما چون نور کامل نیستند، ترکیبی از نور و ظلمت اند. (صفحه ۸۰ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

الف) گزینه ۱ ب) گزینه ۲ ج) گزینه ۲ د) گزینه ۲ ه) گزینه ۱

(هر مورد ۲۵/۵ نمره)

۲۲ ✖ الف) درست؛ دوره جدید اروپا که از رنسانس با ظهور فیلسوفانی مانند فرانسیس بیکن، دکارت و کانت و هگل آغاز می شود و تاکنون ادامه دارد. (صفحه ۵۹ کتاب درسی)

ب) درست؛ سوفسطائیان به سبب اختلاف نظرها و مغالطه هایی که خودشان بدان متوسل می شدند، اصل امکان شناخت واقعیت را زیر سؤال برده و مدعی بودند که نه از راه حس و نه از راه عقل، می توان به حقیقت رسید. (صفحه ۶۰ کتاب درسی)

ج) نادرست؛ ارسطو هم ادراک حسی و هم ادراک عقلی را معتبر می دانست. (صفحه ۶۱ کتاب درسی)

د) درست (صفحه ۶۱ کتاب درسی)

ه) نادرست؛ برعکس آن درست است؛ سهروردی کوشید آنچه را که از طریق اشراق و به صورت الهامات شهودی به دست آورده بود، تبیین استدلالی کند. (صفحه ۶۲ کتاب درسی)

و) نادرست؛ از نظر ملاصدرا عقل و دین در همه احکام خود با هم تطبیق دارند. (صفحه ۶۲ کتاب درسی)

ز) درست (صفحه ۶۴ کتاب درسی)

ح) نادرست؛ اوگوست کنت برای اولین بار از این اصطلاح استفاده کرد. (صفحه ۶۵ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

الف) درست ب) درست ج) نادرست
د) درست ه) نادرست و) نادرست
ز) درست ح) نادرست

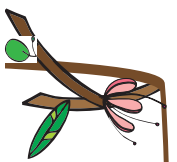
(هر مورد ۲۵/۵ نمره)

۲۳ ✖ پوزیتیویست ها علاوه بر اینکه تنها راه رسیدن به شناخت و معرفت را تجربه می دانستند، معتقد بودند که اصولاً آن دسته از مفاهیم و گزاره ها که تجربه پذیر نیستند و از طریق تجربه نمی توانند مورد بررسی و ارزیابی قرار بگیرند، بی معنا هستند. بنابر این دیدگاه، مفاهیمی مانند خدا و روح که تجربه درباره نفی یا اثبات آنها نمی تواند نظر دهد، معنای روشنی ندارند، لذا اصولاً قابل بررسی علمی نیستند.

(صفحه ۶۵ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

پوزیتیویست ها علاوه بر اینکه تنها راه رسیدن به شناخت و معرفت را تجربه می دانستند (۵/۵ نمره)، معتقد بودند که اصولاً آن دسته از مفاهیم و گزاره ها که تجربه پذیر نیستند و از طریق تجربه نمی توانند مورد بررسی و ارزیابی قرار بگیرند، بی معنا هستند (۵/۵ نمره). بنابر این دیدگاه، مفاهیمی مانند خدا و روح که تجربه درباره نفی یا اثبات آنها نمی تواند نظر دهد، معنای روشنی ندارند، لذا اصولاً قابل بررسی علمی نیستند (۵/۵ نمره).



۲۴- نسبی گرایی - نسبی گرایان بر این باورند که هر فرد متناسب با ویژگی‌های خود، دربارهٔ امور به شناختی می‌رسد که با شناخت افراد دیگر متفاوت است. بنابراین شناخت هر کسی برای خودش و نسبت به خودش اعتبار دارد.

- براساس دیدگاه نسبی گرایان به‌طور مطلق نمی‌توان گفت «الف ب است»، بلکه فرد حداکثر می‌تواند بگوید: «من در این وضعیت، فکر می‌کنم الف ب است»
- براساس دیدگاه نسبی گرایی، به‌طور کلی شناخت هر کسی برای خودش و نسبت به خودش اعتبار دارد و لزوماً برای فردی دیگر معتبر نیست.
- براساس این دیدگاه، انسان‌ها این امکان را ندارند که بتوانند دربارهٔ یک چیز به معرفتی یکسان دست پیدا کنند و دیدگاه انسان‌ها دربارهٔ پدیده‌ها حتماً متفاوت است.
(صفحه ۶۶ و ۶۷ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

نسبی گرایی (۲۵/۵ نمره) - نسبی گرایان بر این باورند که هر فرد متناسب با ویژگی‌های خود، دربارهٔ امور به شناختی می‌رسد که با شناخت افراد دیگر متفاوت است (۵/۵ نمره). بنابراین شناخت هر کسی برای خودش و نسبت به خودش اعتبار دارد (۲۵/۵ نمره).

۲۵- الف) گزینه ۲؛ پروتاگوراس می‌گفت حقیقت همان چیزی است که حواس هر کس به آن گواهی می‌دهد. خواه حواس افراد یکسان گزارش دهد یا متفاوت. بنابراین حقیقت امری یکسان نیست و نسبت به هر کسی می‌تواند متفاوت باشد. (صفحه ۶۰ کتاب درسی)

ب) گزینه ۱؛ درحالی‌که افلاطون شهود قلبی (ادراک شهودی) را هم باور داشت، ارسطو توجهی به ادراک شهودی و شهود قلبی در شناخت نداشته است.

- افلاطون و ارسطو هر دو ادراک عقلی را معتبر دانسته و تبیین فلسفی خود را براساس آن بنا نموده‌اند. (صفحه ۶۱ و ۶۰ کتاب درسی)

ج) گزینه ۱؛ علامه طباطبایی می‌گوید: صدرالمتألهین پایهٔ بحث‌های علمی و فلسفی خود را روی پیوند میان عقل و کشف (شهود) و شرع (وحی و سنت) گذاشت و در راه کشف حقایق الهیات از مقدمات برهانی، مطالب کشفی (شهودی) و مواد قطعی دینی (آنچه از قرآن و حدیث به دست می‌آید) استفاده نمود. (صفحه ۶۳ کتاب درسی)

د) گزینه ۲؛ آنچه دکارت را از تجربه‌گرایان جدا کرد، قبول گزاره‌ها و قواعد عقلانی بود که از طریق تجربه قابل دستیابی نبودند و فقط متکی بر استدلال عقلی بودند. (صفحه ۶۵ کتاب درسی)

ه) گزینه ۱؛ این بیان، تعبیر دیگری از دیدگاه کلی نسبی گرایی است که معتقد است به‌طور کلی شناخت هر کسی برای خودش و نسبت به خودش اعتبار دارد و لزوماً برای فرد دیگری معتبر نیست.

- از نظر پروتاگوراس، حقیقت همان چیزی است که حواس هر کس به آن گواهی می‌دهد، خواه حواس افراد یکسان گزارش دهد (حتماً متفاوت نیست) یا متفاوت. (صفحه ۶۰ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

الف) گزینه ۲، ب) گزینه ۱، ج) گزینه ۱، د) گزینه ۲، ه) گزینه ۱

(هر مورد ۲۵/۵ نمره)

۲۶- یکی از اشکالات، محدودیت‌های روش تجربی بود که نمی‌توانست پاسخگوی سؤال‌های مهم انسان باشد. مثلاً تجربه نمی‌توانست دربارهٔ نیاز جهان به مبدأ و خدا و... اظهار نظر کند؛ زیرا ابزار لازم برای چنین مسائلی را در اختیار نداشت.

مفاهیمی مانند نیاز جهان به خدا و وجود عالمی غیر از عالم طبیعت و اساس خوب و بد‌های اخلاقی مسائلی غیرتجربی هستند که از حوزهٔ علوم تجربی بیرون‌اند و روش‌های تجربی توانایی اظهار نظر در مورد این مسائل را ندارند.

(صفحه ۶۶ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

یکی از اشکالات، محدودیت‌های روش تجربی بود که نمی‌توانست پاسخگوی سؤال‌های مهم انسان باشد (۵/۵ نمره). مثلاً تجربه نمی‌توانست دربارهٔ نیاز جهان به مبدأ و خدا و... اظهار نظر کند؛ زیرا ابزار لازم برای چنین مسائلی را در اختیار نداشت. (۵/۵ نمره).

۲۷- اندیشهٔ نسبی گرایی - براساس اندیشهٔ نسبی گرایی، هر فرد متناسب با ویژگی‌های خود دربارهٔ امور به شناختی می‌رسد که با شناخت افراد دیگر متفاوت است؛ بنابراین شناخت هر کس برای خودش و نسبت به خودش اعتبار دارد.

نسبی گرایی فلسفی که در معرفت‌شناسی مطرح است، یعنی در مباحث این درس، بدین معنا است که ساختار شناخت و مسیر شناخت انسان‌ها از امور و واقعیات به‌گونه‌ای است که امکان شناخت یکسان وجود ندارد و هر انسانی، شناخت خاص خود را از واقعیات دارد، هرچند که بسیار نزدیک به شناخت انسان دیگر باشد.

به عبارت دیگر: هر امر خارج، متناسب با شخصیت و ویژگی‌های فردی و اجتماعی افراد، خود را بر آنها عرضه می‌کند.

لازمهٔ نسبی گرایی پذیرش این است که واقعیت را آن‌گونه که هست نمی‌توان شناخت.

(صفحه ۶۶ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

اندیشهٔ نسبی گرایی (۲۵/۵ نمره) - براساس اندیشهٔ نسبی گرایی، هر فرد متناسب با ویژگی‌های خود دربارهٔ امور به شناختی می‌رسد که با شناخت افراد دیگر متفاوت است؛ بنابراین شناخت هر کس برای خودش و نسبت به خودش اعتبار دارد. (۲۵/۵ نمره)

۲۸- ۱) ناتوانی تجربه در دستیابی به همهٔ خصوصیات اشیا

۲) احتمالی بودن بسیاری از نتایج تجربی

۳) تفاوت میان تجربهٔ انسان‌ها

(صفحه ۶۶ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

۱) ناتوانی تجربه در دستیابی به همهٔ خصوصیات اشیا (۲۵/۵ نمره)

۲) احتمالی بودن بسیاری از نتایج تجربی (۲۵/۰ نمره)

۳) تفاوت میان تجربه انسان‌ها (۲۵/۰ نمره)

۲۹) با از بین رفتن قطعیت احکام تجربی، واقع‌نمایی دانش تجربی، بار دیگر با اشکال روبه‌رو شد و جریان‌های نسبی‌گرا در داخل تجربه‌گرایی ظهور کردند.
(صفحه ۶۶ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

تجربه‌گرایی (۲۵/۰ نمره)

۳۰) گرچه توجه خاص به تجربه، سبب رشد دانش‌هایی از قبیل فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی و پزشکی شد اما بی‌مهری به تفکر عقلی، اشکالات نظری متعددی را پدید آورد.
(صفحه ۶۶ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

توجه خاص به تجربه (۵/۰ نمره)

۳۱

الف

پراگماتیسم / اصالت عمل / عمل‌گراها

ب

عقل‌گرایی / دکارت / کانت

پ

نسبی‌گرایی

۳۲) پراگماتیست‌ها معتقدند که از طریق تجربه نمی‌توان واقعیت اشیا را شناخت بنابراین ما نباید هدف خود را کشف واقعیت قرار دهیم. بلکه ما نیازمند باورهای مفیدی هستیم که در عمل به کار ما بیایند و سودمندی خود را نشان دهند.

- پراگماتیسم به اصالت عمل یا مصلحت عملی یا نتیجه‌گرایی ترجمه شده است.

- نتیجه‌گرایی امروزه در سیاست، حقوق، انسان‌شناسی و حتی ورزش دیدگاه پُرطرفداری است.

- از نظر نتیجه‌گرایی، مفید بودن و فایده داشتن به معنای درست بودن است.

پراگماتیست‌ها معتقدند که از طریق تجربه نمی‌توان واقعیت اشیا را شناخت بنابراین ما نباید هدف خود را کشف واقعیت قرار دهیم. بلکه ما نیازمند باورهای مفیدی هستیم که در عمل به کار ما بیایند و سودمندی خود را نشان دهند.

(صفحه ۶۷ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

پراگماتیست‌ها معتقدند که از طریق تجربه نمی‌توان واقعیت اشیا را شناخت بنابراین ما نباید هدف خود را کشف واقعیت قرار دهیم (۵/۰ نمره). بلکه ما نیازمند باورهای مفیدی هستیم که در عمل به کار ما بیایند و سودمندی خود را نشان دهند. (۵/۰ نمره)

۳۳

الف) سقراط (صفحه ۵۹ کتاب درسی)

ب) سفسطه (صفحه ۶۰ کتاب درسی)

ج) عالم مُثُل (صفحه ۶۰ کتاب درسی)

د) سقراط (صفحه ۶۰ کتاب درسی)

ه) شیخ اشراق (صفحه ۶۲ کتاب درسی)

و) استدلال عقلی (صفحه ۶۳ کتاب درسی)

ز) فرانسیس بیکن (صفحه ۶۴ کتاب درسی)

ح) تجربه‌گرا (صفحه ۶۷ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

الف) سقراط

ب) سفسطه

ج) عالم مُثُل

د) سقراط

ه) شیخ اشراق

و) استدلال عقلی

ز) فرانسیس بیکن

ح) تجربه‌گرا

(هر مورد ۲۵/۰ نمره)

۳۴) الف) از نظر پراگماتیسم یا اصالت عمل (مصلحت عملی)، مفید بودن و فایده داشتن به معنی درست بودن است. (صفحه ۶۷ کتاب درسی)

ب) براساس دیدگاه نسبی‌گرایی به‌طور مطلق نمی‌توان گفت نقطه جوش آب صد درجه است، بلکه فرد حداکثر می‌تواند بگوید: من در این وضعیت فکر می‌کنم نقطه جوش آب صد درجه است. (صفحه ۶۶ کتاب درسی)

ج) اعتقاد به اصولی که مستقل از تجربه قابل شناخت هستند مانند بدیهیات عقلی به عقل‌گرایی مربوط می‌شود، مانند اجتماع نقیضین محال است یا اعتقاد به اصولی که فقط متکی بر استدلال عقلی هستند مانند اصل علیت و سنخیت و ... (صفحه ۶۵ و ۶۴ کتاب درسی)

د) نفی و ردّ بدیهیات عقلی و گزاره‌های عقلی مستقل از تجربه، به تجربه‌گرایی مربوط می‌شود. (صفحه ۶۴ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

الف) پراگماتیسم یا اصالت عمل

ب) نسبی‌گرایی

ج) عقل‌گرایی

د) تجربه‌گرایی

(هر مورد ۲۵/۰ نمره)

۳۵) رسیدن به سودمندی و فایده‌مندی (باید به دنبال چیزی برویم که در عمل به کار ما بیاید).



مشاوره کنکور نوتروفیل

بیستوفیل فلسفه درس ۹ یازدهم

سال یازدهم
انسانی

فهرست

۱ دیدگاه یونان باستان به انسان

۱ دیدگاه دوره جدید اروپا به انسان



دیدگاه یونان باستان به انسان



۱- حقیقت برتر انسان از دیدگاه افلاطون چیست؟ و انسان چه وظیفه‌ای در برابر آن دارد؟

۲- نحوه تکامل نفس از بالقوه به بالفعل را در تفکر ارسطویی شرح دهید.

۳- ارسطو بدنی را که فاقد نفس است (بدنی که نفس ندارد) چگونه توصیف می‌کند؟



دیدگاه دوره جدید اروپا به انسان



۴- عبارت‌های زیر را با کلمات مناسب تکمیل نمایید.

الف

داروینیست‌ها درباره پیدایش انسان از حیوان، نتایج گرفتند.

۵- نفس از نظر دکارت چه ویژگی‌هایی دارد؟

۶- درستی یا نادرستی هریک از عبارت‌های زیر را مشخص کنید.

الف) تفکر، واسطه رسیدن انسان از مجهولات به معلومات است.

ب) امکان شناخت وجود فرع بر معرفت به آن است.

ج) یکی از فواید آموختن فلسفه توانایی تشخیص مغالطه‌ها و خارج کردن آنها از باورها است.

د) برای دانش فلسفه نمی‌توان از نظر زمانی آغازی تعیین کرد.

ه) معنا و مفهوم معرفت و شناخت روشن است و تعریف‌پذیر نیست.

و) شناخت تمایزها و تفاوت‌های اشیا این امکان را به انسان می‌دهد که به کمک عقل خود از اشیای متفاوت، استفاده‌های مختلف بکند.

ز) دکارت برعکس بیکن معتقد بود عقل انسان به‌طور ذاتی معرفت‌هایی دارد که از تجربه به دست نیامده‌اند.

ح) از نظر کانت، حقیقت نفسانی انسان و اراده و اختیار آن استدلال‌پذیر نیست.

۷- نظر ماتریالیست‌ها و داروینیست‌ها را در مورد دلیل توجه انسان به اخلاق و فضائل اخلاقی شرح دهید.

۸- تعریف داروینیست‌ها از انسان را بنویسید.

۹- چرا از نظر ماتریالیست‌ها و داروینیست‌ها نمی‌توان برای انسان ارزش ویژه‌ای قائل شد؟

۱۰- نظر دکارت در مورد بدن و ارتباط آن با حقیقت من انسان را شرح دهید.

۱۱- نحوه ارتباط روح و بدن را در نظریه دکارت با نظر ملاصدرا در حکمت متعالیه مقایسه کنید.

۱۲- عقیده مشترک ماتریالیست‌ها و داروینیست‌ها درباره حقیقت انسان و نتیجه آن در فلسفه اخلاق را بیان کنید.

۱۳- از نظر دکارت حقیقت من چیست؟ و ویژگی رابطه روح و بدن چگونه است؟

۱۴- عبارات سمت راست را به یکی از عبارات مرتبط سمت چپ وصل نمایید. (۱ مورد اضافی است)

الف- دیدگاه ماتریالیست‌ها	۱- تجربه‌پذیری
ب- روش تحقیق پوزیتیویسم	۲- تابع برهان و استدلال
ج- روش مسائل فلسفی	۳- اوگوست کنت
د- ویژگی فیلسوف	۴- تک‌ساحتی بودن انسان
	۵- استدلال عقلی



۱۵. داروینیست‌ها چگونه فیلسوفانی هستند و فرق انسان و حیوان را در چه می‌دانند؟

۱۶. دیدگاه مارکس را دربارهٔ حقیقت انسان تشریح کنید:

۱۷. اشتراک نظر داروینیست‌ها و ماتریالیست‌ها دربارهٔ اخلاق و فضائل اخلاقی انسان چیست؟

۱۸. تفاوت جسم و روح از دیدگاه دکارت را بیان نموده و یک مثال بزنید.

۱۹. دیدگاه ماتریالیست‌ها در مورد ذهن چیست؟

۲۰. از نظر ماتریالیست‌ها انسان‌ها به چه چیزی تشبیه شده‌اند و تفاوت آنها در چیست؟



پاسخنامه تشریحی

۱ از نظر افلاطون این حقیقت برتر همان نفس است. توجه و مراقبت از نفس باید وظیفه اصلی هر انسانی باشد تا بدین وسیله نفس زیبا شود و به فضایل آراسته گردد.
۲ ارسطو در زمینه حقیقت انسان، نظر استاد خود، افلاطون را پذیرفت که قوه نطق و قابلیت حیات مربوط به نفس است، نه بدن. بدن بدون نفس، یک موجود مرده است. از نظر ارسطو، نفس انسان در هنگام تولد، حالت بالقوه (استعداد محض برای دریافت) دارد و هیچ چیز بالفعلی ندارد، نه علم، نه احساس، نه محبت و نه نفرت و نه هیچ چیز دیگر. نفس، به تدریج این امور را کسب می کند و به فعلیت می رسد و کامل و کامل تر می شود.
(صفحه ۷۲ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

از نظر ارسطو، نفس انسان در هنگام تولد، حالت بالقوه (استعداد محض برای دریافت) دارد و هیچ چیز بالفعلی ندارد، نه علم، نه احساس، نه محبت و نه نفرت و نه هیچ چیز دیگر (۵/۵ نمره).
نفس، به تدریج این امور را کسب می کند و به فعلیت می رسد و کامل و کامل تر می شود (۵/۵ نمره).

۳ بدن بدون نفس، یک موجود مرده است.

۴

الف

فلسفی

۵ از نظر وی «من»، همان «روح»، یا «نفس» است که مرکز اندیشه های ماست. این روح است که استدلال می کند، می پذیرد یا رد می کند. روح و بدن کاملاً از یکدیگر مجزا هستند و خاصیت های متفاوت دارند، گرچه با یکدیگر هستند و روح از بدن استفاده می کند. روح از قوانین فیزیکی آزاد است ولی بدن از قوانین فیزیکی تبعیت می کند و آزاد نیست.

۶ الف درست (صفحه ۴ کتاب درسی)

ب) نادرست؛ معرفت به وجود (هستی شناسی یا وجودشناسی) فرع بر امکان شناخت آن است، نه برعکس. (صفحه ۱۳ کتاب درسی)

ج) نادرست؛ یکی از فواید آموختن منطق (نه فلسفه) توانایی تشخیص مغالطه ها و خارج کردن آنها از باورها است. (صفحه ۲۲ کتاب درسی)

د) درست (صفحه ۲۹ کتاب درسی)

ه) نادرست؛ معنا و مفهوم معرفت روشن است و نیازی به تعریف ندارد (نه اینکه تعریف پذیر نیست). (صفحه ۴۶ کتاب درسی)

و) درست (صفحه ۵۱ کتاب درسی)

ز) درست (صفحه ۶۴ کتاب درسی)

ح) نادرست؛ کانت، فیلسوف بزرگ دیگر اروپا که در قرن هجدهم می زیست، با استدلال دیگری (استدلال اخلاقی) که با استدلال دکارت (استدلال عقلی محض) متفاوت بود، به اثبات حقیقت نفسانی انسان و اراده و اختیار آن پرداخت. (صفحه ۷۳ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

الف) درست	ب) نادرست	ج) نادرست	د) درست
ه) نادرست	و) درست	ز) درست	ح) نادرست

(هر مورد ۲/۵ نمره)

۷ از نظر آنان اگر انسان به اخلاق و فضائل اخلاقی توجه می کند، به این دلیل نیست که فضیلت گرایی در روح و فطرت انسان وجود دارد، بلکه به این دلیل است که انسان ها، وارد زندگی اجتماعی و زیست اجتماعی شده اند و این زیست اجتماعی آنها را وادار به ابداع اصول اخلاقی و رعایت آنها کرده است تا بتوانند با هم زندگی کنند.

- از نظر ماتریالیست ها و داروینیست ها، چون تفاوت واقعی میان انسان و سایر حیوانات وجود ندارد، نمی توان برای انسان ارزش ویژه ای قائل شد.

- از نظر آنان، اخلاق و فضائل اخلاقی، ابداع انسان به واسطه تجربه زیست اجتماعی و به اقتضای شرایط اجتماعی است، نه اینکه فضائل اخلاقی ارزش ذاتی داشته باشند.

(صفحه ۷۵ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

از نظر آنان اگر انسان به اخلاق و فضائل اخلاقی توجه می کند، به این دلیل نیست که فضیلت گرایی در روح و فطرت انسان وجود دارد، بلکه به این دلیل است که انسان ها، وارد زندگی اجتماعی و زیست اجتماعی شده اند (۵/۵ نمره) و این زیست اجتماعی آنها را وادار به ابداع اصول اخلاقی و رعایت آنها کرده است تا بتوانند با هم زندگی کنند. (۵/۵ نمره)

۸ داروینیست ها نیز که عقایدی نزدیک به ماتریالیست ها دارند، فیلسوفانی هستند که از نظریه داروین درباره پیدایش حیات و تحول تدریجی موجودات زنده و پیدایش انسان از حیوان نتایج فلسفی گرفتند و گفتند که انسان چیزی نیست، جز یک حیوان راست قامت؛ با این تفاوت که از سایر حیوانات پیچیده تر است.

(صفحه ۷۴ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

انسان چیزی نیست جز یک حیوان راست قامت (۵/۵ نمره)

۹ از نظر ماتریالیست ها و داروینیست ها، چون تفاوت واقعی میان انسان و سایر حیوانات وجود ندارد، نمی توان برای انسان ارزش ویژه ای قائل شد مثلاً علت توجه انسان به اخلاق و فضائل اخلاقی، روح و فطرت انسان نیست بلکه اجبار زیست اجتماعی است.

(صفحه ۷۵ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:



چون تفاوت واقعی میان انسان و سایر حیوانات وجود ندارد. (۵/نمره)

۱۰- دکارت، فیلسوف فرانسوی هم دربارهٔ بدن و هم دربارهٔ نفس تحقیق کرده است. از نظر دکارت، روح و بدن کاملاً از یکدیگر مجزا هستند و خاصیت‌های متفاوتی دارند. دکارت بدن را ماشینی پیچیده می‌داند که به‌طور خودکار فعالیت می‌کند. اما این بدن، حقیقت «من» انسان را تشکیل نمی‌دهد. از نظر دکارت، «من» همان «نفس» یا «روح» است که مرکز اندیشه‌های ماست. (صفحه ۷۳ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

دکارت بدن را ماشینی پیچیده می‌داند که به‌طور خودکار فعالیت می‌کند. اما این بدن، حقیقت «من» انسان را تشکیل نمی‌دهد (۵/نمره). از نظر دکارت، «من» همان «نفس» یا «روح» است که مرکز اندیشه‌های ماست (۵/نمره).

۱۱- از نظر دکارت، «من»، همان «روح» یا «نفس» است که مرکز اندیشه‌های ماست. این روح است که استدلال می‌کند، می‌پذیرد یا رد می‌کند. روح و بدن کاملاً از یکدیگر مجزا هستند و خاصیت‌های متفاوتی دارند، گرچه با یکدیگر هستند و روح از بدن استفاده می‌کند. از نظر ملاصدرا روح و بدن دو چیز مجزا نیستند که کنار هم قرار گرفته باشند بلکه اینها وحدتی حقیقی دارند به گونه‌ای که یکی (روح) باطن دیگری (بدن) است. (صفحه ۷۳ و ۸۱ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

درحالی‌که از نظر دکارت، روح و بدن کاملاً از یکدیگر مجزا هستند و خاصیت‌های متفاوتی دارند (۵/نمره)، از نظر ملاصدرا در حکمت متعالیه، روح و بدن دو چیز مجزا نیستند که کنار هم قرار گرفته باشند بلکه وحدتی حقیقی دارند (۵/نمره).

۱۲- از نظر ماتریالیست‌ها و داروینیست‌ها، چون تفاوت واقعی میان انسان و سایر حیوانات وجود ندارد، نمی‌توان برای انسان ارزش ویژه‌ای قائل شد. اگر انسان به اخلاق و فضائل اخلاقی توجه می‌کند، به این دلیل نیست که فضیلت‌گرایی در روح و فطرت او وجود دارد، بلکه به این دلیل است که انسان‌ها، وارد زندگی اجتماعی و زیست اجتماعی شده‌اند و این زیست اجتماعی آنها را وادار به ابداع اصول اخلاقی و رعایت آنها کرده است تا بتوانند با هم زندگی کنند.

۱۳- از نظر دکارت حقیقت من، همان «روح» یا «نفس» است که مرکز اندیشه‌های ماست. این روح است که استدلال می‌کند، می‌پذیرد یا رد می‌کند. روح و بدن کاملاً از یکدیگر مجزا هستند و خاصیت‌های متفاوت دارند، گرچه با یکدیگر هستند و روح از بدن استفاده می‌کند. روح از قوانین فیزیکی آزاد است ولی بدن مانند دیگر اجسام از قوانین فیزیکی تبعیت می‌کند و آزاد نیست.

۱۴- الف) ستون ۴ (تک‌ساحتی بودن انسان)

ب) ستون ۱ (تجزیه‌پذیری)

ج) ستون ۵ (استدلال عقلی)

د) ستون ۲ (تابع برهان و استدلال)

۱۵- داروینیست‌ها فیلسوفانی هستند که از نظریهٔ داروین دربارهٔ پیدایش حیات، تحول تدریجی موجودات زنده و پیدایش انسان از حیوان، نتایج فلسفی گرفتند. آنان می‌گویند انسان چیزی نیست، جز یک حیوان راست‌قامت. با این تفاوت که از سایر حیوانات پیچیده‌تر است و همان‌طور که یک کرم با یک پرنده تفاوت ندارد (هر دو حیوان‌اند) انسان نیز به جز پیچیدگی بیشتر تفاوت حقیقی با آنها ندارد.

۱۶- او انسان را موجودی مادی می‌داند که نیازهای اصلی او را نیازهای مادی تشکیل می‌دهند و نیازهایی مانند نیاز به اجتماع و قانون و نیاز به اخلاق، همه به خاطر نیازهای مادی پیدا شده‌اند.

۱۷- چون تفاوت واقعی میان انسان و سایر حیوانات وجود دارد، نمی‌توان برای انسان ارزش ویژه‌ای قائل شد. اگر انسان به اخلاق و فضائل اخلاقی توجه می‌کند، به این دلیل نیست که فضیلت‌گرایی در روح و فطرت او وجود دارد، بلکه به این دلیل است که انسان‌ها وارد زندگی اجتماعی و زیست اجتماعی شده‌اند و این زیست اجتماعی آنها را وادار به ابداع اصول اخلاقی و رعایت آنها کرده است تا بتوانند با هم زندگی کنند.

۱۸- بدن را ماشینی پیچیده می‌داند که به‌طور خودکار فعالیت می‌کند. روح و بدن کاملاً از هم مجزا هستند و خاصیت‌های متفاوتی دارند، گرچه با هم هستند و روح از بدن استفاده می‌کند. روح از قوانین فیزیکی آزاد است، ولی بدن مانند دیگر اجسام از قوانین فیزیکی تبعیت کرده و آزاد نیست.

۱۹- آنها می‌گویند که ذهن و روان چیزی جز مغز و سلسلهٔ اعصاب انسان نیست.

۲۰- انسان یک ماشین مادی بسیار پیچیده است، نه چیزی فراتر از آن.



مشاوره کنکور نوتروفیل

بیستوفیل فلسفه درس ۱۰
یازدهم

سال یازدهم
انسانی

فهرست

دیدگاه فیلسوفان مسلمان..... ۱



دیدگاه فیلسوفان مسلمان



۱- گزینه درست را انتخاب کنید.

(الف) بخش اصلی و ریشه‌ای فلسفه درصدد بحث و بررسی چه چیزی است؟

(۱) اصل و حقیقت شناخت و مسائل پیرامون آن

(۲) اصل و حقیقت وجود و مسائل پیرامون آن

(ب) لفظ فلسفه را برای اولین بار چه کسی به کار برد و پایه‌گذار چه دانش‌هایی است؟

(۱) فیثاغورس - ریاضی و فلسفه

(۲) سقراط - فلسفه و روش گفت‌وگوی سقراطی

(ج) لازمه پذیرش جمله «شناخت انسان همواره خطا و اشتباه است»، انکار کدام یک از جملات زیر است؟

(۱) شناخت انسان می‌تواند خطا و اشتباه باشد.

(۲) انسان نمی‌تواند اشیا را همان‌گونه که هستند، بشناسد.

(د) کدام گزینه بیانگر وجه تشابه پارمنیدس و افلاطون در حوزه معرفت‌شناسی است؟

(۱) هر دو شناخت حسی را غیر مطمئن و نامعتبر می‌دانستند.

(۲) هر دو برای جهان لایه باطنی و حقیقی قائل بوده‌اند.

(هـ) کدام گزینه بیانگر وجه اشتراک دکارت و ملاصدرا در مورد ارتباط روح و بدن است؟

(۱) روح ضمیمه‌شده به بدن نیست.

(۲) روح و بدن دو چیز مجزا نیستند که کنار هم قرار گرفته باشند.

۲- فیلسوفان مسلمان با تفکر و تعمق فکری، دینی را قبول کردند که چه دیدگاهی درباره حقیقت انسان داشت؟

۳- حال و هوای فکری و فرهنگی که فیلسوفان مسلمان در آن تلاش می‌کنند حقیقت متعالی انسان را بشناسند چگونه بود؟

۴- از نظر ابن‌سینا چه زمانی انسان صاحب روح می‌شود؟

۵- از نظر ابن‌سینا روح انسانی در چه دوره‌ای توسط خداوند به بدن اضافه می‌شود؟

۶- ویژگی‌های روح انسان را از نظر ابن‌سینا بیان کنید؟

۷- دیدگاه ابن‌سینا در مورد روح را توضیح دهید.

۸- کارکردهای روح از دید ابن‌سینا چیست؟

۹- سهروردی حقیقت نفس و نحوه تکامل آن را با استفاده از مفهوم «نور» چگونه تشریح می‌کند؟

۱۰- نظر سهروردی در خصوص نفس و بدن چه بود؟ مسیر کمال طلبی از نظر او چگونه بود؟

۱۱- سهروردی به‌جای مفهوم «وجود»، بیشتر از کدام مفهوم استفاده نموده است و از نظر او «هستی» با این مفهوم چه ارتباطی دارد؟

۱۲- سهروردی از خداوند به چه چیزی تعبیر نموده است؟

۱۳- مشرق و مغرب عالم از دیدگاه سهروردی چیست؟

۱۴- سهروردی به‌جای مفهوم وجود، بیشتر از چه مفهومی استفاده کرد؟

۱۵- در کدام گزینه، دیدگاه حکمت متعالیه در مورد شکل‌گیری هویت انسان، بیان شده است؟

(۱) از ابتدا هویت انسانی او معلوم است. (۲) نفس انسان از حالت بالقوه به بالفعل می‌رسد.





۱۶ چرا از نظر حکمت متعالیه، روح انسانی آخرین درجه تکاملی است که موجودات زنده می‌توانند به آن برسند؟

۱۷ کدام مورد تفاوت نظر ملاصدرا و ابن‌سینا را در مورد حقیقت انسان بیان می‌کند؟

(۱) روح به بدن ضمیمه می‌شود. (۲) انسان حقیقتی دو بعدی دارد.

۱۸ مشخص کنید هر کدام از عبارات زیر به کدام دیدگاه در مورد حقیقت انسان اشاره دارد؟

(۱) حقیقت برتر در انسان‌ها نفس است که با ارزش‌ترین دارایی انسان است.

(۲) انسان فقط یک موجود مادی است که نیازهای اصلی او را نیازهای مادی تشکیل می‌دهند.

(۳) هویت هر انسانی در ابتدای زندگی وی معلوم نیست، بلکه به گزینش‌ها و شیوه زندگی افراد مربوط است.

۱۹ نظر صدرائیان را در مورد آخرین درجه تکاملی که موجودات زنده می‌توانند به آن برسند، شرح دهید.

۲۰ براساس کدام مکتب فلسفی اسلامی، ظرفیت روح انسانی پایان ندارد و در این مکتب، انسان با استفاده از چه چیزی باید ظرفیت و استعداد

بی‌نهایت خود را به فعلیت برساند؟



پاسخنامه تشریحی

۱ الف) گزینه ۲: بخش اصلی و ریشه‌ای فلسفه درصدد بحث و بررسی اصل و حقیقت وجود و مسائل پیرامون آن است. فیلسوفان تلاش می‌کنند قوانین و احکامی را که مربوط به خود هستی و وجود است به دست آورند؛ مثلاً بدانند که آیا در هستی قانون علیت جاری است یا نه. (صفحه ۱۳ کتاب درسی)

ب) گزینه ۱: یکی دیگر از فیلسوفان اولیه، فیثاغورس است. او همان‌طور که پایه‌گذار ریاضی و هندسه است، یکی از پایه‌گذاران فلسفه نیز محسوب می‌شود. می‌گویند لفظ «فلسفه» را او برای اولین بار به کار برد. (صفحه ۳۱ کتاب درسی)

ج) گزینه ۱: لازمه پذیرش جمله «شناخت انسان همواره خطا و اشتباه است»، پذیرش جمله «انسان نمی‌تواند اشیا را همان‌گونه که هستند، بشناسد» می‌باشد و انکار جملات: (۱) انسان می‌تواند اشیا را بشناسد.

(۲) انسان می‌تواند اشیا را همان‌گونه که هستند، بشناسد.

(۳) شناخت انسان می‌تواند خطا و اشتباه باشد.

(صفحه ۴۴ کتاب درسی)

د) گزینه ۲: پارمنیدس و افلاطون هر دو برای عالم معقول (عالم برتر از طبیعت) اهمیت قائل بوده‌اند و آن را جهان حقیقی تلقی می‌کردند. پارمنیدس معتقد بود که شناخت حسی به دلیل خطاهایی که گاه در حواس رخ می‌دهد، اعتبار ندارد و نمی‌توان بدان تکیه کرد ولی افلاطون شناخت حسی را معتبر می‌دانست، اگرچه معتقد بود

که شناخت عقلی بسیار مطمئن‌تر از شناخت حسی است و اموری را که عقل درک می‌کند، ارزش برتری دارد. (صفحه ۳۳، ۵۹، ۶۰ و ۶۱ کتاب درسی)

ه) گزینه ۱: دکارت و ملاصدرا هر دو روح را داخل در بدن نمی‌دانند (ضمیمه‌شده به بدن نمی‌دانند)، با این تفاوت که از نظر دکارت روح و بدن کاملاً از یکدیگر مجزا هستند و خاصیت‌های متفاوت دارند ولی از نظر ملاصدرا روح و بدن دو چیز مجزا نیستند که کنار هم قرار گرفته باشند (ردّ نظر دکارت)، بلکه از نظر ملاصدرا روح و بدن وحدت حقیقی دارند به گونه‌ای که روح باطن بدن است. (صفحه ۷۳ و ۸۱ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

الف) گزینه ۲ (ب) گزینه ۱ (ج) گزینه ۱ (د) گزینه ۲ (ه) گزینه ۱

(هر مورد ۰٫۲۵ نمره)

۲ دینی را قبول کردند که در کتاب آسمانی به روشنی و وضوح از حقیقتی به نام «روح» سخن گفته و آن را هدیه‌ای الهی و غیرزمینی شمرده است. همچنین این کتاب آسمانی انسان را موجودی جاویدان، جانشین خدا در زمین و مسجود فرشتگان محسوب کرده که آسمان‌ها و زمین را خداوند برای او آفریده و آماده ساخته است.

۳ آنان یا خود عارف بودند و یا عارفانی را می‌شناختند که با قدم سلوک و پاکی نفس، به مرحله‌ای رسیده بودند که مراتب برتر و مجرد هستی را شهود می‌کردند و می‌دانستند که چنین شهودی در توان بدن مادی انسان نیست.

۴ هنگامی که بدن انسان دوره جنینی را در رحم مادر گذراند و به مرحله‌ای رسید که صاحب همه اندام‌های بدنی شد، خداوند روح انسانی را به آن عطا می‌کند.

۵ از نظر ابن‌سینا وقتی بدن انسان دوره جنینی را در رحم مادر گذراند و به مرحله‌ای رسید که صاحب همه اندام‌های بدنی شد، خداوند روح انسانی را به او عطا می‌کند.

(صفحه ۷۹ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

دوره جنینی (۰٫۲۵ نمره)

۶ این روح جنبه غیرمادی دارد و از جنس موجودات مجرد است. استعداد کسب علم از طریق تفکر را دارد. اموری از قبیل اخلاق، عشق، دوستی، نفرت، پرستش و معنویت را درمی‌یابد و آنها را در خود پدید می‌آورد. جایگاهی بسیار رفیع در نظام خلقت دارد و برای رسیدن به آن تلاش می‌کند و بی‌قرار است.

۷ ابن‌سینا معتقد است که وقتی بدن دوره جنینی را در رحم مادر گذرانده و به مرحله‌ای رسید که صاحب همه اندام‌های انسانی شد، خداوند روح انسانی را به آن عطا می‌کند. این روح جنبه غیرمادی داشته و از جنس موجودات مجرد و غیرمادی است.

۸ این روح که جنبه غیرمادی داشته و از جنس موجودات مجرد و غیرمادی است، استعداد کسب علم از طریق تفکر را دارد. همچنین این روح می‌تواند اموری از قبیل اخلاق، عشق، دوستی، نفرت، پرستش و معنویت را دریابد و آنها را در خود پدید آورد.

۹ او عقیده داشت که نفس انسان، همان جنبه نورانی وجود و جسم و بدن او همان جنبه ظلمانی اوست. این نفس، اگر نورانیت بیشتری کسب کند، حقایق هستی را بهتر رؤیت می‌کند و می‌تواند با کسب شایستگی و لیاقت بیشتر، مسیر کمال را طی کند.

۱۰ او عقیده داشت که نفس انسان، همان جنبه نورانی وجود و جسم و بدن او، همان جنبه ظلمانی وجود اوست. از نظر سهروردی نفس اگر نورانیت بیشتر کسب کند حقایق هستی را بهتر رؤیت می‌کند و می‌تواند با کسب شایستگی و لیاقت بیشتر مسیر کمال را طی کند.

۱۱ سهروردی به جای مفهوم «وجود»، بیشتر از مفهوم نور استفاده می‌کرد.

او معتقد بود که «هستی»، مراتب نور است. خداوند که نور محض است و هیچ ظلمتی در او راه ندارد، نورالانوار است و سایر مراتب وجود، نور هستی خود را از نورالانوار دریافت می‌کنند، اما چون نور کامل نیستند، ترکیبی از نور و ظلمت‌اند.

(صفحه ۸۰ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

مفهوم نور (۰٫۲۵ نمره) - مراتب نور است. (۰٫۲۵ نمره)



۱۲. سهروردی معتقد بود که هستی، مراتب نور است. خداوند که نور محض است و هیچ ظلمتی در او راه ندارد، «نورالانوار» است. (صفحه ۸۰ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

نورالانوار (۲۵/۰ نمره)

۱۳. خدا یا همان نورالانوار، مشرق عالم است. آنجا که نور وجود به پایین ترین حد خود می‌رسد، مغرب عالم قرار گرفته است.

۱۴. نور

۱۵. گزینه ۲: نفس انسان از حالت بالقوه به بالفعل می‌رسد.

۱۶. ظرفیت روح انسان پایان ندارد و روح می‌تواند به هر مرتبه کمالی در جهان مخلوقات، دست یابد.

۱۷. گزینه ۱: گزینه ۲، وجه اشتراک ملاصدرا و ابن‌سینا است اما گزینه ۱، نظر ابن‌سینا است و ملاصدرا روح را ضمیمه شده به بدن نمی‌داند.

۱۸. (۱) افلاطون به صورت روشن بیان کرد که انسان، علاوه بر بدن، دارای حقیقتی برتر است که محدودیت‌های بدن را ندارد، این حقیقت برتر همان نفس است که قابل رؤیت نیست و این نفس بارزترین دارایی انسان است. (صفحه ۷۲ کتاب درسی)

(۲) مارکس فیلسوف ماتریالیست قرن نوزدهم انسان را فقط یک موجود مادی می‌دانست که نیازهای اصلی او را نیازهای مادی تشکیل می‌دهند و نیازهایی مانند نیاز به اجتماع و قانون و نیاز به اخلاق، همه به‌خاطر نیازهای مادی پیدا شده‌اند. (صفحه ۷۴ کتاب درسی)

(۳) حکمت متعالیه، نام مکتب فلسفی ملاصدرا است. از منظر این مکتب فلسفی، در ابتدای زندگی هر انسانی معلوم نیست وی چه هویتی خواهد داشت، شجاع خواهد بود یا ترسو؟ عالم خواهد بود یا نادان؟ و ... همه آنها به صورت بالقوه در وجود انسان هست و بالفعل شدن هر کدام از آنها، به گزینش و شیوه زندگی افراد مربوط است. (صفحه ۸۱ و ۸۲ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

(۱) افلاطون (۲) مارکس (۳) حکمت متعالیه یا ملاصدرا

(هر مورد ۲۵/۰ نمره)

۱۹. از نظر حکمت متعالیه (مکتب فلسفی ملاصدرا یا صدرائیان)، روح انسان آخرین درجه تکاملی است که موجودات زنده می‌توانند به آن برسند. ظرفیت روح انسان پایان ندارد و روح می‌تواند به هر مرتبه کمالی در جهان مخلوقات دست یابد.

- حکمت متعالیه نام مکتب فلسفی ملاصدرا است.

- از دیدگاه حکمت متعالیه ملاصدرا یا صدرائیان، حقیقت انسان، حقیقتی دو بُعدی است: روح و بدن. اما روح، براساس این مکتب، چیزی ضمیمه شده به بدن نیست، بلکه نتیجه رشد و تکامل خود جسم و بدن است.

- از دیدگاه صدرائیان، مراحل تکاملی طبیعت، وقتی از گیاه و حیوان می‌گذرد و به انسان می‌رسد، ظرفیتی بی‌نهایت پیدا می‌کند و به هیچ درجه‌ای از کمال قانع نمی‌شود.

(صفحه ۸۱ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

از نظر حکمت متعالیه (مکتب فلسفی ملاصدرا یا صدرائیان)، روح انسان آخرین درجه تکاملی است که موجودات زنده می‌توانند به آن برسند (۵/۰ نمره). ظرفیت روح انسان پایان ندارد و روح می‌تواند به هر مرتبه کمالی در جهان مخلوقات دست یابد. (۵/۰ نمره)

۲۰. از نظر حکمت متعالیه، روح انسانی آخرین درجه تکاملی است که موجودات زنده می‌توانند به آن برسند. ظرفیت روح انسان پایان ندارد و روح می‌تواند به هر مرتبه کمالی در جهان مخلوقات دست یابد.

از منظر این مکتب فلسفی، اگرچه انسان ظرفیت و استعداد بی‌نهایت دارد، اما این استعداد، به معنای رسیدن حتمی وی به کمالات نیست، انسان باید با اختیار و اراده خود این ظرفیت را به فعلیت برساند.

(صفحه ۸۱ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

حکمت متعالیه - با اختیار و اراده خود

(هر مورد ۲۵/۰ نمره)



مشاوره کنکور نوتروفیل

بیستوفیل فلسفه درس ۱۱ یازدهم

سال یازدهم
انسانی

فهرست

۱ فعل طبیعی و فعل اخلاقی

۱ برخی دیدگاه ها در معیار فعل اخلاقی



فعل طبیعی و فعل اخلاقی



۱ عبارتهای ستون سمت راست را به مفاهیم ستون سمت چپ مرتبط کنید. (در سمت چپ یک مورد اضافی است.)

(الف) چرا قواعد اخلاقی مورد قبول عموم واقع می‌شوند؟	(۱) فلسفه اخلاق
(ب) چرا میان شناخت افراد از یک موضوع تفاوت وجود دارد؟	(۲) فلسفه علوم اجتماعی
(ج) آیا در هستی قانون علیت جاری است یا نه؟	(۳) وجودشناسی
	(۴) معرفت‌شناسی

۲ منظور از فعل اخلاقی چیست؟

۳ فعل طبیعی و اخلاقی را تعریف کنید؟

۴ کارهای انسان به چند دسته تقسیم می‌شود؟ نام برده و با مثال توضیح دهید.



برخی دیدگاه‌ها در معیار فعل اخلاقی



۵ افلاطون معیار نیک‌بختی انسان را چگونه توصیف می‌کند؟

۶ حالت افراط قوه عقل و تفریط قوه شهوت در نظریه اخلاقی ارسطو به ترتیب چه نام دارد؟

۷ مشخص کنید هر کدام از گزاره‌های زیر در مورد معیار فعل اخلاقی به کدام فیلسوف ارتباط دارد؟

(الف) معیار فعل اخلاقی، جست‌وجوی سعادت و نیک‌بختی انسان است.

(ب) معیار فعل اخلاقی، در رعایت حد اعتدال است.

۸ فضیلت و رذیلت را از دیدگاه افلاطون تعریف کنید.

۹ قوه غضب را از دید افلاطون تعریف کنید.

۱۰ جدول زیر را کامل کنید.

نام فیلسوف	کانت	۲	توماس هابز	۴
معیار فعل اخلاقی	۱	رعایت اعتدال	۳	رسیدن به سعادت حقیقی با فرمان عقل

۱۱ عبارتهای زیر را با کلمات مناسب تکمیل کنید.

(الف) مسائل فلسفی از جهت مانند مسائل ریاضی هستند.

(ب) آنچه در فلسفه‌های پذیرفته شود، اساس و شالوده نظریات در علوم قرار می‌گیرد.

(ج) سقراط روش بحث داشت.

(د) توجه ویژه به شناخت، سبب شد که شاخه معرفت‌شناسی فلسفه، رشد بیشتری کند.

(ه) از نظر افلاطون، عالم طبیعت سایه است.

(و) از نظر ارسطو، نفس انسان در هنگام تولد، حالت دارد.

(ز) ابن‌سینا نظر درباره حقیقت انسان را پسندید و کوشید این دیدگاه را عمیق‌تر بیان کند و ابعاد دیگر آن را روشن نماید.

(ح) فیلسوفان طبیعت‌گرا و ماتریالیست و عموم کسانی که بُعد روحی و معنوی را باور ندارند، ریشه‌های فعل اخلاقی را در همان انسان

جست‌وجو می‌کنند.





۱۲ عبارت‌های زیر را با کلمات مناسب تکمیل کنید.

- (الف) ما به کمک حواس پنج‌گانه با عالم آشنا می‌شویم و بسیاری از موجودات و ویژگی‌های آنها را می‌شناسیم.
- (ب) در شهود وحیانی، خداوند کلمات و عبارات خود را بر پیامبر نازل می‌کند و پیامبر آن کلمات و عبارات را دریافت می‌کند.
- (ج) از نظر افلاطون، عالم طبیعت سایه است.
- (د) معرفت فلسفی متکی بر است و بدون آن فلسفه اساساً وجود ندارد.
- (ه) نظر دقیق و روشن درباره انسان، در دوره یونان باستان، اولین بار از جانب ابراز شد.
- (و) از نظر حکمت متعالیه آخرین درجه تکاملی است که موجودات زنده می‌توانند به آن برسند.
- (ز) از نظر افلاطون، فعل اخلاقی اگر در جهت سعادت حقیقی باشد، محسوب می‌گردد.
- (ح) فیلسوفان طبیعت‌گرا و ماتریالیست و عموم کسانی که بُعد روحی و معنوی را باور ندارند، ریشه‌های فعل اخلاقی را در انسان جست‌وجو می‌کنند.

۱۳ مشخص کنید هر یک از عبارات زیر، متعلق به کدام جریان فکری یا کدام فیلسوف است؟

- (الف) اشیا هر طوری که در هر نوبت به نظر من می‌آیند، در آن نوبت همان‌طور هستند و هرطور که به نظر تو می‌آیند، برای تو نیز همان‌طور هستند.
- (ب) تنها موجودی که به‌طور خاص دارای عقل و خرد است، نفس است.
- (ج) هرگاه انسانی بخواهد در برابر دیگران آزادی زیادی داشته باشد، باید به دیگران هم حق بدهد که در برابر او به همان میزان آزاد باشند.
- (د) دو چیز همواره مرا به شگفتی وامی‌دارد: یکی آسمانی که بالای سر ماست، دیگر وجدانی که در درون ما قرار دارد.
- ۱۴ دیدگاه فیلسوفان طبیعت‌گرا و ماتریالیست در مورد قواعد اخلاقی و ارزش فضائل اخلاقی را شرح دهید.

۱۵ عبارت زیر بر مبنای قاعده اخلاقی کدام فیلسوف بیان شده است؟

«اشکالی ندارد که هرچقدر که می‌خواهی صدای موسیقی را زیاد کنی، فقط نباید مزاحم بقیه همسایه‌ها بشوی»

۱۶ تفاوت دیدگاه افلاطون و کانت در مورد «فضیلت» چیست؟

۱۷ درستی یا نادرستی هریک از عبارت‌های زیر را مشخص کنید.

- (الف) شناخت تمایزها و تفاوت‌های اشیا این امکان را به انسان می‌دهد که به کمک عقل خود از اشیای متفاوت استفاده‌های مختلف بکند.
- (ب) ارسطو از اولین دانشمندانی است که علوم تجربی را پایه‌گذاری کرد.
- (ج) دانشمندان و متفکرین پیرو سقراط از اولین کسانی بوده‌اند که درباره شناخت انسان و ارزش و اعتبار آن نظر داده‌اند.
- (د) فیلسوفان در مورد حقیقت انسان نظرات مختلف و گاه متضادی بیان کرده‌اند.
- (ه) ابن‌سینا نظر ارسطو درباره حقیقت انسان را نپسندید و کوشید دیدگاه عمیق‌تری در این مورد بیان کند.
- (و) براساس حکمت متعالیه ملاصدرا، روح نتیجه رشد و تکامل خود جسم است.
- (ز) از نظر فلاسفه مسلمان، اعتقاد خداوند به این معنا نیست که عمل به فضیلت، قطعی و حتمی می‌شود.
- (ح) از نظر کانت، هر کاری که انسان برای رسیدن به سعادت انجام دهد، فضیلت شمرده می‌شود.

۱۸ مفاهیم ستون سمت راست را با مفاهیم ستون سمت چپ مرتبط کنید. (در سمت چپ دو مورد اضافی است.)

(الف) ابزار شناسایی حالات درونی نفس و علل آنها	(۱) دکارت
(ب) تأکید بر تجربه‌گرایی	(۲) شهود
(ج) معتقدین به علاقه‌مندی فطری انسان به فضیلت‌ها	(۳) عقل
	(۴) فلاسفه مسلمان
	(۵) جان لاک

۱۹ ابن‌سینا و دیگر فلاسفه مسلمان، منع شناخت فضیلت‌ها و ردیلت‌ها را چه چیزی می‌دانستند و آن را از جهت تشخیص رفتار خوب و بد

انسان چه می‌نامند؟ از نظر آنان کمالاتی مانند عدل، احسان و ... باعث چه چیزی می‌شود؟

۲۰ چرا از نظر فیلسوفان مسلمان، با اینکه بشر فطراً علاقه‌مند به فضایل است، اما مرتکب رذایل اخلاقی می‌شود؟



پاسخنامه تشریحی

۱ الف) ۱: «فلسفه اخلاق» که یکی از اقسام فلسفه‌های مضاف است، درباره اخلاقی بودن انسان به عنوان موجودی که خوبی و بدی را درک می‌کند و کارهایی براساس این درک انجام می‌دهد، بحث می‌کند. (صفحه ۸۳ و ۸۶ کتاب درسی)

ب) ۴: تأمل درباره مسائل مربوط به شناخت، به طرح پرسش‌هایی درباره آن مانند شناخت چیست؟ چرا میان شناخت افراد از یک موضوع تفاوت وجود دارد؟ ... انجامیده است. این قبیل سؤال‌ها منجر به شکل‌گیری دانشی به نام «معرفت‌شناسی» شده است. (صفحه ۴۶ کتاب درسی)

ج) ۳: «هستی‌شناسی» یا «وجودشناسی» درباره قوانین و احکام کلی و عام حاکم بر هستی و وجود بحث می‌کند؛ مانند قانون علیت، در سراسر عالم جاری و ساری است. (صفحه ۱۲ و ۱۳ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

الف) ← ۱ (ب) ← ۴ (ج) ← ۳
(هر مورد ۲۵/۰ نمره)

۲ کارهای انسان را به طور کلی به دو دسته می‌توان تقسیم کرد:

الف) فعل طبیعی: کارهایی که انسان آنها را برای رفع نیازهای خود انجام می‌دهد مانند خوردن و خوابیدن و ورزش و ...
ب) فعل اخلاقی: کارهایی که مورد ستایش و تحسین یا مورد سرزنش و تقییح قرار می‌گیرند مانند احسان و گذشت یا مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی
(صفحه ۸۵ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

کارهایی هستند که مورد ستایش و تحسین یا مورد سرزنش و تقییح قرار می‌گیرند. (۵/۰ نمره)

۳ کارهایی که انسان آنها را برای رفع نیازهای طبیعی خود انجام می‌دهد، مانند کار، خرید، استراحت، ورزش و ... اینها را فعل طبیعی می‌نامند.
کارهایی نیز هستند که مورد ستایش و تحسین یا خدمت و سرزنش واقع می‌شوند، مانند احسان و کمک به دیگران، که اینها فعل اخلاقی است.

۴ کارهای انسان به دو دسته تقسیم می‌شوند.

کارهایی که انسان آنها را برای رفع نیازهای خود انجام می‌دهد «فعل طبیعی» می‌نامند.
مانند: خرید، کار، خواب و استراحت، آشپزی، ورزش و تفریح.
دسته دیگر کارهایی هستند که مورد ستایش و تحسین یا مذمت و سرزنش واقع می‌شوند و آنها را «فعل اخلاقی» می‌گویند.
مانند: احسان و کمک به دیگران، ایثار و فداکاری، مبارزه با ظلم و نابرابری.

۵ انسانی که آراسته به چهار فضیلت «حکمت»، «خویش‌داری»، «شجاعت»، «عدالت» است، نیک‌بخت است. این معیار میان همه انسان‌ها مشترک و ثابت است و با گذشت زمان تغییر نمی‌کند.

۶ حالت افراط قوه عقل، جُربُزه و حالت تفریط قوه شهوت، خمودی است.

- ارسطو، شاگرد افلاطون، درباره معیار فعل اخلاقی، نظری نزدیک به استاد خود دارد.

- ارسطو معتقد است که اگر عقل بر قوای دیگر حاکم شود، انسان به اعتدال در قوا می‌رسد و همین اعتدال، عامل سعادت و نیک‌بختی انسان است.

- به اعتقاد ارسطو، شهوت و غضب همواره در معرض افراط (زیاده‌روی) و تفریط (کوتاهی) هستند اما عقل به شرط اینکه خودش رشد کرده باشد و به درجات مناسبی از معرفت دست یافته باشد، می‌تواند مانع این افراط و تفریط شود.

(صفحه ۸۷ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

جُربُزه (۲۵/۰ نمره) - خمودی (۲۵/۰ نمره)

۷ الف) از نظر افلاطون فعل اخلاقی با سعادت و نیک‌بختی حقیقی آدمی رابطه دارد، به اعتقاد او، فعل اخلاقی اگر در جهت سعادت حقیقی باشد، فضیلت محسوب می‌گردد و اگر برخلاف سعادت باشند و باعث شقاوت گردد، رذیلت و بدی شمرده می‌شود. (صفحه ۸۶ کتاب درسی)

ب) ارسطو معتقد است که اگر عقل بر قوای دیگر حاکم شود، انسان به اعتدال در قوا می‌رسد و همین اعتدال، عامل سعادت و نیک‌بختی انسان است.

(صفحه ۸۷ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

الف) افلاطون (ب) ارسطو

(هر مورد ۲۵/۰ نمره)

۸ فعل اخلاقی اگر در جهت سعادت حقیقی باشد، فضیلت محسوب می‌شود و اگر برخلاف سعادت باشد و باعث تفاوت گردد، رذیلت و بدی شمرده می‌شود.

۹ انسان را در برابر خطرها و موانع دعوت به ایستادگی و عکس‌العمل می‌کند.

۱۰ (۱) وجدان اخلاقی (۲) ارسطو (۳) منفعت فردی (منافع طبیعی) (۴) افلاطون

۱۱



الف) روش (صفحه ۱۰ کتاب درسی)	ب) مضاف (صفحه ۱۵ کتاب درسی)
ج) ثابتی (صفحه ۳۷ کتاب درسی)	د) کانت (صفحه ۴۶ کتاب درسی)
هـ) عالم مُثُل (صفحه ۶۰ کتاب درسی)	و) بالقوه (صفحه ۷۲ کتاب درسی)
ز) ارسطو (صفحه ۷۹ کتاب درسی)	ح) رفتار طبیعی (صفحه ۸۹ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

الف) روش	ب) مضاف	ج) ثابتی	د) کانت
هـ) عالم مُثُل	و) بالقوه	ز) ارسطو	ح) رفتار طبیعی

(هر مورد ۰٫۲۵ نمره)

۱۲

الف) طبیعت (صفحه ۵۱ کتاب درسی)	ب) قلب (صفحه ۵۵ کتاب درسی)	ج) عالم مُثُل (صفحه ۶۰ کتاب درسی)
د) استدلال عقلی (صفحه ۶۳ کتاب درسی)	هـ) افلاطون (صفحه ۷۲ کتاب درسی)	و) روح انسان (صفحه ۸۱ کتاب درسی)
ز) فضیلت (صفحه ۸۶ کتاب درسی)	ح) رفتار طبیعی (صفحه ۸۹ کتاب درسی)	

راهنمای تصحیح:

الف) طبیعت	ب) قلب	ج) عالم مُثُل	د) استدلال عقلی
هـ) افلاطون	و) روح انسان	ز) فضیلت	ح) رفتار طبیعی

(هر مورد ۰٫۲۵ نمره)

۱۳ الف) پروتاگوراس (صفحه ۶۰ کتاب درسی)

ب) افلاطون (صفحه ۷۲ کتاب درسی)

ج) توماس هابز (صفحه ۸۹ کتاب درسی)

د) کانت (صفحه ۸۸ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

الف) پروتاگوراس ب) افلاطون ج) توماس هابز د) کانت

(هر مورد ۰٫۲۵ نمره)

۱۴ از نظر فیلسوفان طبیعت‌گرا و ماتریالیست و عموم کسانی که بُعد روحی و معنوی را باور ندارند، ریشه‌های فعل اخلاقی را باید در رفتار طبیعی انسان جست‌وجو کرد. از نظر این دسته از فلاسفه ماتریالیست، از آنجا که انسان زندگی اجتماعی دارد، ناگزیر است منفعت دیگران را رعایت کند؛ زیرا در غیر این صورت، منفعت خودش نیز حفظ نمی‌شود، بنابراین اولین قانون اخلاقی از این منظر این است که: «آنچه برای خود می‌پسندی، برای دیگران هم بپسند. در این صورت است که می‌توانی با دیگران زیست کنی.» بنابر این دیدگاه، انسان از زمانی که دریافته نفع او در گرو نفع دیگران است، قواعد اخلاقی را ابداع کرده و مثلاً گفته: باید با دیگران راستگویی پیشه کرد. بر این اساس اموری مانند صداقت، عدالت و امانت‌داری در واقع ارزش حقیقی ندارند و حقیقتاً فضیلت شمرده نمی‌شود.

(صفحه ۸۹ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

بنابر این دیدگاه، انسان از زمانی که دریافته نفع او در گرو نفع دیگران است، قواعد اخلاقی را ابداع کرده و مثلاً گفته: باید با دیگران راستگویی پیشه کرد (۰٫۵ نمره) بر این اساس اموری مانند صداقت، عدالت و امانت‌داری در واقع ارزش حقیقی ندارند و حقیقتاً فضیلت شمرده نمی‌شود (۰٫۵ نمره).

۱۵ توماس هابز / تجربه‌گرایان / ماده‌گراها / ماتریالیست‌ها / داروینیست‌ها

۱۶ از نظر افلاطون فعل اخلاقی اگر در جهت سعادت حقیقی باشد، فضیلت محسوب می‌گردد. اما از نظر کانت هر کاری را، فقط بدان جهت که وجدان بدان دعوت می‌کند صرفاً برای اطاعت از وجدان انجام دهد، فضیلت شمرده می‌شود.

۱۷ الف) درست (صفحه ۵۱ کتاب درسی)

ب) نادرست؛ ارسطو از اولین دانشمندانی است که مبانی علوم تجربی را پایه‌گذاری کرد. (صفحه ۵۲ کتاب درسی)

ج) نادرست؛ دانشمندان و متفکرین پیش از سقراط (فلاسفه نخستین در ایونیا) از اولین کسانی بودند که درباره شناخت انسان و ارزش و اعتبار آن نظر داده‌اند. (صفحه ۵۹ کتاب درسی)

د) درست (صفحه ۷۱ کتاب درسی)

هـ) نادرست؛ ابن‌سینا نظر ارسطو درباره حقیقت انسان را پسندید و کوشید این دیدگاه را عمیق‌تر بیان کند و ابعاد دیگر آن را روشن نماید. (صفحه ۷۹ کتاب درسی)

و) درست (صفحه ۸۱ کتاب درسی)

ز) درست (صفحه ۹۱ کتاب درسی)

ح) نادرست؛ از نظر کانت، هر کاری که انسان آن را صرفاً برای اطاعت از وجدان خود انجام دهد و هیچ‌گونه هدف و منفعت شخصی در آن نداشته باشد، خیر اخلاقی شمرده می‌شود. (صفحه ۸۸ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:



الف) درست	ب) نادرست	ج) نادرست	د) درست
هـ) نادرست	و) درست	ز) درست	ح) نادرست

(هر مورد ۲۵/۰ نمره)

۱۸ الف) ۳: نیروی عقل، علاوه بر استفاده از حواس بیرونی مانند چشم و گوش، می‌تواند حالات درونی نفس مانند شادی، درد، محبت و ... را شناسایی کند و درباره آنها نظر دهد. (صفحه ۵۳ کتاب درسی)

ب) ۵: پس از فرانسیس بیکن، فیلسوفان دیگری مانند جان لاک، فیلسوف قرن هفدهم انگلستان، نیز روش او را دنبال کردند و بر تجربه‌گرایی تأکید ورزیدند. (صفحه ۶۴ کتاب درسی)
ج) ۴: فلاسفه مسلمان می‌گویند اگرچه بشر به فضیلت‌ها فطرتاً علاقه‌مند است و عقل انسان آنها را زیبا و خوب می‌داند، اما انتخاب این فضائل و عمل به آنها چندان هم آسان نیست. (صفحه ۹۰ کتاب درسی)
راهنمای تصحیح:

الف) ← ۳ (عقل) ب) ← ۵ (جان لاک) ج) ← ۴ (فلاسفه مسلمان)

(هر مورد ۲۵/۰ نمره)

۱۹ عقل را منبع شناخت فضیلت‌ها و رذیلت‌ها می‌دانند و این عقل را از آن جهت که رفتار خوب و بد انسان را تشخیص می‌دهد، عقل عملی می‌نامند - باعث رشد و کمال روح می‌شوند. ابن‌سینا و دیگر فلاسفه مسلمان، در مورد معیار فعل اخلاقی، دیدگاهی نزدیک به افلاطون و ارسطو دارند. آنان نیز، عقل را (عقل عملی) منبع شناخت فضیلت‌ها و رذیلت‌ها می‌دانند. عقل، فضیلت‌هایی مانند عدل، احسان، خویش‌داری و شجاعت را کمالاتی می‌داند که باعث رشد و کمال روح می‌شود. (صفحه ۹۰ کتاب درسی)

راهنمای تصحیح:

عقل را منبع شناخت فضیلت‌ها و رذیلت‌ها می‌دانند و این عقل را از آن جهت که رفتار خوب و بد انسان را تشخیص می‌دهد، عقل عملی می‌نامند (۵/۰ نمره) - باعث رشد و کمال روح می‌شوند (۵/۰ نمره).

۲۰ علت انجام رذایل اخلاقی این است که گاهی میان فضیلت‌ها و منافع و تمایلات مادی و حیوانی انسان تلاقی پیدا می‌شود؛ در چنین شرایطی اگر تمایلات حیوانی و مادی قوی باشند انسان را به سوی خود می‌کشانند و مانع رسیدن او به فضیلت‌ها می‌شوند و حتی او را به سوی رذیلت‌ها سوق می‌دهند.